

بررسی صرف فعل ایرانی باستان و مقایسه آن با سنسکریت

با مقدمه‌ای بر
زبانهای ایرانی باستان

تألیف: هما قائد شرفی

۲۱

اشارات ایران ارشاد

در انجمن توحید کتب معترفین به نبوت و شکر و توحید

مرکز فروش

تهران - بلوار کشاورز مقابل پارک لاله جنب

اداره مهندسی ژاندارمری پاساژ ۱۱

فرهنگسرای علوم و تکنولوژی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



بررسی صرف فعل ایرانی باستان و مقایسه آن با سنسکریت

با مقدمه‌ای بر
زبانهای ایرانی باستان



آشادات ایران ارشاد



اشارات ایران ارشاد

تهران - میدان انقلاب خیابان شهدای ژاندارمری (مشتاق سابق) مابین
فروردین و اردیبهشت شماره ۲۱۳ - صندوق پستی ۱۳۱۸۵/۵۹۱
تلفن ۶۶۸۱۷۸

- نام کتاب : بررسی صرف فعل ایرانی باستان و مقایسه آن با سنسکریت
- تألیف : هما قائد شریفی
- چاپ اول : زمستان ۶۶
- چاپ : چاپ احمدی
- تیراژ : ۳۰۰۰

(کلیه حقوق محفوظ و مخصوص ناشر است)



تقدیم به :

پدر و مادر عزیزم

فهرست مندرجات

صفحه	عنوان
هشت	فهرست جدولها
ده	کوتاه نوشته ها
یازده	پیشگفتار
	فصل اول - مقدمه
۴ - ۱	زبانهای ایرانی باستان
	۱- زبان اوستا - ۲. زبان فارسی باستان - ۳. زبان سکائی
	۴. زبان مادی - دیگر زبانهای ایرانی باستان - مفهوم گروه
	(خانواده) زبانهای ایرانی . - اشتراک قواعد دستوری
	زبانهای ایرانی . - ارتباط اصوات میان زبانهای ایرانی
	تابع نظمى است . - زبان شناسی ایرانی - روش تاریخی و
	تطبیقی در زبان شناسی ایرانی.
۹ - ۵	جدا شدن زبانهای ایرانی بصورت گروهی مستقل
	قبایل آریائی زبان در آسیای میانه . - ادوار تاریخ
	زبانهای ایرانی.
۲۴ - ۹	آثار مکتوب دوران باستانی زبانهای ایرانی
۱۷ - ۹	۱. اوستا
	تاریخ کشف و مطالعه اوستا . - ترکیب و مضمون و
	مندرجات اوستا ، ۱ - یسنه - ۲ - ویسپرد - ۳ - ویدوات
	۴ - شتها - ۵ - خرده اوستا یا بخشهای بریده بریده . .
	زبان اوستا یا اوستائی - زمان و مکان تدوین اوستا . -
	آوانگاری اصوات اوستائی

صفحه	عنوان
۱۷ - ۱۰	II. فارسی باستان
	کشف و فرائت . - شرح مختصری از کتیبه‌های میخی
	فارسی باستان . - کتیبه کورش کبیر - کتیبه‌های داریوش
	کتیبه‌های خشایارشا . - کتیبه‌های دیگر شاهان هخامنشی
۲۰	اهمیت تاریخی کتیبه‌های فارسی باستان
۲۱	زبان و سبک انشای کتیبه‌های میخی فارسی باستان
۲۲	خطمیخی فارسی باستان و منشأ آن
	نشانه‌های هجائی فارسی باستان - آوانگاری
	اصوات فارسی باستان . - آوانگاری اصوات سنسکریت .
۲۵	مراجع
	فصل دوم
۲۶ - ۲۹	مروری بر تحقیقات گذشته
	فصل سوم
	صرف فعل
۳۰ - ۶۸	کلیات
	ش. ۱ - ۱۰ زمان فعل ، وجه ، شمار و شخص . -
	ش. ۱۱ . تصریف‌های ثانویه . - ش. ۱۲ . اشکال
	انتزاعی فعل . - ش. ۱۳ . عبارات فعلی حشوی . -
	ش. ۱۴ . شناسه‌های شخصی . - ش. ۱۷ . شمای کلی
	شناسه‌های شخصی . - ش. ۱۸ - ۵۸ . توضیحات کلی
	در مورد شناسه‌ها . - ش. ۵۹ - ۶۴ . ساخت و نحوه ، وجه

التزامی ، وجه تمنائی . ش . ۶۵ . صفت فاعلی . -
 ش . ۶۶ . وجه ربطی . ش . ۶۷ . اینجاکنیو . ش ۶۸ - ۷۱
 مضاعف شدن . ش . ۷۲ . آگمنت . ش . ۷۳ - ۷۷ .
 گونا و وردهی .

I . دستگاه زمان حال

۶۸ - ۹۳

ش . ۷۸ - ۷۹ کلیات . ش . ۸۰ - ۸۳ طبقات صرفی
 ش . ۸۴ . انتقال صرفی . ش . ۸۵ - ۹۰ صرف تماتیک
 . ش . ۹۱ . طبقه ۱ (طبقه - a ، ریشه قوی) . -
 ش . ۹۲ . طبقه ۶ (طبقه - a ، ریشه قوی نشده) . -
 ش . ۹۳ . طبقه ۴ (طبقه - ya) . ش . ۹۴ - ۱۱۸ .
 طبقه ۱۰ (طبقه - aya) . ش . ۱۱۹ - ۱۲۶ . صرف
 غیر تماتیک . ش ۱۲۷ - ۱۳۷ . طبقه ۲ (طبقه ریشه ای) .
 ش . ۱۳۸ - ۱۴۴ طبقه ۳ (طبقه مضاعف) . ش . ۱۴۵ - ۱۵۰
 طبقه ۷ (طبقه غنه) . ش . ۱۵۱ - ۱۵۴ . طبقه ۵ (طبقه
 nu) . ش . ۱۵۵ - ۱۶۱ . طبقه ۸ (طبقه - u) .

II . دستگاه تام

۹۴ - ۱۰۵

ش . ۱۶۲ - ۱۶۸ . ساخت تام . ش . ۱۶۹ . جدول شناسه
 های تام . ش . ۱۷۴ . پلوپرفکت . ش . -
 ۱۷۵ - ۱۸۷ . ساخت وجهی تام . ش . ۱۸۸ . عدم
 وجو د ستاک مضاعف . ش . ۱۹۰ . تام حشوی .

III . دستگاه ائوریست

۱۰۶ - ۱۱۶

ش . ۱۹۱ - ۱۹۲ . ساخت و طبقه بندی دستگاه ائوریست

- ش. ۱۹۳ . آگمت و شناسه . — ش. ۱۹۴ .
 وجوه آئوریست . — ش. ۱۹۵ — ۲۲۳ . گروه آئوریست
 بدون S ، (۱) آئوریست ریشه‌ای ، (۲) آئوریست ساده ،
 (۳) آئوریست مضاعف . — ش. ۲۲۴ — ۲۳۲ . گروه آئوریست
 s دار ، (۴) h (s) — آئوریست ، (۵) (sa) — ha
 آئوریست ، (۶) — iš — آئوریست ، (۷) — hiš — آئوریست .
 ش. ۲۳۳ — ۲۳۴ . آئوریست مجهول ، سوم شخص مفرد .

IV . دستگاه آینده

۱۱۷ — ۱۱۹

- ش. ۲۳۵ . انواع آینده . — ش. ۲۳۶ آینده s دار
 — ش. ۲۳۷ وجوه آینده . — ش. ۲۳۸ .
 ۲۴۵ . ساخت آینده و صرف آن .

v . تصریف های ثانویه

۱۲۰ — ۱۳۳

- ش. ۲۴۶ . تصریف های ثانویه و ساختهای آن .
 ش. ۲۴۷ — ۲۵۳ . مجهول . — ش. ۲۵۴ — ۲۶۴ .
 سبی . — ش. ۲۶۵ — ۲۶۶ . جعلی . — ش. ۲۶۷ — ۲۶۸ .
 آغازی . — ش. ۲۶۹ — ۲۷۱ . آرزویی . — ش. ۲۷۲ — ۲۷۵ .
 تشدید .

vI . اشکال انتزاعی فعل

۱۳۴ — ۱۴۳

- ش. ۲۷۸ . اشکال انتزاعی فعل . — ش. ۲۷۹ — ۲۸۵ .
 الف . وجه وصفی معلوم و میانه . — ش. ۲۸۶ — ۲۸۸ .
 ب . جراندیو و جراند . — ش. ۲۸۹ — ۲۹۱ . ج .

عنوان صفحه

مصدر . - ش . ۲۹۲-۲۹۴ . عبارات فعلی حشوی .

فصل چهارم

خلاصه و نتیجه‌گیری ۱۴۴-۱۴۷

قرائت دو زبان اوستا و سنسکریت . - و روابط میان
گویش‌ها در عصر زبان ایرانی باستانی . - طبقه
بدی زبانهای ایرانی از لحاظ گویش شناسی . -
جریان انتقال زبانهای ایرانی از حالت باستانی
به صورت زبان میانه ایرانی .

کتابنامه

الف - کتابنامه زبان آلمانی و انگلیسی ۱۴۸-۱۴۹

ب - کتابنامه به زبان فارسی ۱۴۹ مکرر

واژه‌نامه فارسی به انگلیسی ۱۵۰-۱۵۳

چکیده بزبان انگلیسی

صفحه عنوان بزبان انگلیسی

فهرست جدول‌ها

۳۷	جدول شماره ۱ . شناسه‌های نوع اول - I . معلوم
۳۸	جدول شماره ۲ . شناسه‌های نوع اول - II . میانه
۳۹	جدول شماره ۳ . شناسه‌های نوع دوم - I . معلوم
۴۰	جدول شماره ۴ . شناسه‌های نوع دوم - II . میانه
۴۱	جدول شماره ۵ . شناسه‌های امری - I . معلوم
۴۱	جدول شماره ۶ . شناسه‌های امری - II میانه
۵۵	جدول شماره ۷ . شناسه‌های التزامی - I . معلوم
۵۶	جدول شماره ۸ . شناسه‌های التزامی - II میانه
۵۸	جدول شماره ۹ . شناسه‌های تمنائی - الف . صرف تماتیک
	I . معلوم .
۵۹	جدول شماره ۱۰ . شناسه‌های تمنائی - الف . صرف تماتیک
	II میانه .
۵۹	جدول شماره ۱۱ . شناسه‌های تمنائی - ب . صرف غیر-
	تماتیک I معلوم .
۶۰	جدول شماره ۱۲ - شناسه‌های تمنائی - ب . صرف غیر-
	تماتیک II میانه .
۹۸	جدول شماره ۱۳ . شناسه‌های تام I . معلوم .
۹۹	جدول شماره ۱۴ . شناسه‌های تام II . میانه .

کوتاه نوشتنه ها

Av. : Avesta :	اوستا
GAv.: Gatha Avesta :	اوستای گاهانی
Op. : Old Persian :	فارسی باستان
Phl.: Pahlavi :	پهلوی
P ^{Ar} .: Pre-Aryan :	قبل از آریائی
P ^{IE} : Pre - Indo - European :	قبل از هند و اروپائی
Skt.: Sanskrit :	سنسکریت
Xpf.: Xerxes Persepolis f.	
Xph.: Xerxes Persepolis Hamadan	
YAv.: Younger Avesta :	اوستای متاخر
ZPhl.Gloss : Zand - Pahlavi Glossary :	واژه نامه زند پهلوی

اوستای م . : اوستای متاخر

اوستای گ . : اوستای گاهانی

جک . : جکسون Jackson

سنسکریت م . : سنسکریت متاخر

نک . : نگاه کنید به

* این نشانه در آغاز واژه نشانه مفروض بودن آن است .

بنام ایزدبخشایشگر

پیشگفتار

زبانهای ایرانی یکی از گروههای زبانهای آریائی (هند و ایرانی) است و زبانهای آریائی یکی از شاخه‌های مهم خانواده زبانهای هند و اروپائی است.

از آنجائی که اوستا و فارسی باستان خویشاوندی بسیار نزدیکی با سنسکریت دارند و دستور زبان آنها بر پایه زبان دیگر آریائی یعنی سنسکریت نوشته شده است و از طرف دیگر پیوستگی بسیار نزدیکی با فارسی میانه و سپس با فارسی نو دارد، نتیجتاً "بررسی دستور زبانهای ایرانی باستان امری بسیار ضروری به نظر میرسد.

نوشته حاضر در "بررسی صرف فعل ایرانی باستان و مقایسه آن با سنسکریت" است. در این کتاب زمینه‌های گوناگون فعل در اوستا و فارسی باستان از یک طرف و مقایسه آن با سنسکریت از طرف دیگر مورد بررسی قرار گرفته است و از صرف فعل (تصرفهای اولیه و ثانویه) و مقوله‌های آن، در رابطه با حالات مختلف، زمان و گوناگونی و مراحل آن، وجه فعل و انواع آن، شمار و شخص، شناسه‌های شخصی (نوع اول و دوم) و موارد استعمال آنها، بالاخره اشکال انتزاعی فعل و صور مختلف آن مورد بررسی قرار گرفته است و در هر مورد مثالهای مناسب برای نتایج بدست آمده آورده شده است.

در زمینه این موضوع تحقیقاتی که تا بحال انجام شده به زبانهای خارجی بخصوص آلمانی، انگلیسی و فرانسوی می باشد و اصولاً به زبان فارسی

کاری در این مورد انجام نشده است^۱. اما سرانجام برای مطالعه و آگاهی دانشجویان این کار می باید انجام می گرفت که با تشویق و راهنمایی استادانم و با توجه به منابع موجود، این وظیفه مهم به من واگذار شد و اگر راهنماییها و پشت گرمیهای آنان نبود هرگز بخود چنین اجازه ای را نمیدادم، چه، راه سخت بود و گام نهادن در آن مشکل. بدیهی است که در این کار باید ابهامات و اشکالات فراوانی وجود داشته باشد. بهر حال به شکلی که ملاحظه می نمائید این کتاب فراهم گردید.

امید است انجام این کار مقدمه ای باشد در جهت بررسی کامل تر آن که با راهنماییهای متخصصان و استادان فن در چاپ بعدی نقایص و کاستیهای آن برطرف گردد.

* * *

در پایان از همکاریهایی صمیمانه استادان گرانقدر آقایان دکتر محمود طاووسی که همواره راهنما و یاور من بوده اند و اوقات عزیز خود را در اختیار این جانب قرار داده اند و دکتر لطف الله یا محمدی که در امر بررسی این اثر زحمات زیادی را متحمل شده اند و نیز خانم راکبیا که با سعی و کوشش فراوان تایپ آنرا عهده دار شدند کمال تشکر را دارم.

شیراز ۱۳۶۶

هما قاند شرفی

۱. (به جز:) محمد تقی راشد محصل، درآمدی بر دستور زبان اوستائی و بررسی یسن نهم، (تهران: کاریان، ۱۳۶۴).

بنام خدا

مقدمه

فصل اول: زبانهای ایرانی باستان

گروه زبانهای ایرانی یکی از شاخه‌های زبانهای هند و ایرانی است. کلمه "آری" لفظی است که از دیرترین زمان، ساکنان دو قوم ایرانی و هندی‌تبار به خود می‌گفتند، در هندی باستان این نام به کسانی اطلاق می‌شد که به زبان سنسکریت گفتگو می‌کردند^۱. از تاریخ اشعاب زبانهای ایرانی از زبان مشترک آریایی، یعنی تقریباً "از آغاز هزاره دوم قبل از میلاد تا قرن چهارم و سوم قبل از میلاد. زبانهای ایرانی باستان به صورتهای مختلفی تحول پیدا کرد و زبانهای متعددی در نواحی مختلف نجد ایران از آن بوجود آمد.

بطور کلی زبانهای باستانی ایرانی که تا کنون شناخته شده‌اند عبارتند از: ۱- اوستا ۲- فارسی باستان ۳- سکائی (اسکیتی) ۴- مادی.

۱- زبان اوستا [یا اوستائی] اوستائی به زبانی اطلاق می‌شود که اوستا، یعنی کتاب مقدس آئین زردشتی به آن نوشته شده است. بدرستی معلوم نیست که در کدام ناحیه از سرزمین پهناور ایران این زبان به کار می‌رفته است.

۲- زبان فارسی باستان - زبان مردمی بود که در نیمه نخستین هزاره اول قبل از میلاد

۱- پرویز ناتل خانلری (۱۳۴۹، ۱۹۹۰)

در بخش جنوب غربی نجد ایران ساکن بودند و بعداً " شاهنشاهی هخامنشی را بر پا کردند .
آثاری که از این زبان باقی مانده شامل کتیبه‌هایی است به خط میخی فارسی باستان در نقاط
مختلف کشور .

۳- زبان سکائی (اسکیتی)- زبان قبایل سکائی و سَرمتی است که از قرن هشتم و هفتم
ق . م تا قرنهای چهارم و پنجم بعد از میلاد در کرانه‌های شمالی دریای سیاه ساکن بوده‌اند .
از این زبان آثاری باقی نمانده و تنها پاره‌ای کلمات اسکیتی (سکائی) و (بیشتر اسامی خاص
و نامهای قبایل و اماکن) در تالیفات یونانی و هندی و لاتینی دیده می‌شود ، مانند : aspa
"اسب" ، bazū "بازو" ، gauša "گوش" .

۴- زبان مادی- زبان قبایل مادی بود که در نیمه اول هزاره اول قبل از میلاد در بخش
شمالی نجد ایران و جنوب دریای خزر اقامت داشتند . اطلاعات مادر باره این زبان حتی از-
زبان سکائی نیز کمتر است . کلماتی معدود از زبان مادی در تالیفات هرودوت مورخ مشهور
یونان باستان و برخی دیگر متون یونانی و فارسی باستان محفوظ مانده است .

دیگر زبانهای ایرانی باستان^۲ - عده‌ای از زبان‌شناسان از روی قرائنی معتقد به وجود
چند زبان ایرانی دیگر در دوره باستان می‌باشند . از آن جمله اند زبانهای که در دوره -
زبانهای ایرانی میانه از آنها آثاری در دست داریم و به حکم موازین زبان شاسی درمی‌یابیم
که اصل آنها با زبانهای ایرانی باستان (اوستا ، فارسی باستان ، مادی ، سکائی) یکسان نبوده
و بنابراین باید معتقد شد که صورت باستانی هریک از آنها به موازات زبانهای فارسی باستان و
اوستائی وجود داشته است .

بر اساس این قیاس باید به وجود یک زبان " پارسی باستان " فائل شد که گویش کهن
دیگری منشعب از " ایرانی باستان " بوده و یا فارسی باستان قرابت بسیار نزدیک و اختلاف-
های جزئی داشته است و از آن ، زبان " پرتوی " یا " پهلوانیک " منشعب شده است . و نیز
البته زبان " سغدی باستانی " هم بوده که در دوره بعد زبان سغدی میانه " از آن باز-

۲- پرویز ناتل خانلری (۱۳۴۹ ، ۲۲۱)

مانده است. اما از این زبان باستانی هیچ نشانه و سندی، حتی غیر مستقیم در دست نیست

مفهوم گروه (خانواده) زبانهای ایرانی - این را که مفهوم کلی زبانهای ایرانی چیست

و چرا چنین خوانده می‌شوند و چگونه زیر عنوان گروه واحدی متحد شده‌اند باید در اشتراک ساختمان دستوری و ذخیره اصلی لغوی آنها جستجو کرد. اگر ترکیب ذخیره اصلی لغوی زبانهای ایرانی را که اکنون در سرزمینهای دور از یکدیگر تکلم می‌شوند و یا هزاران سال پیشتر وجود داشته‌اند با یکدیگر مقایسه کنیم در همان نگاه اول مشابهت عجیبی در میان آنها بچشم می‌خورد. چنانکه قواعد دستوری زبانهای ایرانی را با یکدیگر مقایسه کنیم - مثلاً "در مورد صرف‌صماثر - این پدیده روشن تر می‌شود.

اشکال صمیر اول شخص مفرد را در زبانهای ایرانی مختلف با یکدیگر مقایسه می‌کنیم:

حالت فاعلی - اوستایی azəm، فارسی باستان adam، آستی (آسی) äz، افغانسی zə، کردی äz، طالشی äz، اشکشی az، روشنی az، شوغنانی wuz "من". -
حالت اضافی - اوستایی mana "ما" فارسی باستان mana (حالت اضافی و برائی) "ما" و "به من"، فارسی میانه "man" "من"، فارسی کنونی mən "من"، تاجیکی man "من"، بلوچی man "من"، و کردی mən (حالت بواسطه) "ما" یا بوسیله من "و غیره.

اشتراک قواعد دستوری زبانهای ایرانی - سرچشمه واحدی که تمام زبانهای ایرانی از آن

ریشه می‌گیرند بطور قراردادی زبان اصلی مشترک ایرانی خوانده می‌شود. این زبان اصلی ایرانی، یکی از گروههای زبانهای "آریائی" یا "هند و ایرانی" است و زبانهای "هند و ایرانی" یکی از شعبه‌های مهم خانواده زبانهای "هند و اروپائی" است. تمام زبانهای ایرانی خویشاوند، اعم از باستانی و کنونی و زبانهای واحد خط و بدون خط و صرف نظر از شمار، در واقع گویش‌های متفرع از زبان مشترک اصلی ایرانی‌اند، که در طی تکامل در زمان‌های دراز به شکل زبانهای مستقل درآمده‌اند. این مایه اصلی و مشترک در هریک از زبانهای ایرانی بر حسب قواعد داخلی و تکامل هر زبان بخصوص، دستخوش تغییر گردیده و چون قواعد داخلی و آهنگ تکامل زبانهای ایرانی متفاوت بوده، بدیهی است که مایه اصلی‌ای که در

آغاز برای همه مشترک بوده ، تغییر شکل یافته و در هر یک از زبانهای ایرانی به صورت دیگری درآمده است . و این خود یکی از علل اصلی اختلافی است که در زبانهای مختلف ایرانی وجود دارد . در بسیاری از موارد ، تطور زبانهای ایرانی و تفاوت میان آنها چنان عمیق شده که متکلمان بدان زبانها از فهم سخن یکدیگر عاجزند و در برخی موارد ، نیز اختلاف چندان اندک است که متکلمان دو زبان با اینکه هر یک به زبان اندک متفاوت خویش تکلم می‌کنند ، سخن یکدیگر را می‌فهمند .

ارتباط اصوات میان زبانهای ایرانی تابع نظمی است - تغییر اصوات در طی تکامل هر زبان تابع نظمی است . باین معنی که اصوات متشابه که در وضع متشابهی قرار گیرند علی - القاعده دستخوش تغییرات متشابه می‌شوند . وجود مطابقت های منظم صوتی در کلمات زبانهای ایرانی دلیل قاطعی است بر این که زبانهای مزبور واحدی کامل بوده و همبستگی درونی داشته و مشابهت هایی که در آنها بچشم می‌خورد ، ریشه تاریخی دارد . مثال : فارسی باستان raucah ، اوستا - raocah ، فارسی باستان asa ، اوستا aspa .

زبان شناسی ایرانی - زبان شناسی ایرانی ، علمی است که گروه زبانهای ایرانی و تکامل و تطور آنها را در تاریخ مورد بررسی قرار می‌دهند . زبان شناسی^{نی} ایرانی علمی است که به بررسی نحوه تکامل و انشعاب گویش های ایرانی می‌پردازد - یعنی زبانهایی که با یکدیگر خویشاوندی نسبی دارند ، و به تدریج طی تاریخ تغییر و تطور یافته‌اند . لازمه تحقیق در زمینه زبان شناسی ایرانی همانا دانستن زبانهای ایرانی است .

روش تاریخی و تطبیقی در زبان شناسی ایرانی - روش بنیادی بررسی در علم زبان - شناسی ایرانی ، روش تاریخی و تطبیقی است و وسیله رسیدن بدین مقصود تطبیق زبان منظور (با گروه زبانها) با زبانهای خویشاوند است که در زبان شناسی ایرانی این شیوه موفقیت - آمیز بوده . گشودن رمز زبان کتیبه‌های فارسی باستان و درک معنای صحیح نوشته‌های اوستائی و آثار و اسنادی که به زبانهای دیگر ایرانی نوشته شده ، تنها با به کار بستن این شیوه میسر شده که روابط میان زبانهای ایرانی و قوانین داخلی تکامل هر یک از آنها را آشکار کرده است .

جدا شدن زبانهای ایرانی بصورت گروهی مستقل

قدیمیترین سرزمینی که مقر مردم ایرانی زبان بوده و پژوهشهای تاریخی از آن خبر میدهد، آسیای میانه و بواخی مجاور آن است. بخش بزرگ سرزمین پهناور آسیای میانه در پیرامون مسیر دورود بزرگ آمودریا (جیحون) و سیردریا (سیحون) گسترده است. از غرب به کرانه شرقی دریای خزر، از شمال به دشت قزاقستان و از مشرق تا ترکستان چین هم می‌رسد و حد جنوبی آن نبت است. بخش جنوب شرقی را کوه‌های بلند "پامیر"، "وآلای" و "دروازه" و "قره تکین" و "حصار" و بخش جنوب غربی را نجد ایران پر چین می‌کند. شرایط جغرافیائی آسیای میانه، به عقیده باستان شناسان، یکی از قدیمیترین کانونهای مستعد سکونت انسان را پدید آورده است.

قبایل آریائی زبان در آسیای میانه - در باره زبان گذشته مردم آسیای میانه - تا آستانه هزاره سوم و دوم قبل از میلاد - هیچ اطلاع دقیقی در دست نیست. تا اینکه از آن زمان (یعنی قریب دوهزار سال پیش از میلاد) وجود قبایل آریائی در آن سامان معلوم گردید. قبایلی که باستانی ترین آثار زبانهای هندی یعنی ودا و قبایلی که قدیمترین آثار زبانهای ایرانی یعنی سرودهای اوستا را پدید آوردند - خود خویش را "آریائی" می‌خواندند. ودا و اوستا - آثاری چند لایه می‌باشند. - به این معنی که مجموعه‌ای از اعتقادات روحانی وادعیه و سایش‌های مذهبی و افسانه‌ها و سرودهای اساطیری همراه با خواسته‌های قبیلای هستند. مشخصان هندشناس تدوین قدیمترین مجموعه ودا یعنی ریگ ودا را به اواسط هزاره دوم قبل از میلاد و به سرزمین هندوستان مربوط می‌دانند. تدوین و ترتیب نهائی و تحریر اوستا در زمانی متاخرتر، یعنی نخستین قرنهای بعد از میلاد در سرزمین ایران صورت گرفت.

مع هدا از تجزیه و تحلیل قدیمترین بخشهای ریگ ودا و اوستا چنین معلوم می‌گردد که نیاکان قبایل ایرانی زبان که اوستا را پدید آوردند و نیاکان قبایل هندو زبان که ودا را سرودند در ازمنه بسیار قدیم بجای در سرزمین واحد می‌زیستند و به گویش‌های آریائی که از هسرحیت به یکدیگر نزدیک و خویشاوند بوده‌اند سخن می‌گفتند. موضوع‌های مشترک حماسی ای که پایه و مایه سرودهای باستانی اوستا و ریگ ودا را تشکیل میدهند و معتقدات مشترک دینی گویندگان

سرودهای مذکور و نام مشترک آریا (در اوستا $\check{a}rya$ و در ودا $\check{a}rya$) شواهدی می‌باشند که درستی نظر فوق را گواهی می‌دهند . حتی نامهای خاص ایزدان و پهلوانانی که در سرودهای اوستا و ریگ ودا مورد ستایش قرار گرفته‌اند غالبا " یکی هستند .

واژه‌مهربرابر است با میثرا در اوستا و میترا در وداها و " وات ، وِیو " ^۳ حدای باد و فضا که در ودا آمده با وات در اوستا و " اپام - نپات " ^۴ ودائی با اپام - نپات اوستائی که به معنی ایزد مذکر آبهاست مطابق است . اوستا و ریگ ودا - هر دو - با پرستش آتش و پرستش آشامیدنی مستی آوری آشنا هستند که از شیره گیاهی تهیه شده و در ودا " $s\acute{o}ma$ " و در اوستا $Haoma$ (از $\sqrt{hu}$ معادل $\sqrt{su}$ سنسکریت به معنی فشردن ، بدست آوردن) خوانده می‌شود . اشتراک بحور و اوزان در بخش منظوم اوستا و ریگ ودا نیز ملاحظه شده‌است . در بسیاری از موارد بخشهای حماسی منظوم هر دو اثر به صورت مصراع های هشت هجائی سروده شده‌اند ، ولی مهمترین دلیل وحدت قدیم این دو قبیله آریائی ، همانا خویشاوندی نزدیک زبانهای دو اثر مزبور است .

زبان اوستا و زبان ودا (سنسکریت ودائی) چه از لحاظ ریشه لغات و چه قواعد دستوری و ترکیب اصوات و اجزاء کلمه و نحو و شیوه واژه سازی فوق العاده به یکدیگر نزدیک اند . مثلاً " به کلمات زیر که از دوزبان اخذ شده توجه کنید : اوستائی $ga^i ri$ سنسکریت ودائی $giri$ فارسی گر به معنی کوه . - اوستائی $vastra$ ، سنسکریت ودائی $vāstra$ فارسی " بستر به معنی جامه . - اوستائی $vāta$ ، سنسکریت ودائی $vāta$ فارسی " باد " به معنی باد . در قواعد دستوری این دوزبان نیز قرابت مشهود است . مثلاً " در مورد صرف اسمها $tanū$ - ی اوستائی معادل $tanū$ - ی سنسکریت در فارسی " تن " است . در حالت فاعلی - اوستائی $tanūš$ ، سنسکریت ودائی $tanūś$ ، در حالت رائی اوستائی $tanūm$ سنسکریت ودائی $tanūm$ ، فارسی " تن را " . در مورد بقیه حالات بهمین ترتیب شباهت زیادی وجود دارد . یا در مورد صرف افعال از $\sqrt{bar}$ اوستائی معادل $\sqrt{bhar}$

1. $mi\check{v}ra$ 2. $mitra^i$ 3. $vāta$, $vayu-$
4. $apām - napāt$

سنسکریت ، ریشه فعل بردن فارسی . اول شخص مفرد اوستائی *barāmi* ، سنسکریت ودائی *bhārāmi* ، فارسی " برَم " . اول شخص جمع - اوستائی *barāmahi* سنسکریت ودائی *bhārāmasi* ، فارسی " بریم " ، در مورد صرف ضمیرها : *azam* اوستائی معادل *ahām* سنسکریت ضمیر شخصی ، اول شخص مفرد ، حالت فاعلی ، فارسی م . در مورد اعداد اوستائی *dva* ، سنسکریت ودائی *dva* فارسی " دو " ، - تطابق و رابطه منظم اصوات نیز ، چنانچه لغات اوستائی و هندی باستانی را با یکدیگر مقایسه کنیم به آسانی مشهود است : *b* - ی اوستائی معادل *bh* ی سنسکریت ، فارسی " ب " است . اوستائی *brātar* معادل *bhrātar* سنسکریت . فارسی " برادر است " ، *h* - ی اوستائی معادل *s* سنسکریت است . اوستائی *hapta* معادل *sapta* سنسکریت فارسی " هفت " است . *z* اوستائی معادل *h* سنسکریت است . اوستائی *zasta* معادل *hašta* سنسکریت فارسی " دست " . *z* اوستائی معادل *ṣ* سنسکریت است . اوستائی *zātā* معادل *jātās* سنسکریت فارسی " زاده " است . *ṣr* اوستائی معادل *kṣatra* سنسکریت اوستائی *xšavra* معادل *kṣatra* فارسی " شهریاری " است .

حتی ساختمان و قواعد نحوی زبانهای اوستائی و ودائی چنان ، بیکدیگر نزدیک است که چنانچه مطابقتهای صوتی را در نظر بگیریم ، در بسیاری از موارد می توان کلمه به کلمه حملاً سنسکریت ودائی را به اوستائی و بالعکس ترجمه کرد .

مجموع این مدارک زبانی و تاریخی و فرهنگی که از قدیمترین آثار زبانهای هندی و ایرانی اخذ شده اعتقاد دانشمندان را بر این استوار ساخت که نیاکان قبایل هندی زبان و ایرانی زبان در اعصار بسیار کهن روابط بسیار نزدیک داشته ، در سرزمین واحدی می زیسته و به گویشهای آریائی که با یکدیگر نزدیکی فراوان داشتند سخن می گفتند . بدین سبب دو موضوع زیر ایران شناسان را مدتی به خود مشغول داشته بود : ۱- قبایل آریائی زبان قبل از آنکه به دو شاخه اصلی - یعنی قبایل ایرانی زبان و هندی زبان تقسیم شوند در کجا زندگی می کردند ؟ ۲- عصر اشتراک بدوی قبایل آریائی زبان در چه زمان بوده و تفرقه آنان را به چه زمانی مربوط باید شمرد ؟

باستانی ترین سرزمین قبایل آریائی زبان که تا کنون شناخته شده آسیای میانه و نواحی مجاور آن بوده است. این نظریه به بهترین وجهی نفوذ قبایل آریائی زبان را در دره سند متعاقب آن، پراکنده شدن گروه دیگری از قبایل مزبور را در فلات ایران توجیه می‌کند. اما برای پاسخ به دومین پرسش بالا جمعی از دانشمندان معتقدند که در پایان هزاره سوم و آغاز هزاره دوم قبل از میلاد بخشی از قبایل صحرا نشین آریائی زبان اندک اندک از حدود آسیای میانه کوچ کرده و به تدریج از طریق افغانستان کنونی در پنجاب و بخش علیای دره گنگ نفوذ کرده‌اند. گویش‌های این گروه از قبایل آریائی زبان به طور کلی پایه و مبنای تمام زبان و گویش‌های هندی و از آن جمله زبانها و گویش‌های کنونی آن سرزمین را تشکیل دادند. چون سخن مزبور قبایل آریائی زبان از قبایلی که در آسیای میانه باقی مانده بودند جدا شدند - از آن زمان عصر تکامل مستقل دو گروه آریائی زبان - یکی گروه زبانهای هندی و دیگری گروه زبانهای ایرانی - آغاز گشت.

ادوار تاریخ زبانهای ایرانی - ادوار گوناگون تاریخ خانواده زبانهای ایرانی از زمانی آغاز می‌گردد که زبانهای ایرانی از زبان مشترک آریائی مجزی کشته است (به تقریب آغاز هزاره دوم ق. م.). بطور کلی تاریخ زبانهای ایرانی را به سه دوره تقسیم می‌کنند.

۱- دوره باستانی ایرانی (از تاریخ تجزیه زبانهای ایرانی از زبان مشترک آریائی - یعنی تقریباً از آغاز هزاره دوم ق. م تا قرن چهارم و سوم ق. م.)

۲- دوره ایرانی میانه (از قرن چهارم و سوم ق. م تا قرن هشتم و نهم بعد از میلاد)

۳- دوره جدید ایرانی (از قرن هشتم و نهم بعد از میلاد تا عصر حاضر) تعیین این ادوار مانند هر کوششی که برای دوره بندی تاریخ زبان (یا زبانها) به عمل آید جنبه فرار - دادی دارد. زیرا زبان به نانی تکامل می‌یابد - و به تدریج که نسلی جایگزین نسلی دیگر می‌گردد تغییر می‌کند.

منابع اصلی برای مطالعه زندگی فرهنگی و تاریخ سرزمینهایی که در عهد باستان مسکن قبایل و اقوام ایرانی زبان بوده عبارتست از اوستا و کتیبه‌هایی به خط میخی. زندگی تاریخی مردم سرزمین هورگد علاقه ما در منابع دیگری که به زبانهای شرق باستانی و اقوام اطراف دریای

مدیترانه نوشته شده روشن شده است. مانند منابع موجود به زبانهای که کدایت آنها به خط میخی بوده و قدیمترین اطلاعات را بدست میدهد و آنها عبارتند از: سودری و اکدی (پسا گویش های بایلی و آشوری) و دیگر تورات که مهمترین اثر ادبیات باستانی عبری است نیز حاوی اطلاعات چندی در باره وقایع تاریخی تاسیس پادشاهی های ماد و پارس و فتوحات شاهان مادی و پارسی و هجوم قبایل اسکیت (سکائی) می باشد و منابع یونانی که در آن اطلاعاتی مربوط به آسیای میانه و نواحی شرقی ایران و اقوام ساکن آن بسیار است و بالاخره منابعی که از سرزمین مصر قدیم بدست آمده و الواح مصری باقیمانده که سیاست خارجی شاهان پارسی را روشن می سازد.

آثار مکتوب دوران باستانی زبانهای ایرانی

I - اوستا

تاریخ کشف و مطالعه اوستا - تالیفات مولفان یونان باستان و سریانی و ارمنی و عرب از وجود کتابهای مقدس اوستا در ایران باستان حکایت می کردند. افسانه های حماسی اقوام ایرانی زبان که در قرن دهم و یازدهم در شاهنامه مشهور فردوسی مدون و منظم شده نیز از اوستا یاد می کنند، با این حال دانشمندان در باره نخستین دست نوشته ها - حاوی قطعات اوستا - تنها در قرنهای هفدهم و هجدهم میلادی اطلاع پیدا کردند ولی چون دستنویس های اوستا به زبان ناشناسی نوشته شده بود قابل استفاده نبوده است. تا اینکه در نیمه دوم قرن هجدهم جوانی فرانسوی بنام آنکتیل دوپرون^۱ (۱۸۰۵ - ۱۷۳۱) سفری به هندوستان کرد و از موبدان خواست تا زبان آثار مقدس خود را با وی در میان گذارند. هم چنین بعضی از نسخ را در اختیار او بگذارند و او را به بعضی مناسک و مراسم دینی شان راه بدهند وی اوستا شناسی را بنیان نهاد. آنکتیل دوپرون پس از آنکه با چند ورق از دستنویس اوستا که در

1. Anquetil du Perron

آکسفورد محفوظ بوده، آشنا سد غازم هندوستان گشت و امیدوار بود که راز کتابهای مقدس اوستا را بگشاید. دویرون شش سال در هندوستان اقامت گزید، و بر دشواریهای فراوان فائق آمده و با روحانیان زردشتی تماس گرفت و اعتماد ایشان را جلب کرد و با رسوم دینی و سنن پارسیان که شفاها^۱ و سینه به سینه به ایشان منتقل گشته بود آشنا شد. آنکتیل دویرون در سال ۱۷۶۱ میلادی به پاریس بازگشت و به مطالعه مطالبی که گردآورده بود پرداخت و ثمره کوششهای وی به صورت نخستین ترجمه اوستا به زبان فرانسه و متون آن تحت عنوان زند - اوستا منتشر شد.

بدین طریق مهمترین اثر ادبیات باستانی در دسترس دانشمندان قرار گرفت و اکنون قریب دو قرن است توجه دائم عده کثیری از مورخان شرق باستانی و شرق شناسان و زبان شناسان بدان معطوف است.

اثر آنکتیل دویرون - چون وی دارای معلومات فقه اللغوی لازم نبوده و روایات پارسیان را درست، بدون اعمال نظر انتقادی، پذیرفته - از بسیاری جهات ناقص بوده، حتی عنوان ترجمه تفسیر وی می‌رساند که وی اوستا را با ترجمه آن به زبان فارسی میانه مخلوط و اشتباه کرده است، به طوری که بعدها معلوم شده اصطلاح "زند - اوستا" (به فارسی میانه zand u apastāk)^۱ یعنی تعریفی که به طور کلی کتب مقدس آئین زرتشتی را در

۱- کریستین هارتمه (zum Altiranischen wörterbuch, s.108) این اصطلاح را apastāk < upa-stāv - ak فارسی میانه از ریشه "stav" ستودن" میداند. - ارانسکی (فقه اللغه ایرانی، ص. ۶۷) در مورد اصطلاح فوق چنین توضیح میدهد که zand u aṣastāk عبارت بود از اوستا به معنی اخص avastāk و زند zand فارسی میانه و ...

معمولاً کلمه aṣastāk > apastāk فارسی میانه را از upa-stā-ka و ریشه stā به معنی "ایستادن" یا تحت اللفظی "اساس و پایه" مشتق میدانند. تلفیق کلمات upastā- در فارسی باستان به کلی معنی دیگری دارد و این مانع از پذیرفتن اشتقاق فوق است. برای مثال جمله زیر را ملاحظه کنید. A uramazdāmai y upastām abara^h "آهورمزدا مرا یاری داد".

در بر گیرد - بعد از قرن ششم بعد از میلاد پدید آمده . در آن زمان مفهوم این اصطلاح عبارت بود از اوستا به معنی اخص apastāk فارسی میانه از ریشه Stav به معنی " ستودن " (تحت اللفظی " ستایش ") و " زند " (به فارسی میانه Zand معنی تحت اللفظی آن " دانائی " ، " تفسیر " و " تعبیر " بوده - ترجمه اوستاست به زبان فارسی میانه و تفسیری بر آن به همان زبان که در زمان ساسانیان مدون شده و مبنای اوستای پارسیان را تشکیل می‌دهد) این نکته نیز مبرهن است که اوستا مجموع متونی است که در ادوار مختلف مدون شده و ممکن نیست شخصی واحد (اعم از زرتشت افسانه‌ای و یا شخص واحد دیگری) مصنف آن باشد . به محض انتشار اثر آنکتیل دوپرون ، در محافل خاور شناسان بحثی بر سر اصالت متنی کهنه‌وی ترجمه کرده بود در گرفت و بسیاری از دانشمندان بزرگ در آن شرکت جستند و بحث به تقریب نیم قرن دوام داشت تا اینکه در نتیجه موفقیت‌های سنسکریت شناسی و تاریخ تطبیقی دست‌نویز زبانهای هند و اروپایی مباحثه پایان یافت و اصالت اوستا شناخته شد .

در سال ۱۸۲۶ راسعوس کریستیان راسک زبان شناس نامی دانمارکی (۱۸۲۲ - ۱۷۸۷) که یکی از بنیانگذاران زبان‌شناسی تطبیقی و تاریخی است ، قدمت زبان اوستا و خویشاوندی نزدیک آن را با زبان هندی باستانی - یعنی سنسکریت - ثابت کرد .

قربانیت دوزبان اوستا و سنسکریت مورد استفاده " امیل لوئی بورنوف " ^۱ سنسکریت‌شناس فرانسوی (۱۸۵۲ - ۱۸۰۱) قرار گرفت و او به یاری مطابقت‌های منظمی که میان این دو زبان خویشاوند بوده ، بسیاری از جاهای نامفهوم ترجمه دوپرون را بدرستی قرائت کرد و برخی جاها را هم که دوپرون درست نفهمیده بود تصحیح کرد . وی از ترجمه (یا صحیحتر بگوییم اقتباس) برخی از بخشهای اوستا به زبان سنسکریت که در قرون وسطی توسط نریوسنگ پارسی به عمل آمده بود ، استفاده کرد . گرچه اقتباس مزبور مستقیماً " از اوستا به عمل نیامده بلکه از روی ترجمه‌ای که به زبان فارسی میانه شده بود - صورت گرفته - مع هذا ، بورنوف از آن بهره گرفته به فهم زبان اوستا توفیق یافت . در قرن نوزدهم دو مکتب اصلی در مطالعه اوستا پدید آمد . یکی از این دو ، در تعبیر و تفسیر اوستا بیشتر به روایانی که در ادبیات زبان فارسی

1. Emil Louis Burnouf.

سیاه - حفاظت پارسیان محفوظ مانده - و تکیه میگردد و مکتب دیگر (که بیشتر از زبانداستان تشکیل شده بود) صحت و اهمیت علمی روایات پارسیان را رد کرده و در تقریر متن اوستا تقریباً فقط به مقایسه زبان آن با سنسکریت متکی بود .

بنا به روایات زرتشتیان متن اوستا در زمان هخامنشیان وجود داشته و بر پوست گاو تر به خط زر نوشته شده بود ، و در کاخهای استخر از آن حفاظت می شده و گویا دستنویسهای مزبور به هنگام تصرف استخر از طرف اسکندر مقدونی نابود گردید ، سپس در زمان ولاش - بلاش (ولکز) اول پادشاه پارت (۵۱ تا ۷۸ ق . م) ، کوشی برای احیاء و تحریر مجدد متن اوستا به عمل آمد و متن جدید به آتشکده گنج شیز (ارومیه) سپرده شد . ممکن است که این روایت تا حدی از - لحاظ تاریخی درست باشد .

ترکیب و مضمون و مندرجات اوستا - تالیفات زرتشتی به زبان فارسی میانه که تا این زمان محفوظ مانده تا حدی معرف متن اصلی اوستا می باشد . در " دنیگرت " که نوعی " دائرةالمعارف دینی " است (قرن نهم میلادی) در باره ۲۱ کتابی (نسک) که پیش از فتوحات اعراب اوستا را تشکیل می داده است سخن گفته شده است . هر یک از نسک های مزبور مرکب بود از متن اصل اوستا و زند - یعنی تفسیر آن بخش به زبان فارسی میانه . هر نسک نامی ویژه داشت . بقایای اوستا که در محافل روحانیان زرتشتی محفوظ مانده بود پس از مهاجرت پارسیان به هندوستان ، بارها استنساخ شده و به صورت دست نوشته هایی که تاریخ آن با لنسبه تازه است بدست ما رسیده . آن بخش ناچیز اوستا که به ما رسیده به صورت قطعات و متنهای بریده بریده در دستنویس های گوناگون پراکنده است . و هیچ دستنویسی متن کامل بخشهای محفوظ اوستا را شامل نیست .

متن اوستائی که اکنون در دست است مجموعی است از قطعات مزبور که از دستنویسهای گوناگون استخراج شده . متن مزبور به چند بخش تقسیم می شود . به قرار زیر :

۱- یسنه

۲- ویسپرد (ویسپرت)

۳- وندیداد (ویدودات)

۴- یشتها

۵- بخشهای جزئی گوناگون ، یعنی ادعیه و یا قطعه‌هایی از ادعیه .

۱- یسنه - (از $\sqrt{yad}$ اوستائی یا $\sqrt{yad}$ فارسی باستان به معنی پرستش کردن) یعنی yasna ، پرستش و نیایش و جشن (واژه جشن صورت کنونی همین yasna است) . کتاب یسنه مشتمل بر سرودها و دعا‌های دینی است و شامل ۷۲ فصل (hā , hāiti) است . ۲۸ فصل^۱ از آن جمله " گاهان " است که کهن ترین قسمت اوستاست و بیشتر دانشمندان آنها را اثر خود زرتشت و مواعظ و الهامات زرتشت خطاب به انسان میدانند یا بعضی از آنها را اثر نخستین شاگردان او می‌دانند و منظوم است . اینها متونی است که روحانیان بهنگام برگزاری مراسم دینی و تشریفات گوناگون مذهبی و فدیهای به آتش می‌خوانند .

۲- ویسپرد - (به اوستائی $vispē ratavō$ که به معنی " جمله داوران " و " جمله خدایان " است) مشتمل بر ۲۴ فصل است . هر فصل از این کتاب را " کرده " (karde) می‌خوانند و ادعیه‌ای است خطاب به ایزدان و بزرگداشت و تعظیم ایشان . این بخش از لحاظ مضمون و شکل و زبان به یسنه نزدیک است و بهنگام ادای تشریفات مذهبی برخی از قسمتهای ویسپرد و یسنه توأم می‌شوند .

۳- ویدودات - (اوستائی $vīdāēva dāta$ به معنی قانون ضد دیوان) نام این بخش را غالباً " تحریف کرده و به صورت وندیداد آورده‌اند . ویدودات از ۲۲ فصل (Fargard) مرکب است که از لحاظ سبک انشاء و مضمون و منشاء بسیار متفاوتند و بسیاری از آنها مربوط به دوران با لنسبه متاخر می‌باشد . ویدودات تنها کتاب کاملی است که از اوستای باستانی

۱- خاثری (۱۳۴۹ ، ۲۱۶) تعداد آنرا ۲۸ فصل و ارانسکی (۱۳۵۸ ، ۷۴) تعداد آنرا ۱۷

فصل ذکر می‌کند که عبارتند از ۳۴ - ۳۸ و ۴۶ - ۴۳ و ۵۰ - ۴۷ و ۵۱ و ۵۳ .

محفوظ و باقی مانده (مطابق با نسک نوزدهم است .)

۴- یشتها - (به اوستائی yašta به معنی بزرگداشت) یشتها از لحاظ مضمون قدیمترین بخش اوستاست و مرکب از ۲۱ نیایش می باشد که بیشتر مربوط به نیروهای گوناگون طبیعت و اجرام آسمانی و ستایش آفریدگار و آماشاسپندان و ایزدان است و بیشتر سیماها و موضوعهای اساطیری که با سیماها و موضوعهای همانند و دایما مشابهت و گاهی مطابقت دارد ، در آن اثر محفوظ مانده است .

۵- خرده اوستا یا بخشهای بریده بریده - خرده اوستا به معنی اوستای کوچک که در زمان شاپور دوم ساسانی توسط آذر باد ماراسپندان تالیف شده است . این کتاب شامل قطعاتی است که از قسمتهای دیگر استخراج و در آنها تصرفاتی کرده اند و قطعات بزرگ دیگری که به زبان اوستائی نیست ، بلکه به پازند است . و این مجموعه مشتمل بر نمازها و دعاهائی است که در مراسم دینی سالانه و اوقات روز و جشنهای مذهبی و هنگام انجام دادن آداب خاص دین خوانده شده است . بخشهای بریده بریده ای در تالیفات گوناگون زرتشتی محفوظ مانده است ، مثلاً " در دو دستنوشته متأخر قطعاتی از نسک هفدهم به نام اهرپستان Ehpatastan (قوانین مربوط به روحانیان که حاوی اطلاعاتی در باره سازمان روحانی آن عصر نیز می باشد) و نیرنگستان (قوانین مربوط به تشریفات مذهبی) محفوظ مانده است و قطعاتی از نسک بیستم که در سرنوشت روح پس از مرگ است باقی مانده . بعضی لغات و جملات اوستائی و تفسیر آنها به زبان فارسی میانه در " لغت نامه " اوستائی - فارسی میانه " بنام " فرهنگ oīm ēvak " ائیم اوک " یا لغت نامهای که با کلمه اوستائی oīm معادل ēvak فارسی میانه ، آغاز می گردد محفوظ مانده است .

زبان اوستا [یا اوستائی] - این اصطلاح اطلاق به زبانی می شود که اوستا به آن نوشته شده . زبان اوستائی اصطلاحی است مشروط و قراردادی ، زیرا بخشهای گوناگون اوستا که در سرزمینهای مختلف و زمانهای متفاوت تدوین و مکتوب شده اند ، از نظر ساختار زبانی ، یکنواخت و یکدست نیستند . قدیمترین بخشهای آن در هزاره دوم (یاسده ششم) قبل از میلاد مدون شده و دیریازی سینه به سینه از نسلی به نسل دیگری رسیده است . ظاهراً " سرودهای گوناگون

و افسانه‌ها و مقررات دینی و تشریفات مذهبی‌ای که مضمون اوستا را تشکیل می‌دهد، برای نخستین بار، در قرنهای نخستین بعد از میلاد به صورتی تحریف شده و تغییر یافته به رشته تحریر درآمدند. و در آن زمان هم زبان اوستا ربانی غیر رسمی و دینی به شمار میرفت و تنها در مراسم مذهبی کاربرد داشت. اوستا در زمان ساسانیان (قرن سوم تا هفتم بعد از میلاد)، کتاب مقدس آئین رسمی ایران باستان - یعنی آئین زرتشت - بود و پس از فتوحات عرب و اسلام پذیرفتن مردم ایران، بخش اعظم آن از میان رفت. بخش ناچیزی از اوستای باستانی، آن هم به صورت دستنوشته‌ای که در قرنهای متأخر رونویس شده به دست ما رسیده است. این زبان از لحاظ قواعد دستوری بسیار کهنه و مهجور است و از این رهگذر کم و کاستی از سنسکریت ودائی ندارد. جنبه تصریفی زبان اوستا بسیار نمایان است و افعال واسامی و ضمائر آن صرف می‌شود و انواع گوناگون پایه‌های اسمی و فعلی در آن دیده می‌شود.

از نظر زبانشناسی در اوستا دو گویش اصلی و مشخص به چشم می‌خورد. گویشی که در گاهان به کار رفته و قدیم تر می‌نماید و گویشی که در دیگر بخشهای اوستا به کار رفته و جدیدتر است. گویش اولی را گویش "گاهانی" یا قدیم و گویش دومی را گویش "متاخر" می‌خوانیم. اوستا شناسان گاهان را سخن خود زرتشت میدانند و تاریخ آن مربوط است به تاریخ زندگی زرتشت.

زمان و مکان تدوین اوستا - موضوع تعیین زمان و مکان پیدایش اوستا و یا بخشهای اصلی آن با مسئله زادگاه و تاریخ ظهور آئین زرتشت و معتقدات و تصورات دینی قبایل واقوام ایرانی زبان ماقبل آن پیوستگی نزدیک دارد. روایات متناقض پارسیان و منابع تاریخی و یکدست نبودن متن اوستائی که به دست ما رسیده و وضع بد آن موجب گشت که دانشمندان در موضوع مکان پیدایش اوستا نظریه‌های گوناگون اظهار کنند ولی اخیراً "این نظریه که اثر مهم مزبور در مشرق ایران و آسیای میانه و خراسان پدید آمده بیش از پیش قوت گرفته و راسخ تر گشته است. موضوع زمان حیات زرتوشترا - پیامبر افسانه‌ای - که روایات زرتشتی گاهان را از وی - می‌دانند در میان دانشمندان مباحثات فراوان برانگیخته برخی از دانشمندان ظهور زرتشت را در آغاز هزاره دوم قبل از میلاد^۱ دانسته و بعضی دیگر زمان حیات وی را در قرنهای

۱- نیز نک. ارانسکی (۱۳۵۸، ۸۷).

هفتم و ششم قبل از میلاد می‌دانند.^۱

خط اوستائی که در اواخر دوره ساسانیان ابداع شد یکی از دقیق‌ترین و مناسب‌ترین خطها برای ثبت صورتهای ملفوظ یعنی واکهای یک زبان است (می‌دانیم که نخست اوستا با الفبای آرامی که نشانه‌های برای مصوت بداشت نوشته شده بود. الفبای مزبور تقریباً در حدود مبداء تاریخ میلادی کم و بیش در ایران و آسیای میانه رواج یافت و در تحریر زبانهای ایرانی مورد استفاده قرار گرفت. . . .) این خط که بر اساس خط آرامی پهلوی وضع شده و " دین دبیری " یعنی خط دینی خوانده می‌شود. ۴۸ حرف و نشانه خطی دارد که از آن جمله ۱۴ نشانه برای مصوتها و ۳۴ نشانه برای مصمت ها و نیمه مصوتها است. خط اوستائی از راست به چپ و حرفها جدا از هم نوشته می‌شوند.

در زمان حکومت ساسانیان امر گردآوری و انشای اوستا رونقی بسزا یافت. اقدامات پر دامنه‌ای صورت گرفت تا آئین زرتشت پایدار و استوار گردد و بعضی جریانهای مذهبی از آن طرد و جریانهای دیگری بدان افزوده شود. به منظور تثبیت تلفظ صحیح و دینی آن کتاب، الفبائی ویژه اوستائی، بر پایه الفبای فارسی میانه (که منشأ آن نیز آرامی بوده) مدون گردید و چند مصوت و مصمت بدان افزوده شد.

۱- عقیده و نظر محققان در باره زمان زرتشت متفاوت است و هر یک قرائن و دلائلی برای اثبات نظریه خود ذکر می‌کنند. بر حسب این نظریات عهد ظهور زرتشت، قرن یازدهم تا قرن ششم پیش از میلاد مسیح تغییر می‌کند. خانلری (۱۳۴۹، ۲۱۴) زمستان زندگی زرتشت را ۵۵۳ - ۶۵۰ یا ۵۵۱ - ۶۲۸ یا ۵۴۱ - ۶۱۸ ق. م حساب می‌کنند.

آوا نگاری اصوات اوسنائی عبارتند از :

الف . مصوت ها

کوتاه ... a د e ی u د i د

بلند ... ā س ē ی ī ی ū ی

āō س ē

ب - مصمت ها

نرم کلامی ... k و g گ x خ

کلامی ... c چ j ج -

دندانی ... t ت d د

t ت

لسی ... p پ b ب w و

f ف

غنه‌ای ... ŋ ن n ن

ŋ ن

m م

نیمه مصوتها و

سیال ...	(د) س	y	ا	r	(د) و	v
صفیری ...	د	s	ه	ش	س	ز
	ه	ž				
حلقی ...	ه	h	ح	h		
پیوسته ...	س	x ^v				

II . فارسی باستان

فارسی باستان نامی است که به زبان سنگ نوشته‌های ساهتاهان هخامنشی اطلاق می‌شود زبان فارسی باستان را تنها از روی همین نوشته‌های شاهانه که بر تنه کوهها یا لوحه‌های زرین و سیمین ، یا لوحه‌های گل پخته و ظرفها و مهرها باقی است می‌شناسیم . روابط اداری در شاهشاهی هخامنشی ظاهراً " به وسیله زبان و خط آرامی انجام می‌گرفت . از اواخر قرن پنجم پیش از میلاد چندین نامه اداری به زبان آرامی بر روی چرم بدشت آمده که به شهریان پارسی مصر بنام ارشام مربوط است . در این نامه‌ها و نوشته‌های دیگر آرامی که در مصر کشف شده لغات بسیار مقتبس از پارسی یا ترجمه لفظی آنها دیده می‌شود . زبان و خط آرامی بر روی چرم یا پاپیروس با قلم و مرکب نوشته می‌شد .

اسناد خزانه کاخ شاهی در تخت جمشید که شماره آنها نزدیک سی هزار است به زبان عیلامی است که بر روی لوحه‌های گلی نوشته شده است و تا کنون قسمت کوچکی از آنها را خوانده و ترجمه کرده‌اند اما زبان فارسی باستان تنها برای ثبت کارهای بزرگ و درخشان

شاهنشاهان هخامنشی و به یادگار قدرت و عظمت پارسیان به کار رفته است . بیش از ایرانیان نیز این رسم که شاهان و فرمانروایان کشورها شرح فتوحات و کارهای مهم خود را به یادگار برای بازماندگان بر سنگها بنگارند وجود داشته است .^۱

کشف و قرائت - نخستین فرد اروپائی که وصف کم و بیش مشروحی از ویرانه‌های استخرکرده پیترو دل‌واله^۲ جهانگرد ایتالیائی بود . هم او در سال ۱۶۲۱ چند حرف مکتوب را رونویس کرد و به اروپا برد . در قرن هجدهم چندین نوشته میخی منتشر شد . و از آنجمله بود رونوشت کامل یکی از کتیبه‌های استخر که توسط شاردن جهانگرد مشهور در سال ۱۷۱۱ میلادی برداشته شد و دیگر نوشته ظرفی از سنگ مرمر که کنت دکالیوس^۳ در سال ۱۷۶۲ از ایران برد . رونوشتی که کارستن نیبور^۴ جهانگرد دانمارکی در سال ۱۷۶۵ از کتیبه‌های استخر برداشت و در سال ۱۷۷۸ منتشر کرد مهمتر از دیگر رونوشتها بود . در سال ۱۸۰۲ میلادی ژرژ فردریش گروتفند^۵ آلمانی به کشف راز کتیبه‌ها همت گماشت و موفق به یافتن کلید قرائت خطوط میخی گردید ، کاری بس بزرگ بود . زیرا تا آغاز قرن نوزدهم هیچیک از خطوط میخی خوانده نشده بود و اصوات مربوط به آن حروف معلوم نبود و زبانی که کتیبه‌ها با آن نوشته شده بود مجهول بود .^۶

بهر حال بعداً " معلوم شد که از تمام حروف الفبای فارسی باستان که وی تشخیص داد فقط ده (۱۰) حرف درست بود . مع هذا کلیدی برای قرائت خط میخی بدست آمد . بر اثر کشفیات بعدی بویژه کشف و انتشار کتیبه بیستون که حاوی تعداد زیادی اسامی خاص اشخاص و اماکن بود امر کشف رمز خطوط میخی سرعت پیشرفت کرد . در نیمه دوم قرن نوزدهم تقریباً " تمام حروف خط میخی باستانی کشف گردید . دانشمندان با لنسبه به آسانی به قرائت کتیبه‌های جدید موفق

۱- خانلری (۱۳۴۹ ، ۲۰۴)

2- Pietro della valle, 1586 - 1652 . 3- Caylus.

4- Carsten Niebuhr

5- Georg Friedrich Grotefend

۶- ارانسکی (۱۳۵۸ ، ۹۳) .

شدند. بر اثر کاوشهای باستانشناسی در قرن بیستم شمار کتیبه‌های میخی افزایش یافت و اکنون به صد بالغ گشته.

شرح مختصری از کتیبه‌های میخی فارسی باستان - متن فارسی باستان کتیبه آریامنه و ارشامه که در همدان کشف شده بر صفحه‌های طلا نقر شده است. و می‌توان گفت که قدیمی‌ترین کتیبه‌هایی هستند که تا کنون به فارسی باستان کشف شده.

کتیبه کورش کبیر - سه کتیبه بنام کورش مشهور است و آنها را منتسب به کورش کبیر (۵۵۸-۵۲۹ ق. م.) می‌دانند، بخصوص که همه آن آثار در پاسارگاد یافت شده. همه کتیبه‌ها سه زبانی هستند (فارسی باستان، عیلامی و بابلی) و در چند نسخه نوشته شده‌اند (بهر حال بعضی از آنها) از لحاظ حجم کوچک‌اند و فقط حاوی نام و لقب شاه می‌باشند. تنها یکی از کتیبه‌ها - که فقط تکه‌هایی از آن باقی مانده - مفصلتر است.

کتیبه‌های داریوش - کتیبه‌های داریوش اول (۵۲۲-۴۸۶ ق. م.) از همه نوشته‌های فارسی باستان مفصل‌تر و از جهت مضمون مهم‌تر است. بزرگتر از همه آنها کتیبه بیستون است که متن فارسی باستان آن مرکب از ۴۱۴ سطر است که به پنج ستون تقسیم شده. در کنار متن فارسی باستان متنهای میخی، عیلامی و بابلی قرار دارند. که ترجمه متن پارسی میباشند. در این کتیبه از وقایع تاریخی مربوط به آغاز سلطنت داریوش اول سخن گفته شده است، و از لشکر کشی سلف او کمبوجیه (۵۲۹-۵۲۲ ق. م.) به مصر و مرگ (خودکشی) کمبوجیه و به دست گرفتن حکومت توسط شخصی بنام گئوماتای مغ و پیروزی داریوش بر گئوماتا و اقداماتی که پس از جلوس به تخت سلطنت بعمل آورده و عصیانهای بسیاری که در نقاط شاهنشاهی، در سال اول سلطنت داریوش بروز کرده، حکایت می‌کند.

کتیبه‌های خشایارشا - از خشایارشا (۴۸۶-۴۶۵ ق. م.) فرزند و وارث تاج و تخت داریوش اول نیز کتیبه‌های فراوان باقی مانده. کتیبه‌هایی که به نام او منقور شده در استخر و شوش و کوه الوند و دریاچه وان یافت شده است بیشتر کتیبه‌های مزبور سه زبانی است و لسی

نوشته های دوزبانی (فارسی باستان و بابلی و یا فارسی باستان و عیلامی) نیز در میان آنها دیده می شود . برخی کتیبه ها نیز فقط حاوی متن فارسی باستان میباشند . جالبترین کتیبه های او کتیبه دیو^۱ (xph) و کتیبه حَرَم^۲ (xpf) است که در تخت جمشید پیدا شده .

کتیبه های سایر شاهان هخامنشی - کتیبه های شاهان هخامنشی که بعد از خشایارشا حکومت کردند ، اندک اند و از لحاظ حجم نیز بزرگ نیستند . دو کتیبه از اردشیر اول (۴۲۵-۴۶۵ ق م) چند نوشته منقور بنام داریوش دوم (۴۰۵-۴۲۴ ق م) و اردشیر دوم (۳۵۹-۴۰۵ ق م) و اردشیر سوم (۳۳۸ ، ۳۵۹ ق م) محفوظ مانده است . سه کتیبه نیز از اردشیر دوم (دو کتیبه بر پایه ستونها و یکی بر صفحه طلا) از همدان بدست آورده . بعضی از کتیبه های یاد شده سه زبانی است (فارسی باستان ، بابلی و عیلامی) و برخی دوزبانی (فارسی باستان و بابلی) و متونی به فارسی باستان تنها نیز وجود دارد .

کتیبه های اردشیر سوم بر دیوار و پله های کاخ وی در استخر نقر شده ، نوشته هایی مختصر بر مهرها و ظروف نیز به فارسی باستان در دست است .

اهمیت تاریخی کتیبه های فارسی باستان

کتیبه های میخی به فارسی باستان از نظر تاریخی دارای اهمیت فراوانی است کتیبه های مزبور اسناد اصیل و مورخی است که بر زندگی تاریخی ایران و سرزمینهای مجاور آن در اواسط

۱- ارانسکی (۱۳۵۸ ، ۱۱۵) کتیبه xph را کتیبه " ضد دیو " می خواند که کتیبه مزبور در سال ۱۹۳۵ در جریان حفاریات باستان شناسی در استخر کشف شده و بر صفحات سنگی نقر شده و دارای دو صفحه حاوی متن فارسی باستانی - یکی همراه ترجمه عیلامی و دیگری بابلی - است . این کتیبه در باره مبارزه علیه پرستش دیوان است و بدین سبب " ضد دیو " نامیده شده .

۲- ارانسکی (۱۳۵۸ ، ۱۱۵) کتیبه xpf را کتیبه " حَرَم " می خواند ، این کتیبه بر صفحه ای از - سنگ آهکی نقر شده و از ۴۸ سطر فارسی باستانی و ۳۸ سطر متن بابلی مرکب است . این کتیبه در ویرانه های کاخ جنوب شرقی استخر - که به عقیده محققان حرم داربوش و خشایارشا بود - پیدا شده است .

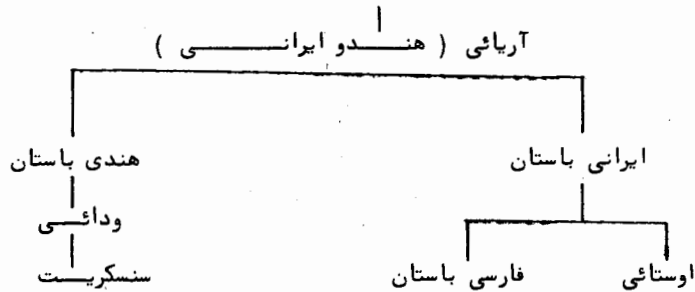
هزاره اول قبل از میلاد پرتو می افکند و با وقایعی که نقل می کنند هم عصر می باشند و بهمان صورتی که دو هزار و پانصد سال پیش نقر شده بدست ما رسیده اند و دستخوش هیچگونه دستکاری و " تصحیح " نگشته اند . این کتیبه ها تاریخچه تاسیس امپراطوری هخامنشیان و اصل و تبار سلالة زمامدار و مبارزه بخاطر تاج و تخت و غیره می باشند و اطلاعاتی مهمتر در باره کشورها و نواحی جزو و تابع شاهنشاهی و حدود آن را میدهند .

زبان و سبک انشای کتیبه های میخی فارسی باستان

کتیبه های فارسی باستان قدیم ترین آثار زبان فارسی می باشند . زبان کتیبه های میخی فارسی باستان از لحاظ ساختمان دستوری به زبان اوستا فوق العاده نزدیک است . جنبه تصریفی زبان کتیبه ها نیز مانند زبان اوستا بسیار بارز است ، اسمها سه جنس دارند (مذکر و مؤنث و خنثی) و از روی شناسه های تصریفی مشخص می گردند همه اسمی هشت حالت دارند (فاعلی ، رائی ، اضافی ، برائی ، ازی ، بائی ، دری ، وندائی) که هر یک با پسوند خاصی مشخص می شوند . اسمی از لحاظ شمار نیز تغییر می کنند (مفرد و جمع و ندرتا " مثنی) اشکال فعل نیز متنوع است و از انواع ریشه های فعلی تشکیل می شود و هر یک شناسه خاص خود دارند که شخص و شمار و زمان و حالت آنها را مشخص می سازند . کتیبه ها حاوی تعدادی لغات - که از زبانهای سامی و دیگر زبانهای غیر هند و اروپائی آسیای مقدم به وام گرفته شده - می باشد . ویژگیهای صوتی تعدادی از کلمات نشان میدهد که از زبان مادی به وام گرفته شده اند و آن زبان به ظن قوی در زبان کتیبه های هخامنشی - و بخصوص در بخش اصطلاحات رسمی و دولتی - تأثیر فراوان داشته است و از خصوصیات قابل ذکر این است که ویژگیهای صوتی زبان مادی بیشتر (البته صرف نظر از اسمی خاص و نامهای امکنه) در کلمات رسمی ظاهر می شود . مثل xšaya+iya " شاه و vazrka " بزرگ و " Vispa-zana " پر مردم " و ^huvaspa " دارای اسبان خوب "

زبان اوستائی با فارسی باستان بستگی نزدیک دارد یعنی می توان گفت که این دو زبان ، گویشهایی با اندک اختلاف از زبان ایرانی باستان بوده اند . بنابراین شجره نسب این زبانها چنین می شود :

هند و اروپایی



از روی این جدول رابطه زبانهای فارسی باستان و اوستائی را با یکدیگر و با زبانهای هندی آریائی می‌توان دریافت .

خط میخی فارسی باستان و منشاء آن

خط میخی فارسی باستان از خط میخی اکدی ماخوذ است و خط اکدی از خط سومری گرفته شده است . اما پارسیان حروف خط مزبور را بسیار ساده کرده و برای نوشتن زبان خود مناسب ساختند تا آنجا که این خط نشانه یکی از مهمترین مراحل پیشرفت در کتابت شمرده می‌شود . در خط اکدی یک حرف ، یعنی یک علامت خطی ، هم نشانه یک یا چند کلمه است و هم واک نخستین یا هجای اول یکی از آن کلمات را در ترکیب با حرفهای دیگر نشان میدهد .

مبنا و اصول خط میخی فارسی باستان هجائی است این خط شامل ۳۶ حرف است القبای هجائی خط میخی را " هجانگاری " ^۱ می‌خوانند . خط فارسی باستان از چپ به راست نوشته می‌شود .

1- syllabic writing or syllabery

آوانگاری نشانه‌های هجائی فارسی باستان عبارتند از :

مصوت ها : ۳ نشانه 𐎠 u 𐎡 i 𐎢 a

مصمت ها : ۲۲ نشانه با جزء تفکیک ناپذیر a

𐎧 k^a 𐎧𐎺 x^a 𐎧𐎶 g^a 𐎧𐎠 c^a 𐎧𐎥 j^a 𐎧𐎶 t^a 𐎧𐎺 θ^a
 𐎧𐎺 ɣ^a 𐎧𐎶 d^a 𐎧𐎶 n^a 𐎧𐎶 p^a 𐎧𐎶 f^a 𐎧𐎶 b^a 𐎧𐎶 m^a
 𐎧𐎶 y^a 𐎧𐎶 r^a 𐎧𐎶 l^a 𐎧𐎶 v^a 𐎧𐎶 s^a 𐎧𐎶 š^a 𐎧𐎶 z^a 𐎧𐎶 h^a
 ۴ نشانه با جزء تفکیک ناپذیر i

𐎧𐎶 jⁱ 𐎧𐎶 dⁱ 𐎧𐎶 mⁱ 𐎧𐎶 vⁱ

۷ نشانه با جزء تفکیک نا پذیر u

𐎧 k^u 𐎧 g^u 𐎧 t^u 𐎧 d^u 𐎧 n^u 𐎧 m^u 𐎧 r^u

گذشته از اینها چند نماد اندیشه نگاری (ایدئوگرام یا هزوارش) نیز وجود دارد. یعنی نمادهائی که برای مفهومی وضع شده‌اند و هر یک اختصار یکی از این پنج واژه است : زمین ^۱، شاه ^۲، خدا ^۳، کشور ^۴، و اهورامزدا ^۵، ایدئوگرامها بدون اضافه کردن هیچ هجائی در نقش حالت فاعلی مفرد عمل می‌کند. شکلهای دیگری از ایدئوگرامها هست که یک یا چند حرف بپایان آن افزوده می‌شود و در نقش حالت دیگری درمی‌آید. مانند :
 xš- m^a ، xšayaθiyam - حالت مفعول صریح و غیره و بالاخره دو نشانه هم
 برای تفکیک کلمات از یکدیگر دیده می‌شود : < 𐎧

۱. ی قبل از هند و اروپائی تبدیل به r ی قبل از آریائی شده است. درواژه‌های قرضی اگر واقعا "آنها با فارسی باستان همگون شده باشد یک l اصلی تبدیل به r فارسی باستان شده است : Tigris , Tigrā-"Arbela", Arbairā ، در بعضی واژه‌های دیگر که کاربرد کمتری دارند، l باقیمانده مانند : Haldita یک ارمنی Labanana- ، لبنان (نیز نک. کنت . فارسی باستان. ش. ۱۰۷)
2. BU = būmiš , 3. XŠ = xšayaθiya 4. BG = бага ,
 5. DH = dahyāuš , 6. AM = Auramazdā

آوانگاری اصوات فارسی باستان به قرار زیر است :

مصوت ها ... ā ī ū a i u

مصوت های مرکب ... ai au āi

(دو آوایی)

انسدادی ها و مطابق آنها سایشی ها و غنمای ها :

m	f	b	p	لبی	
n	θ	d	t	دندانی	
		j	c	کامی	
	x	g	k	نرم کامی	
z	ç	š	s	صغیری ها	
h	v	y	l	r	دیگر امتداد پذیرها

آوانگاری اصوات سنسکریت عبارتند از :

مصوت های مرکب

مصوت ها

o ओ e ए i इ u उ a अ کوتاه

ā आ ī ई ū ऊ [ī̃] ऋ āi ऐ au औ بلند

مصوت های گنگ

n̄ ण	gh घ	g ग	kh ख	k क	نرم کامی
n̄ ञ	jh ञ	j ञ	ch छ	c च	کامی
n ण	dh ढ	ḍ ढ	ṭh ठ	ṭ ट	زبانی

n न	dñ ध	d द	th थ	t त	دندانی
m म	bh भ	b ब	ph फ	p प	لبی

صفیری ها

ś श

ṣ ष

s स

نیمه مصوت ها

y य

r र

l ल

v व

دیگر مصمت ها

^۱
(ویسزگه)

h :

^۲
(انوسواره)

ñ ण , ṁ ँ

حلقی

h ह

مراجع

الف . مراجع فارسی

۱- پرویز ناتل خانلری ، تاریخ زبان فارسی (تهران : انتشارات بنیاد فرهنگ ایران ، -
۱۳۴۹) ، ج ۱۰ ، باب دوم .

۲- ای . م . ارانسکی ، مقدمه فقه اللغة / ایرانی (تهران : انتشارات پیام ، ۱۳۵۸) ،
ص ۱۳۳ - ۱۶ .

ب . مراجع آلمانی و انگلیسی

1. Christian Bartholomae, *Zum Altiranischen Wörterbuch*
(Straßburg, 1906)
2. Williams Jackson, *An Avesta Grammar in Comparison
with Sanskrit, pt.1, Phonology, Inflection, Word
Formation with an Introduction on the Avesta*
(Stuttgart : W. Kohlhammer, 1892), Introduction.
3. Ronald Grubb Kent, *Old Persian* 2d. rev. (New Haven,
1953) pt.1, ch. 2&3.

فصل دوم : مروری بر تحقیقات گذشته

از قرن هجدهم که پای شرق شناسان و زبان شناسان به ایران و هند ، گشوده شد توجه آنها به زبانهای ایرانی آغاز گشت . پس از انتشار متون کهنی که در هندوستان به دست مستشرقین و زبان شناسان افتاد آنها به فکر تنظیم قواعد و ساختمان دستوری زبانهای ایرانی افتادند که مهمترین تالیفات در زمینه دستور زبان اوستا و فارسی باستان عبارتند از :

کتابی که در قواعد دستوری زبان اوستا به قلم کریستین بارتلمه زیر عنوان زبان اوستا و فارسی باستان می باشد ، جزئی از مجموعه مشهور فقه اللغة ایرانی زیر عنوان :

Christian Bartholomae, Awestasprache und Altpersisch

" Grundriss der Iranischen Philologie" (BdI. Strassburg,
(1895 - 1901)

به شمار میرود .

کتاب ویلیام جکسون که قواعد و ساختمان دستوری زبان اوستا را شرح میدهد و با قواعد

دستور سنسکریت مقایسه می کند دارای اهمیت است : A.V. Williams Jackson ,

An Avesta Grammar in Comparison with Sanskrit, part I,

phonology, Inflection, word - formation with an Introduction

on the Avesta (stuttgart, 1892).

لغت نامه ایرانی باستانی " Altiranisches wörterbuch " / در سال ۱۹۰۴

توسط کریستین بارتلمه منتشر شده و اندکی بعد ضمیمه های

- Zum Altiranischen wörterbuch (strassburg , 1906) -

بر آن نوشته که پیوست مجلد نوزدهم مجله "Indogermanische Forschungen" است ، برای مطالعه اوستا کتاب بی نظیری است .

مهمترین اطلاعات مربوط به اوستا و کتبی که در باره آن نوشته شده در رساله گلدنر زیر عنوان (Glph, II) Awestali Teratur مندرج است . در رساله مزبور تاریخ مطالعات اوستائی و اطلاعات مشروح کتابشناسی مربوط به آن گرد آمده است .

برای تعلیم و تدریس گاهی هم کتاب درسی زبان اوستائی ویلهلم گیگر مورد استفاده می باشد . Wilhelm Geiger, Handbuch der Awestasprache, Grammatik, chrestomathie und Glossar (Erlangen . 1879)

و هم چنین کتاب هانس ریشلت

Hans Reichelt; Awestisches Elementarbuch (Heidelberg, 1909)

که بعد از کتاب گیگر نوشته شد ، و نیز کرستوماتی یا منتخب اوستای Awesta Reader - (Strassburg, 1911) - وی مورد استفاده فراوان است . در کتاب اخیر الذکر متون اوستائی آوانویسی شده است .

کتاب دیگری که در زمینه قواعد دستوری زبان اوستا نوشته شده به قلم " سوکولوف " زیر

عنوان

S.N. Sokolov, The Avestan Language (Moscow : Nauka , 1967) .

و با لایحه کتاب دستور زبان اوستائی به زبان فارسی به قلم محمد تقی راشد محصل که حاوی شرح مختصری از دستور زبان اوستائی است را باید نام برد . (محمد تقی راشد محصل ، درآمدی بر دستور زبان اوستائی ، بررسی پسن نهم ، تهران ، انتشارات کاریان ، ۱۳۶۴) . فهرست کامل تمام کتیبه های فارسی باستان منظم به شرح مختصری در باره هریک از آنها و کتب مهمی که در موضوع منتشر شده ، در بخش دوم تألیف رونالد گروپ کنت تحت عنوان " فارسی باستان " Ronald Grubb Kent, old Persian, Grammar, Lexicon, Text, (2. ed, New Haven, 1953) .

مندرج است . در این تألیف متن کامل آوا نویسی کتیبه های فارسی باستان با الفبای لاتین با

تفسیر و ترجمه نقل شده است . بخش چهارم و پنجم این کتاب در زمینه اسم و صفت و بخشهای ششم و هفتم در زمینه صرف فعل است .

ساختمان دستوری زبان فارسی باستان از لحاظ تغییراتی که به مرور در آن پیدا شده در تالیفات جانسون^۱ و میه^۲ - بنونیست و کتاب یاد شده کنت و نیز کتاب ویلهلم برانسدن اشتین - مانفرد مایر هوfer^۳ آمده است .

لغت نامه هائی حاوی لغات مستخرج از کتیبههای فارسی باستان ضمیمه تالیفات تولمان و کنت و مایر هوfer (در بالا) می باشد . به لغت نامه ایرانی کریستین بارتمه نیز لغات فارسی باستان منظم است . لغت نامه والتر هینتس^۴ مخصوص لغات فارسی باستان است . جرج گلن کامرون^۵ فهرستی از لغات فارسی باستان اسناد اقتصادی استخراج و منتشر کرده است . و - بالاخره متن کامل تمام کتیبههای فارسی باستان به خط میخی همراه با ترجمه آن به فارسی در تالیف رلف نارمن شارپ زیر عنوان " فرمانهای شاهنشاهان هخامنشی " (دانشگاه شیراز - ۱۳۴۳) بعلاوه شرح بسیار مختصری از دستور زبان فارسی باستان مندرج است .

و دیگر تالیف پرویز ناتل خانلری تحت عنوان " تاریخ زبان فارسی " (جلد اول ، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران ، ۱۳۴۹) است که در آن تاریخ زبانهای ایرانی و چگونگی تحول آنها مورد مطالعه قرار می گیرد . باب دوم این کتاب شامل اطلاعاتی است در باره زبانهای ایرانی

-
1. Edward Lea Johnson, Historical Grammar of the Ancient Persian Language, New York, 1917
 2. Antoine Meillet, Grammaire du vieux perse, Paris, 1915
چاپ دوم این کتاب با شرکت امیل بنونیست در سال ۱۹۳۱ در پاریس منتشر شده .
 3. Wilhelm Brandenstein; und Manfred Mayrhofer, Handbuch des Altpersischen. Wiesbaden, 1964.
 4. Walther Hinz, Altpersischer Wortschatz, Leipzig, 1942.
 5. George Glenn Kameron, Persepolis Treasury Tablets Chicago, 1948.

باستان (و ساخت فعل در فارسی باستان) و زبانهای غیر ایرانی که در این سرزمین رایج بوده
و در تحول زبانهای ایرانی تاثیر داشته اند و نیز در جلد دوم کتاب فوق در مبحث ساختمان
فعل توضیحات مشروحی در این زمینه درج شده است .

فصل سوم : صرف فعل

کلیات

تعریف - در باره فعل تعاریف گوناگونی وجود دارد، که از آن جمله است : " فعل کلمه‌ای است که کاری یا حالتی را می‌رساند و معنی آن با زمان رابطه دارد . زمان دارای سه مرحله است : گذشته ، اکنون ، آینده " .^۱

در این پژوهش به بررسی صرف فعل در ایرانی باستان در مقایسه با سنسکریت می‌پردازیم .

" صرف فعل "

- ۱- فعل در ایرانی باستان از نظر ساخت و خصوصیت و نحوه استفاده بسیار مشابه با فعل در سنسکریت است ، ولی متون اوستائی و کتیبه‌های فارسی باستان موجود ، در بر - دارنده همه ساختهای فعلی نیست .
- ۲- بطور کلی دستگاه فعلی در این زبانها دارای دو نوع تصریف می‌باشد .
 - ۱- تصریفهای اولیه یا تصریفهای معمولی و ساده ریشه فعلی . ۲- تصریفهای ثانویه یا تصریفهای اشتقاقی فعل که صورتهای کم و بیش تکامل یافته تر ریشه فعلی یا اسمی می‌باشد .
- ۳- ساخت صرفی فعل در این زبانها شامل مقوله‌های زیر است : حالت^۲ ، زمان^۳

۱- پرویز ناتل خانلری ، دستور زبان فارسی (تهران : انتشارات توس ، ۱۳۵۹) ، ص ۱۸
2. voice 3. tense

وجه ۱، شماره ۲ و شخص ۳.

۴- حالت : فعل در زبانهای ایرانی باستان و سنسکریت دارای دو حالت است . که عبارتند از : الف - معلوم ۴ و ب - میانه ۵ . دو حالت مذکور بوسیله تفاوت در شناسه‌های شخصی معین می‌شود — اما همیشه شکل و حالت فعل نشان دهنده مفهوم آن نیست .

الف - حالت معلوم : حالت معلوم را " گذرا " خوانند ، فعل را از این نظر گذرا می‌خوانند که اگر فعل متعدی بود اثر آن از فاعل می‌گذرد و به مفعول میرسد . یا به بیان دیگر حالت معلوم حالتی است که نتیجه عمل به دیگران میرسد ، مثال : فارسی باستان :

hya imām būmīm adadā ... " ... که این زمین را آفرید " . اوستا :
yōi hacahi ... " آنها را همراهی می‌کنی " ، سنسکریت :
pācakaḥ odanam ، " آشپز برنج را می‌پزد " ، pacati

ب - حالت میانه : حالت میانه را " ناگذرا " ۷ خوانند ، فعل را از این نظر ناگذرا می‌خوانند که اگر چه فعل به ظاهر متعدی است ، یعنی مفعول می‌پذیرد ، ولی معنی آن از آنها نمی‌گذرد و به دیگری اثر نمی‌کند بنابراین نهاد جمله هم کننده کار است و هم پذیرنده اثر آن یا به بیان دیگر حالت میانه حالتی است که حاصل فعل به خود فاعل برمی‌گردد . مثال :
فارسی باستان : xšaçaṃ hauv agrbāyātā " اوشاهی را برای خود گرفت " . اوستا
ācāryeṇa . " اینجا خانه ساختند " سنسکریت .
sthīyate' : " از طرف معلم ایستادگی است " .

ج - این ساختها را به گونه‌ای می‌توان به فعل متعدی ۸ و فعل انعکاسی ۹ تفسیر کرد

- 1- mode 2- number 3- Person 4- active 5- middle .
6- Parasmāi padam 7-atmanepadam 8- transitive verb .

۹- reflexive verb. نوعی فعل متعدی است که عمل آن به فاعل برمی‌گردد و از اینرو مفعول و فاعل آن دلالت بر یک شخص مینماید . (یا فعلی که مفعول آن خود فاعل باشد)
که در زبان فرانسه با se صرف می‌شود ، مانند s'appeler که اول شخص مفرد آن چنین است : je m'appelle Ali به معنی : من علی نامیده می‌شوم .

که تفاوت بین این دو مشابه با تفاوت بین حالت‌های معلوم و میانه است .

هـ بعضی از افعال در هر دو حالت صرف می‌شوند ، بعضی فقط در یک حالت ، گاهی یک قسمت از زمان‌های فعل فقط در یک حالت صرف می‌شود و قسمت‌های دیگر در حالت دیگر یا هر دو ، فعلی که معمولاً " در یک حالت صرف شده ممکن است به شکلهای پراکنده از حالت دیگر نیز صرف شود ، و گاهی حالت یک فعل بر حسب اینکه با حرف اضافه ترکیب شود یا نشود تفاوت پیدا می‌کند .

وـ شکلهای میانه خارج از دستگاه زمان حال (و گاهی نیز در داخل این دستگاه) می‌تواند به مفهوم مجهول بکار برده شود . در این صورت فعل را در حالت میانه و معنای مجهول گویند - باین معنی که نهاد جمله پدید آورنده اثر فعل نیست ، بلکه پذیرنده اثر آن است . البته برای دستگاه زمان حال ، صرف مجهول ویژگی‌های وجود دارد که جزء تصریفهای ثانویه است نک . ش . ۲۶۴ مثال - فارسی باستان *ima frašam tyavainataiy* این شکوه را کس دیده می‌شود " سنسکریت *ācāryeṇa sthitam* از طرف معلم ایستادگی شد "

۷- زمان : زمان فعل در ایرانی باستان ، مانند سنسکریت شرح زیر است :

۱- زمان حال ، ۲- ماضی پریریت که از ستاک مضارع ساخته می‌شود ، در اوستا معمولاً " بدون آگمت ^۲ . می‌باشد و شکل دیگری که از هر حیث مانند آن است ولی با آگمت ساخته می‌شود ، در فارسی باستان و سنسکریت (به سبب شباهت با فعل یونانی) ماضی ایم پرفکت ^۳ گویند ۳- تام ^۴ یک نوع ماضی است که دارای ریشه مضاعف است ش . ۶۸ . ۴- پلوپرفکت ^۵ (نوعی ماضی بعید) در اوستا از ستاک تام و شناسه نوع دوم (ش . ۱۷۰ ب) ساخته می‌شود و در سنسکریت تشکیل شده از همین ساخت بعلاواگمت . ۵- ائوریست ^۶ یک نوع ماضی است که دارای دو گروه دار ^۷ و

1. preterite

2. augment

3. imperfect

4. perfect

5. pluperfect

6. aorist

7. sigmatic

و بدون S^۱ میباشد . ۶-آینده^۲ دارای دو شکل آینده S دار و آینده حشوی - در سنسکریت میباشد .

۸-وجه : وجوه در این زبانها به شرح زیر است : اخباری^۳ امری^۴ ، التزامی^۵ تمنائی^۶ ، کاجانکتیو^۷ ؛ ربطی و اینجانکتیو^۸ ؛ "التزامی نامعین"^۹ یا اخباری نوع دوم^{۱۰} (به تعبیر کنت) .

الف - صفت فاعلی^{۱۱} - زمان های حال ، تام و آینده چه در زبانهای باستانی تر (اوستای گاهانی و سنسکریت ودائی) و چه در زبانهای باستانی متأخر ، هر کدام بر حسب ساختهای مختلف فعلی آنها دارای دونوع صفت فاعلی است : ۱- معلوم - ۲- میانه .

۹-دستگاههای زمان فعل : افعال همراه با وجوهشان و صفت فاعلیشان بر طبق دستگاههای مشخص شده زیر طبقه بندی می شود :

I - دستگاه زمان حال^{۱۲} - مرکب از زمان حال ، وجوه و صفت فاعلی ، ماضی پریریت یا ایم پرفکت آن میباشد .

II - دستگاه تام^{۱۳} - مرکب از فعل تام (بعلاوه وجوه و ماضی پریریت آن که به اصطلاح پلوپرفکت - شکلی از ماضی بعید - نامیده می شود .) و صفت فاعلی آن میباشد .

III - دستگاه ائوریست^{۱۴} - مرکب از دو گروه فعل ائوریست S دار و ائوریست بدون S و وجوه و صفت فاعلی و در سنسکریت متأخر وجه تمنائی طلبی^{۱۵} میباشد .

IV - دستگاه آینده^{۱۶} - مرکب از دو گروه (۱) آینده S دار (در سنسکریت همراه با ماضی پریریت آن فعل شرطی گفته می شود) و در صفت فاعلی آن و (۲) آینده حشوی (سنسکریت متأخر) میباشد .

1.non-sigmatic	2.future	3.indicative	4.imperative
5.subjunctive	6.optative	7.conjunctive	8.injunctive
9.improper subjunctive	10. secondary indicative		
11.presect participle	12.presect-system	13.perfect system	
14.aorist-system	15.prective	16.future-system	

۱۰ - شمار و شخص : فعل دارای سه شمار : مفرد، مثنی و جمع و سه شخص :
اول شخص ، دوم شخص و سوم شخص میباشد.

۱۱- تصریف‌های ثانویه (اشتقاقی) تصریف‌های ثانویه به قرار زیر است :
(تماتیک) : ۱- مجهول^۲ ، ۲- سببی^۳ ، ۳- جعلی^۴ ، ۴- آغازی^۵ ، ۵- آرزویی^۶
(غیر تماتیک) : ۷- تشدید^۸ : در این صرف‌های ستاکی نه تنها صرف ساده‌ریشه
فعلی بلکه تمام دستگاه صرفی در زیر آن (تصریف‌های ثانویه) قرار می‌گیرد. باز هم
بطور واضح مشخصه دستگاه زمان حال در آن دیده می‌شود و آنرا به طرف یک صرف کم
و بیش کامل سوق میدهد. ساخت مجهول بطور کامل در یک دستگاه زمان حال قرار
می‌گیرد.

۱۲ - اشکال انتزاعی فعل - این اشکال عبارتند از : صفت مفعولی^۹ -
- نوعی وجه وصفی یا نوعی صفت فعلی - ، جراند^{۱۰} و جراند یو^{۱۱} ، مصدر^{۱۲}
یا اسم فعل .

الف - صفت مفعولی : در این زبانها علاوه بر صفت‌های فاعلی (نوعی وجوه وصفی یا
صفت‌های فعلی) که از ستاکهای زمانی ساخته می‌شود. و خود یک قسمت از هر
دستگاه فعلی را تشکیل می‌دهد صورتهای معین دیگری از وجوه وصفی وجود دارد که
مستقیماً از ریشه فعلی ساخته شده است ، بنام " صفت مفعولی "، صفت مفعولی غالباً
در معنی گذشته و مجهول (یا گاهی خنثی) بکار گرفته می‌شود. هم چنین وجه وصفی
آینده مجهول " یا جراند یو " نیز یکی دیگر از ساختهای آن میباشد. (در زیر قسمت
ج)

- | | | |
|-----------------|---------------|-----------------|
| 1- thematic | 2- passive | 3- causative |
| 4- denominative | 5- inchoative | 6- desiderative |
| 7- unthematic | 8- intensive | |

۹- ترجمه ای است از : past(perfect). passive participle
10- gerund 11- gerundive 12- infinitive

ب- جراند: آنچه که در اوستا و سنسکریت جراند (یا مطلق^۱) گفته می‌شود مانند مصدر یک ساخت یک نواخت شده‌ای از یک اسم صرفی است - یک قسمت از دستگاه فعلی و دارای دو صورت است. یکی برای فعلهای ساده (سنسکریت) و دیگری برای فعلهای مرکب.

ج- جراند یو: در زبانهای ایرانی باستان مانند سنسکریت یک نوع صفت اشتقاقی صرفی بنام جراند یو یا وجه وصفی مجهول آینده (یکی از ساختهای صفت مفعولی) دیده می‌شود.

د- مصدر: در این زبانها مصدر یک اشتقاق انتزاعی از یک فعل است. این صورت اسمی در اوستا غالباً "در حالت برائی^۲ و گاهی در دیگر حالتها است، در سنسکریت ودائی در حالت رائی^۳ است و در فارسی باستان از ریشه فعلی بعلاوه پسوند *tanaiy* ساخته می‌شود که این پسوند حالت برائی مفرد از ستاک *tan* است.

۱۳- عبارات فعلی حشوی: این عبارات بوسیله یک صفت یا یک وجه وصفی و یا اسم با یک فعل معین یا یک فعل رابط بجای فعل با قاعده در دستگاه زمان فعل شکل داده شده بکار می‌روند، که در این موارد معمولاً "فعل معین حذف می‌شود".

۱۴- شناسه‌های شخصی^۴: در زبانهای ایرانی باستان و سنسکریت هر شناسه شخصی تعیین کننده یک صورت فعلی است. تنها با این شناسه شخصی است که مقوله فعل نسبت به شمار و شخص نمایان می‌شود - و تا اندازه‌ای هم وجه و زمان آنرا معلوم می‌کند. اما تمایز وجه و زمان فعل بطور عمده با شکل گرفتن ستاکهای زمانی و وجهی آشکار می‌گردد و شناسه‌های شخصی بیشتر به این ستاکها افزوده می‌شود تا به ریشه اصلی.

1. absolute

2. dative

3. accusative

4. personal endings

۱۵- در تصریف دونوع طبقه بندی شناسه وجود دارد :

I - شناسه های حالت معلوم و شناسه های حالت میانه .

II - (الف) - شناسه های نخستین^۱ یا نوع اول - برای ساختن صورتهای

زمان حال اخباری و آئنده و غیره (و تا حدودی هم وجه التزامی) بکار میرود . (ب) - شناسه های ثانویه^۲ یا نوع دوم - برای ساختن صورتهای ماضی پریتريت یا ماضی ایم پرفکت (و هم چنین در سنسکریت فعل شرطی) ، ائوریست ، وجه تمنائی و غیره (تا حدودی هم وجه التزامی) بکار میرود . (ج) - شناسه های تام - (در سنسکریت اساسا " نوع اول است مخصوصا " در حالت میانه .) و - (د) - شناسه های امری (در سنسکریت اساسا " نوع دوم است) .

۱۶ - در سنسکریت یک قسمت از شناسه های فعلی ، با تکیه^۳ و یک قسمت بدون تکیه ، نشان داده می شود . شناسه های بدون تکیه تحت هیچ شرایطی تکیه دار نمیشود و شناسه های تکیه دار در رابطه با طبقه فعلی قرار می گیرد . عموما " شناسه های بدون تکیه شخصهای مفرد معلوم است ، ولی شناسه های دوم شخص مفرد امری تکیه دار است . از طرف دیگر تمام شناسه های امری معلوم و میانه بدون تکیه هستند و در ساخت التزامی مورد استفاد قرار می گیرند .

۱۷ - شمای کلی شناسه های شخصی در اوستا و فارسی باستان در مقایسه با

سنسکریت به قرار زیر است :

1. primary endings

2. secondary endings

3. accent

الف - شناسه‌های نوع اول

I - معلوم			
شمار و شخص	فارسی باستان	اوستا	سنسکریت
مفرد اول شخص	-miy	-mi ^ǵ	-mi
	-āmiy	-ā ^ǵ , - āmi	-āmi
	-niy	-ni	-ni
مفرد دوم شخص	-hy	-hi ^ǵ (-šī ^ǵ)	-si (-ṣi)
مفرد سوم شخص	-tiy	-ti ^ǵ	-ti
مثنی اول شخص	-	-Vahī (GAV)	- vās
مثنی دوم شخص	-	-	-thaś
مثنی سوم شخص	-	- to ^ǵ , to ^ǵ	-taś
جمع اول شخص	-mahy	-mahī ^ǵ	-maśi
جمع دوم شخص	-	-a ^ǵ	-maś
	- ⁿ tiy	-ṇti ^ǵ	-nti,
	-	-a ⁱ ti	a'ti

جدول شماره ۱

II- میانہ

شمار و شخص	فارسی باستان	اوستا	سنسکریٹ
مفرد اول شخص	-aiy	-ē, -ōi	- e'
	-naiy	- ne	
مفرد دوم شخص	-haiy	-(ṛ)he(-ṣe)	- se' (-ṣ'e)
مفرد سوم شخص	-taiy	- tē	- te'
مثنیٰ اول شخص	—	—	-va'he
مثنیٰ دوم شخص	—	—	- ^l athe
مثنیٰ سوم شخص	—	- ^l a ^l ve	- ^l ate
جمع اول شخص	—	-ma ⁱ de	-ma'he
جمع دوم شخص	—	- ^l we	-dhve'
جمع سوم شخص	—	-ṛte	-nte,
		-a ⁱ tē	-a' te

جدول شماره ۲

ب - شناسه‌های نوع دوم

I - معلوم

شمار و شخص	فارسی باستان	اوستا	سنسکریت
مفرد اول شخص	-m	-m	-m
مفرد دوم شخص	-	-s (-š)	-s (-s)
مفرد سوم شخص	(-ās) > -ā; (-āt) > -ā; -š, s	-t	-t
مثنی اول شخص	-	-Va	-Va'
مثنی دوم شخص	-	-	-ta'm
مثنی سوم شخص	-tam	-təm	-tam
جمع اول شخص	-mā	-mā [✓]	-ma'
جمع دوم شخص	-ta	-ta (YAV) ; na ⁻ (GAV)	-ta'
جمع سوم شخص	(-ant) > -ā; ha , šā, s	-n	-n -a'n , u's

جدول شماره ۳

II - میانه

شمار و شخص	فارسی باستان	اوستا	سنسکریت
مفرد اول شخص	-iy	-ī̌ , -a	-ī̌' , -a'
مفرد دوم شخص	-šā	-ṛha (-ṣa)	[-thās]
مفرد سوم شخص	-tā	-tā̌	-ta'
مثنی اول شخص	-	-	-va'hi
مثنی دوم شخص	-	-	-āthām
مثنی سوم شخص	-	-ātəm	-atām
جمع اول شخص	-	-ma ⁱ dī̌ (GAV) -ma ⁱ de (YAV)	-mahi
جمع دوم شخص	-	-ṛwəm	-dhvām
جمع سوم شخص	- ⁿ tā	-ṛta	-nta, -a'ta

جدول شماره ۴

چ- شناسه‌های امری

I. معلوم

شمار و شخص	فارسی باستان	اوستا	سنسکریت
مفرد دوم شخص	-ā	-ā	-a
	-diy	-dī , đī	-(d)hl'
مفرد سوم شخص	-tuv	-tū	-tu
جمع دوم شخص	-tā	-ta, nā (GAV.)	-ta'
جمع سوم شخص	- ⁿ tuv	- ⁿ tū	-ntu -a'tu

جدول شماره ۵

II - میانه

شمار و شخص	فارسی باستان	اوستا	سنسکریت
مفرد دوم شخص	-uvā, -śuvā	-ṇuha (-śvā) -ṇha, hvā	-sya' (-ṣya')
مفرد سوم شخص	-tām	-tām	- ⁱ tām
جمع دوم شخص	-	-d̥wəṃ	-dhvam
جمع سوم شخص	-	-ṇtām	-ntām

جدول شماره ۶

توضیحات کلی در مورد شناسه‌ها

ش ۱۸ - شناسه‌ها در اوستای گاهانی معمولاً "مانند شناسه‌ها در اوستای متأخر (در بالا) است"، با این تفاوت که مصوت‌های پایانی در اوستای گاهانی بلند است (نیز نک. جک: اوستاگرامر ش. ۲۶). در توضیحات زیر به بررسی شناسه‌های شخصی در اوستا (گاهانی و متأخر) و فارسی باستان در مقایسه با سنسکریت پرداخته می‌شود:

یادداشت. چنانکه مشاهده می‌شود، اغلب، شناسه سوم شخص مثنی در اوستا مانند شناسه دوم شخص مثنی در سنسکریت است. مانند: اوستائی tā^{m} (در کنار tā^{m}) شناسه سوم شخص مثنی معلوم مضارع، معادل سنسکریت tas شناسه سوم شخص مثنی (در حالیکه thas دوم شخص مثنی است) می‌باشد. اوستائی tām شناسه سوم شخص مثنی پریتریت معلوم، معادل سنسکریت tām شناسه سوم شخص مثنی (در حالیکه tam شناسه دوم شخص مثنی است) می‌باشد. نیز نک جک: اوستاگرامر، ش. ۴۴۹ یادداشت.

الف - شناسه‌های نوع اول

ش ۱۹ - اول شخص مفرد معلوم اخباری - الف: شناسه نوع اول در فارسی باستان miy ، در اوستا mī^{v} و در سنسکریت mī است که به ستاک غیر تمانیک می‌چسبد مثال: $\text{Av. ahmi, skt. a'smi, op. amiy.}$ ب: در این زبانها مصوت تمانیک a بلند شده و سپس شناسه mī اضافه می‌گردد. یعنی در فارسی باستان āmiy ، در اوستا āmi و در سنسکریت āmi ؛ مثال: $\text{Av. barāmi, op. pari-barāmiy skt. bha'r-āmi}$

در اوستای گاهانی و متأخر گاهی ā و a نیز بکار می‌رود. و در اوستای گاهانی تفاوت چندانی بین دوبند الف و ب وجود ندارد. ج: شناسه اول شخص مفرد معلوم التزامی در فارسی باستان niy و اوستای متأخر، a و ni و در اوستای گاهانی nī ، ā

و سنسکریت ni و a میباشد که به ستاک مربوطه می‌چسبد. مثال .

Skt. bha'rāni AV. barāni , op. ahaniy.

۲۰ - اول شخص مفرد میانه - شناسه معمولی نوع اول در فارسی باستان

aiy که در فعل های مضارع maniyaiy و Vartaiyaiy دیده شده است. در اوستا $\check{e}$ و سنسکریت ē میباشد. مثال Skt. bha'rē, AV. ba're
هم چنین بعضی اوقات در اوستای گاهانی برای وجه اخباری شناسه ōi بکار میرود.
در فارسی باستان برای مضارع التزامی شناسه ānaiy و اوستا āi, ānē و سنسکریت āi بکار میرود. (در سنسکریت صورت ānai دیده نشده است).
مثال : Skt. bha'rai, AV. barāne. op. Kunavānaiy*

۲۱ - دوم شخص مفرد معلوم - شناسه معمولی نوع اول در اوستا hi (ḡi)

در سنسکریت Si(ṣi)، میباشد که به ستاک مضارع تاتیک یا غیر تاتیکسک می‌چسبد. شناسه دوم شخص مفرد معلوم التزامی در اوستای متأخر ā(h)i است و گاهی h آن می‌افتد و تبدیل به āi می‌شود، در فارسی باستان āhy و سنسکریت āsi میباشد. مثال : Skt: prcchasi OP: pati-parsāhy, YAV: Yazāi

۲۲ - دوم شخص مفرد میانه - شناسه معمولی نوع اول در فارسی باستان

haiy و تنها مثال آن وجه التزامی maniyāhaiy میباشد، در اوستا

he, (ḡ)he, و سنسکریت sē(ṣē) میباشد مثال : barahe (AV.)

و AV. baranhe و SKT. bhārasē. لازم به توجه است که در اوستای

متأخر در وجه اخباری بعد از d [t] شناسه se می‌آید. مانند : raose از $\sqrt{raod}$

" شما رشد می‌کنید ". هم چنین بعضی اوقات در اوستای گاهانی برای وجه اخباری و

التزامی شناسه ḡhōi (نیز نک. جک. اوستا گرامر، ش ۵۶) بکار میرود. مثال :

skt. bhavāsē, AV. bavanhe, AV. bavahe

Skt. bha'rāsē, AV. barāṇhe , Av. rāṇḡhanḡhōi

۲۳ - سوم شخص مفرد معلوم - شناسه معمولی نوع اول در فارسی باستان *tiy* و اوستا *tī* و سنسکریت *tī* میباشد که به ستاک تماٹیک یا غیر تماٹیک می‌چسبد. مثال: *Av. asti, op. astiy* و *skt. bha' rati, Av. baraⁱti, op. ēatiy*.
Av. bavaⁱti, *skt. a'sti* و در مورد وجه التزامی، مانند: *Av. bavaⁱti,*
Av. bavaⁱti, op. bavātiy skt. bha'vati

۲۴ - سوم شخص مفرد میانه - شناسه معمولی نوع اول در فارسی باستان *taiy* و اوستا *tē* و سنسکریت *tē* میباشد مثال: *Op. yadātaiy*
skt. bhāratē , Av. baraⁱte

یادداشت: هم چنین در اوستای گاهانی و متاخر گاهی اوقات مانند اول شخص مفرد *e*، (نک شناسه‌های تام) معادل سنسکریت *e*، در کنار *tē* بکار میرود.

۲۵ - اول شخص مثنوی معلوم: شناسه نوع اول در اوستای گاهانی *vahī* و سنسکریت *Vas* میباشد. *GAV. usvahi* سنسکریت *bruyasi*
 هم چنین در اوستا صورت *mrvaḥi* دیده شده است.

۲۶ - سوم شخص مثنوی معلوم - شناسه نوع اول در اوستا *tō* و *tō* و سنسکریت *tās* میباشد. مثال: *Av. Yūidya^o* "هردومی جنگند"،
Av. baratō و *skt. bhāratas* در فارسی باستان دیده نشده

یادداشت - اغلبه شناسه سوم شخص مثنوی اوستائی مانند دوم شخص مثنوی سنسکریت است. یعنی *tō* در اوستا معادل *tas* (اما *thas* ، شناسه دوم شخص مثنوی) در سنسکریت است.

۲۷ - سوم شخص مثنوی میانه - شناسه نوع اول در اوستا *āe* و در سنسکریت *ātē* میباشد. مثال: *skt. bhāretē, Av. barōi^e* در اوستای گاهانی و متاخر بعضی اوقات شناسه‌های *aⁱte* یا *aⁱte* بکار میرود. مثال: *baraite* "هر دو

می‌بُردند " و $var^3nva^1tē$ " هردو اعتقاد دارند " (وجه اخباری) یسنه

۲۱ - ۱۷ هم چنین در اوستای گاهانی شناسه $itē$ بکار رفته است . مثال :

$Jamaētē$ " ممکن است آنها هردو بیايند " (اغورپست التزامی) یسنه

۴۴ - ۱۵

جمع :

۲۸ - اول شخص جمع معلوم : شناسه نوع اول در فارسی باستان $mahy$ و

اوستا $mahi^3$ و سنسکریت $māsi$ و $mās$ میباشد . $op. a^h mahy$.

Skt. SmāsiAv.mahi

۲۹ - اول شخص جمع میانه : شناسه نوع اول در اوستا $ma^i de$ ، در سنسکریت

$mahe$ مثال : $Skt. bharāmahē$, $AV. barāma^i de$ گاهگاهی در

اوستا در دستنوشته‌های مختلف شناسه $ma^i de$ دیده شده است .

۳۰ - دوم شخص جمع معلوم : شناسه نوع اول در اوستا a و سنسکریت Tha

میباشد . مثال : $Skt. bhāratha$ Av. $barawā$ در فارسی باستان دیده نشده .

۳۱ - دوم شخص جمع میانه : شناسه نوع اول در اوستا we و سنسکریت

$dhvē$ میباشد . مثال : $Skt. bharadhvē$ Av. $barawē$

در اوستای گاهانی شناسه $duyē$ معادل $dhvē$ در سنسکریت است .

۳۲ - سوم شخص جمع معلوم : شناسه نوع اول در فارسی باستان $ti(y)$

در اوستا nti و در سنسکریت nti است که به ستاک مربوطه می‌چسبد .

مثال : در مورد غیر تماتیک‌ها : $op. ha^ntiy$, $(Skt. bhāranti, Av. barānti)$

بعضی اوقات در اوستا شناسه سوم شخص جمع معلوم در ستاک غیر تماتیک به صورت

a^1ti (یعنی nti) یا حتی a^1ti معادل سنسکریت ati نمایان می‌شود .

۳۳ - سوم شخص جمع میانه : شناسه نوع اول در اوستا nte و در سنسکریت

ntē ، میباشد . مثال Av. barəntē, Skt. bhārantē, و نیز aⁱtē

(یعنی nte) معادل سنسکریت atē

یادداشت ۱- در اوستا معمولاً " در ستاکهای غیر تاتیک شناسه (-anti -anti) nti (-ante (-antē) , مربوط به ستاک تاتیک بکار میرود .

یادداشت ۲ - شناسه سوم شخص جمع میانه در مضارع گاهی re است . مانند وجه اخباری Sōire آنها می‌آرامند " یشت ۱۰ - ۸۰ معادل سنسکریت sēre و وجه التزامی maravāⁱre بگویند . " یشت ۱۳ - ۶۴ ، nixrāⁱre "بیاندازند" ، یشت ۱۰ - ۴۰

ب - شناسه‌های نوع دوم

۳۴ - اول شخص مفرد معلوم : شناسه معمولی نوع دوم در فارسی باستان و

اوستا و سنسکریت m است ، مثال Skt. ābharam, Av. barəm, Op.abaram

۳۵ - اول شخص مفرد میانه : شناسه معمولی نوع دوم در فارسی باستان در

مورد ستاک تاتیک ماضی ایم‌پرفکت iy است . مانند Op.amaniyaiy هم‌چنین

در آریائی شناسه iy در مورد ستاک غیر تاتیک ماضی ایم‌پرفکت و ائوریست دیده شده و تنها مثال آن در فارسی باستان در فعل ائوریست s دار adaršiy (از dar √ داشتن)

دیده شده است . در اوستا a , i در سنسکریت a , i است . مثال

Skt. ābharē, Av. baⁱre لازم به توجه است که در اوستا شناسه معمولی i با a ی

ستاک تاتیک ادغام شده و تبدیل به e می‌شود . برای مثال : aguze من خودم را

پنهان کردم : " در مقابل aojī " من گفتم . " - شناسه a در وجه تمنائی دیده

شده . مثال . Av. baraya - ēya, Skt. bhār

۳۶ - دوم شخص مفرد معلوم : شناسه نوع دوم در فارسی باستان h در اوستا

(š)s و سنسکریت (ṣ) s است . این شناسه در فارسی باستان در فعلهای

اینجانبکتیو زیر : stabava, apagaudaya, avarada

و در وجه تمنائی biyā دیده شده که به علت اینکه بعد از ā قرار گرفته‌اند نوشته نمی‌شوند. نیز نک، کنت، فارسی باستان ۳۶. Skt. ābharas, Av. barō
در اوستا شناسه معمولی s با a ی تماتیک درهم ادغام شده و تبدیل به ō (در وجه التزامی ā) می‌شود. شکل ǵ، که صورت اصلی آن s است بعد از i و u، و مصوتهای تقویت شده آن، و هم چنین بعد از x و r ظاهر می‌شود. نیز نک، جک. ش. ۱۵۶

۳۷- دوم شخص مفرد میانه: شناسه نوع دوم در فارسی باستان sā، و تنها مثال آن وجه تمنائی yadaišā است، در اوستا ǵā، و در سنسکریت Thās
است. مثال: Av. baraeša, Skt. bhārethās, Av. barāṇha
لازم به توجه است که شناسه sa اوستائی thās سنسکریت مقابله گردیده است.

۳۸- سوم شخص مفرد معلوم: شناسه نوع دوم در فارسی باستان t، اوستا t و سنسکریت t است، مثال: تماتیک: op.abara فعل اینجا نکتیو op.ṭadaya
غیر تماتیک بازسازی شده: op.āha فعل مجهول: op.abariya و غیر تماتیـک:
Skt. ābharat, Av. barat, op. adānā

یادداشت: در اوستا t اصلی بعد از s (š) (بدون تبدیل به t) باقی می‌ماند، مانند mōist "او گرداند." Cōišt "او قول داد." نیز نک اوستا گرامر ش. (۸ و ۱۹۲).
نیز باید به دو فعل زیر توجه کرد: ās (یعنی as-t) "او بود"، و Cinas "او قول داد." نیز نک. جک، اوستا گرامر، ش. ۱۹۲، یادداشت.

۳۹- سوم شخص مفرد میانه: شناسه نوع دوم در فارسی باستان tā، در اوستا tā
و در سنسکریت ta میباشد. مثال Skt. ābharata Av. barata, op. udapatatā

۴۰- اول شخص مثنوی معلوم: شناسه نوع دوم در اوستا و سنسکریت هر دو va
میباشد. مثال: Skt. ābharāva, Av. barāva

۴۱- سوم شخص مثنوی معلوم: شناسه نوع دوم در فارسی باستان tam میباشد

که فقط در فعل *ajīvatam* (آن دو) زندگی می‌کردند " دیده شده. در
 اوستا *təm* و سنسکریت *tām* میباشد. مثال: *Skt. ābharatām Av. baratəm*
 یادداشت: شکل شناسه سوم شخص مثنوی اوستا *təm* مانند شناسه دوم شخص مثنوی
 سنسکریت *tam* است.

۴۲- سوم شخص مثنوی میانه: شناسه نوع دوم، در اوستا *ātəm* مقابل سنسکریت
ātām (نگاه کنید به یادداشت بالا) میباشد، در اوستای م. *āⁱ e* که معادل
 سنسکریت آن *āthe* است. مثال: *Av. barōi^e e* و *baraētəm*
Skt. ābharētām

۴۳- اول شخص جمع معلوم: شناسه نوع دوم در فارسی باستان *mā*، در اوستا
mā و در سنسکریت *ma* میباشد. مثال:
Skt. abhārāma, Av. barāma, op. akumā

۴۴- اول شخص جمع میانه: شناسه نوع دوم در اوستای گ. *maⁱ dī*، معادل
 سنسکریت *mahi* است. مثال: وجه تمنائی *GAV. vaⁱ rimaⁱ dī* اما این شناسه
 در اوستای م. از شناسه اول شخص جمع میانه زمان حال گرفته شده است. یعنی همان *maⁱ de*
 است مثال: *Skt. bhārēmahi* (تمنائی) *YAV. barōimaⁱ de*

۴۵- دوم شخص جمع معلوم: شناسه نوع دوم در فارسی باستان *ta* و تنها در دو-
 شکل اینجانکتیو زبریه مفهوم امری بکار رفته: *(parā+ itā) paraitā* و *jatā*
 اوستا *ta*، سنسکریت *ta* میباشد. *Skt. ābharata, Av. barata*

۴۶- دوم شخص جمع میانه: شناسه نوع دوم در اوستا *ḡwəm*، سنسکریت
dhvam میباشد. مثال:
Skt. bhārēdhvam, Av. barōiḡwəm
 و بعضی اوقات در اوستای گ. *dūm* معادل سنسکریت *dhvam* بکار میرود.

۴۷- سوم شخص جمع معلوم : I- شناسه نوع دوم در قبل از هند و اروپائی nt

میباشد که با توجه به قوانین فونتیکی در قبل از آریائی فقط یک مصمت می‌تواند در انتهای یک واژه قرار گیرد ، همچنین در فارسی باستان در ستاکهای تمانیک n پایانی نوشته نمی‌شود ، نتیجتاً در مورد ستاک تمانیک بدین قرار است : *^{IE}.ebheront: Op.abaraⁿ Skt.ábharan و در مورد ستاک غیر تمانیک در قبل از هند و اروپائی ، بعد از مصمت- ها nt می‌آید که در قبل از آریائی تبدیل به at می‌شود . اما معمولاً این شناسه ، مطابق شناسه اول شخص مفرد یعنی am بصورت an(t) درمی‌آید .

Op.apariyāyaⁿ , Op.āhaⁿ , Skt.āsan, P.^{IE}ēsnt.

II- شناسه ائوریست s دار ، سوم شخص جمع آن از (-s-nt)sat

به san (t) بازسازی شده ، san در فارسی باستان در مورد بعضی از افعال عمومیت پیدا می‌کند که قاعدتاً haⁿ بعد از a و šaⁿ بعد از i می‌آید. مثال abarahaⁿ در کنار yadiyāišaⁿ, abaraⁿ با بسط adrujiyašaⁿ, šaⁿ این شناسه در اوستا و سنسکریت n میباشد : Skt. ábharan, Av. barən

بعضی اوقات در ساخت های مضاعف در اوستای گ . شناسه ماضی پریتیت سوم شخص جمع غیر تمانیک مختوم به at (یعنی nt:) مطابق با شکل مضارع lati=nti است . مثال : zazaṭ " آنها گریختند " . هم چنین در اوستای گ. و م. در وجه تمنائی شناسه های ar^ṇ, arəš^ṇ نیز بکار می‌رود. مثال : buyār^ṇš^ṇ " آنها خواهند بود " hyār^ṇ در کنار hyaṇ قرار گرفته است . هم چنین شناسه ar^ṇ در ائوریست (پریتیت) اوستای گاهانی ādar^ṇ " آنها ساختند " ، و اوستای متاخر aškar^ṇ آنها گریختند ، وندیداد ۱- ۴- نیز نک . شناسه های تام .

۴۸- سوم شخص جمع میانه : شناسه نوع دوم در فارسی باستان ntāⁿ، دراوستا

ntāⁿ و سنسکریت nta میباشد. مثال : Op. āhaⁿtā , Op.abaraⁿtā

Skt. ábharanta, Av. barənta

در آثار پراکنده اوستای م. شکل های دیگر دیده شده است مانند ram معادل سنسکریت ram

مثال : Av. vaozirəm پشت ۱۹ - ۶۹ نیز نک . ویتنی . ش. ۸۳۴ ب .

ج- شناسه های امری

۴۹- در ایرانی باستان مانند سنسکریت، جدا از شکلهای اینجانتیو شکلهای امری با شناسه های مخصوص مورد بررسی قرار می گیرد. اینجانتیو آنهایی است که به مفهوم امری و با نشانه نفی mā ساخته می شود. در وجه امری برای صورتهای دوم شخص جمع [بعلاوه در- سنسکریت برای دوم شخص و سوم شخص مثنی] این صورتهای بکار برده می شود.^۲ نیز نک. ویتنی، سنسکریت گرامر، ش. ۲۵۶۹. در اینجا خاطر نشان می سازد که اول شخص های امری توسط صورتهای التزامی تهیه می شود. نیز نک، جک، اوستاگرامر، ش. ۴۴۷ یادداشت.

۵۰- دوم شخص مفرد معلوم: شناسه دوم شخص مفرد معلوم ستاک تماتیک در فارسی

باستان است. در اوستای گ. و م. افعال تماتیک شناسه ندارد (شناسه صفر) و ستاک ساده در شکل ā,a است. در مورد ستاک غیر تماتیک در فارسی باستان diy و سنسکریت dhī, hī (تکبه دار)، در اوستای گ. و م. dī, dī, و اوستای گ dī بکار میرود. Skt. brūhī, Av. mrūdi, op. pādiy, GAV. zdī (Vāh)

۵۱- دوم شخص مفرد میانه: شناسه دوم شخص مفرد میانه دز فارسی باستان uvā

و šuvā, در اوستای م. ŋuha (švā) و سنسکریت Sva (šva) و اوستای گ. Svā (در dasvā "بده" معادل dadsya), hvā, švā می باشد. Skt. bhārasva AV. baraṇuha, AV. f^hrašvā OP. kušuvā OP. patipaya^h uvā

۵۲- سوم شخص مفرد معلوم: شناسه سوم شخص مفرد معلوم امری در فارسی

باستان tuv و اوستا tū و سنسکریت tu است که به ستاک تماتیک و غیر تماتیک می- چسبد. مثال در مورد تماتیک ها: Av. baratu, Op. baratuv, و Skt. bhāratu و در مورد غیر تماتیک ها: Op. dadātuv و Skt. dadātu Av. mraotū

2.S.N. Sokolov, The Avestan Language (Moscow: " Nauka " Publishing house, 1967) P. 99, No. 140

۵۳- سوم شخص مفرد میانه : شناسه سوم شخص مفرد میانه در فارسی باستان tām

و اوستا tām و سنسکریت tām است تنها مثال آن در فارسی باستان

varnavatām است . Av.baratām و Skt.bhāratām

گاهی اوقات در اوستای گ . پسوند am معادل ریگ ودا ām برای سوم شخص مفرد میانه

دیده شده است : r̥žucām " بگذار به راستی بگوید " یسنه ۴۸-۹

vidām " تصمیم بگیرد " ، vi+dā یسنه ۳۲-۶ ، ریگ ودا vidām میباشد .

۵۴- دوم شخص جمع معلوم : شناسه دوم شخص جمع معلوم در فارسی باستان

tā ، اوستای گ nā ، اوستای م. ta و در سنسکریت ta میباشد . Av.barata

na Skt.bhāratā op. jatā , paraitā هم چنین یک نمونه اصل

معادل سنسکریت tana (شناسه دوم شخص جمع معلوم امری) در اوستای گ . baranā

یسنه ۳۰-۹ و سنسکریت bhajatana دیده شده .

۵۵- دوم شخص جمع میانه : شناسه دوم شخص جمع میانه در اوستا d̥wam

و سنسکریت dhvam میباشد . مثال : Av.barad̥wam و سنسکریت

bhāradhvam میباشد .

یادداشت - صورتهای دوم شخص جمع معلوم و میانه امری از صورتهای دوم شخص جمع معلوم

و میانه ایم پرفکت بدون آگمنت (inj) از همان ستاک ، قابل تشخیص نیست .

۵۶- سوم شخص جمع معلوم : شناسه سوم شخص جمع معلوم در فارسی باستان

ntuv و اوستا ntū و سنسکریت ntu میباشد . مثال : Op.pāⁿtuv

Skt.bhārantu و Av.barantū

۵۷- سوم شخص جمع میانه : شناسه سوم شخص جمع میانه در اوستا ntam

و سنسکریت ntām میباشد Skt. bhārantām , Av. barantām

یادداشت - گاهی اوقات در اوستا شناسههای سوم شخص جمع معلوم و میانه امری antu

an̥tām, an̥tu هم در ستاکهای تَمَتیک و هم در ستاکهای غیرتَمَتیک بکار می‌رود - (در مورد آخر بوسیله انتقال به صرف -a صورت می‌گیرد).

د- شناسه‌های تام

۵۸- مهمترین مشخصه فعل تام، مضاعف بودن ریشه آن است. شناسه‌های تام در اوستا مانند سنسکریت است. شناسه‌های تام مخصوصاً "در حالت میانه بیشتر نوع اول است. دستگاه تام واقعا "در فارسی باستان وجود ندارد، نیز نک. ش. ۱۶۹

ساخت وجوه

۱- وجه اخباری

۵۹- وجه اخباری در زبانهای ایرانی باستان مانند سنسکریت هیچ علامت وجهی بخصوصی ندارد، مگر کاربردش نسبت به ستاک مضارع خود، در مضارع اخباری شناسه ها نوع اول و در ماضی پُریتیت اخباری، شناسه ها نوع دوم می‌باشد.

وجه اخباری به مجموع زمانهائی از فعل اطلاق می‌شود که در آنها مراد گوینده بیان جریان فعلی است، بی آنکه در باره آن تعبیر و تفسیری بیاورد، یعنی میل یا قصد یا تردید یا شرطی را در باره انجام یافتن آن فعل بیان کند. به وسیله این وجه گوینده از فعلی خبر می‌دهد که در زمان گذشته روی داده یا اکنون در جریان وقوع است، یا پس از زمان گفتار انجام خواهد گرفت. وجه اخباری کاربردی عادی و معمولی دارد و در عبارات مستقل یا وابسته مورد استفاده قرار می‌گیرد.

الف - علاوه بر صورتهای اخباری معمولی که در بالا گفته شد، آن صورتهای اخباری نوع دوم بدون آگمنت را که در فارسی باستان فقط در مفهوم نهی و با mā بکار برده میشود، "وجه اینجا" ^{نکتیو} نامیده می‌شود، نیز نک. کنت، فارسی باستان، ش. ۲۸۱

۲- وجه امری

۶۰- در ایرانی باستان مانند سنسکریت صورتهای امری دارای شناسه‌های مخصوص است. وجه امری علامت وجهی مشخصی ندارد، ستاک آن با ستاک اخباری یکسان است فقط شناسه‌های مخصوص مشابهتا^۳ اضافه می‌گردد. وجه امری در فارسی باستان مفاهیم فرمان و دعا را نیز میرساند.

۱- فرمانها: یا خطاب به انسان است. مانند: *Kušuvā, jادی, parsā* یا فرامینی می‌باشد که از نظر ارزش به آرزو نزدیک است. مانند: *varnavatām*

۲- دعاها: اهورامزدا مورد خطاب است یا بدون دیگر ایزدان و اغلب در این مورد واژه‌های *baratuv, dadātuv, pāⁿtuv, pātuv* بکار میرود. در خصوص ستاک تماتیک، شناسه‌های امری بوسیله *a* تماتیک مستقما^۴ به ستاک مضارع این طبقه می‌پیوندد: *op.baratuv, AV:baratu, Skt:bharātu*

در خصوص ستاک غیر تماتیک: شناسه‌ها معمولا^۵ به طبقه ستاک آماده شده متصل می‌شود. شکل قوی در سوم شخص معلوم و شکل ضعیف در شخصهای دیگر نشان داده می‌شود، هر چند در این زمینه نوساناتی صورت می‌گیرد. *Av.mrū-idi, skt.brūhī op. rādiy*

وجه امری از تلفیق مفاهیم امر مستقیم و غیر مستقیم تشکیل شده و شکلهای مخصوصی برای دوم شخص و سوم شخص مفرد و سوم شخص جمع دارد و برای دوم شخص‌های جمع شکل اینجانبانکیو بکار میرود. ۳

۳- وجه التزامی

۶۱- وجه التزامی در زبانهای ایرانی باستان مانند سنسکریت موارد کاربرد متعددی دارد، از جمله آینده و هم چنین برای بیان میل و آرزو. موارد مذکور ممکن است کاربردهائی در عبارات مستقل، کاربردهائی در عبارات موصولی و کاربردهائی در عبارات تبعی دیگر داشته باشد. نشانه اختصاصی وجه التزامی یک *a* است که به آن ستاکی که ستاک وجهی مخصوص آنرا شکل خواهد داد اضافه می‌گردد، در ستاک تماتیک این "a" با "a"ی آخر

ستاک ترکیب شده و تبدیل به $\bar{a}$ می‌گردد. در فارسی باستان، وجه التزامیهائی که تاکنون - یافت شده‌اند از شناسه‌های نوع اول ساخته شده‌اند. نیز نک. کنت، فارسی باستان. ش. ۲۲۲ در اوستا شناسه‌های التزامی، برخی شناسه‌های نوع اول (مانند مضارع التزامی) و برخی نوع دوم (مانند ماضی التزامی) است، که مورد اول کاربرد بیشتری دارد. باید توجه داشت که منظور از مضارع التزامی و ماضی التزامی زمان، مورد نظر مانیتست بلکه صورت شناسه آن - مضارع یا ماضی - مورد نظر است یا به عبارت دیگر نوع اول یا نوع دوم بودن شناسه. مثال:

I- تماتیک یا a - ستاک از $\bar{bar}$ بردن AV. $\bar{bar}\bar{a}hi$, Op. $\bar{bar}\bar{a}hy$ "بری"
Skt. $\bar{bh}\bar{a}r\bar{a}si$

II - ستاک غیر تماتیک - از $\bar{V}\bar{a}h$ بودن "، - سوم شخص مفرد: در فارسی باستان $\bar{a}hati$ ، در اوستای گ $\bar{a}ha^i\bar{t}\bar{i}$ در اوستای م $\bar{a}n\bar{h}a\bar{t}$ و سنسکریت $\bar{a}sat\bar{i}$ میباشد. از $\bar{jan}$ "کشتن" AV. $\bar{j}\bar{a}na^i\bar{t}\bar{i}$. Skt. $\bar{h}\bar{a}n\bar{a}ti$. "بکشد".

III - ستاکهای غیر تماتیک معینی در وجه اخباری وجود دارد که تا اندازه‌ای به ستاکهای تماتیک منتقل شده است و وجه التزامی نوع دومی را تشکیل می‌دهد. مثال: از $\bar{k}\bar{a}r$ - "انجام دادن". در فارسی باستان. ستاک مضارع: $\bar{k}\bar{u}n\bar{a}\bar{v}\bar{a}hy$: $\bar{k}\bar{u}n\bar{a}\bar{v}$ (a) - از $\bar{x}\bar{s}\bar{n}\bar{a}\bar{v}$ "خشنود بودن"، ستاک مضارع: $\bar{a}\bar{x}\bar{s}\bar{n}\bar{a}\bar{v}\bar{a}hy$: $\bar{x}\bar{s}\bar{n}\bar{a}\bar{v}$ (a) - از $\bar{j}\bar{a}n$ به معنی کشتن، ستاک مضارع: $\bar{v}\bar{i}\bar{j}\bar{a}n\bar{a}^n\bar{t}\bar{i}$: $\bar{j}\bar{a}n$ (a) و اوستائی $\bar{j}\bar{a}n\bar{a}i\bar{t}\bar{i}$ نیز نک. کنت فارسی باستان، ش. ۲۲۲-III

IV - علاوه بر "التزامی معین" یا نشانوجهی مخصوص a - در اشکال سه گانه آن - با شناسه نوع اول، با شناسه نوع اول قوی شده و با شناسه نوع دوم - نام التزامی - به صورتهای التزامی ایم پرفکت و التزامی نامعین اینجانب و نیز به شکلهای اخباری ایم پرفکت و ائوریست بدون آگمنت داده شده است. نک - ش. ۶۷ و نیز نک. ویتنی سنسکریت گرامر ش. ۵۶۳.

v - در اوستای گ. و م. شناسه اول شخص مفرد معلوم $\bar{n}\bar{i}$, $\bar{n}\bar{i}$ (یعنی $\bar{a}ni$)

و یا نیز a، و فارسی باستان niy میباشد. مثال : Av.barāni ، OP.ahaniy .
و شناسه اول شخص مفرد میانه در اوستای گ و م (یعنی āne) در کنار āi و فارسی
باستان naiy میباشد. مثال : Av.vīsāne ، Op.kunavānaiy

۶۲- شناسه های التزامی ترکیب شده با نشانه وجهی عبارتند از : (نیز نک ، جک ،

اوستا گرامر ش ۴۶۲)

I معلوم		
شمار و شخص	اوستا	سنسکریت
مفرد اول شخص	-āni , -a	-āni , ā
مفرد دوم شخص	{ -ahi(-ā[h]i) -ō , -āō	{ -asi -as
مفرد سوم شخص	{ -a ⁱ ti -at	{ -ati -at
مثنی اول شخص	-āva	-āva
مثنی دوم شخص	-	- athas
مثنی سوم شخص	{ -atō -atəm	- atas —
جمع اول شخص	-āma	-āma
جمع دوم شخص	-atha	- atha
جمع سوم شخص	{ -antī -an	— - an

جدول شماره ۷

II - میانه

شمار و شخص	اوستا	سنسکریت
مفرد اول شخص	$\bar{a}i, \bar{a}ne$	$\bar{a}i$
مفرد دوم شخص	$\bar{a}p\bar{h}e$	$\bar{a}se$
مفرد سوم شخص	$\begin{cases} \bar{a}te \\ \bar{a}ta \end{cases}$	$\begin{cases} \bar{a}te \\ - \end{cases}$
مثنی اول شخص	—	$\bar{a}va\bar{h}e$
مثنی دوم شخص	—	$\bar{a}i\bar{t}he$
مثنی سوم شخص	—	$\bar{a}i\bar{t}e$
جمع اول شخص	$\bar{a}ma^i de$	$\bar{a}ma\bar{h}e$
جمع دوم شخص	—	$\bar{a}dh\bar{v}e$
جمع سوم شخص	$\begin{cases} \bar{a}nte \\ \bar{a}^i re \end{cases}$	$\bar{a}nte$

جدول شماره ۸

یادداشت — باید توجه کرد که در اوستای م، شناسه دوم شخص مفرد معلوم $\bar{a}hi=\bar{a}i$ است.

نیز نک، ش. ۱۹.

۴- وجه تمنائی

۶۳- وجه تمنائی در ایرانی باستان مانند سنسکریت کاربردهای گوناگون دارد و تا اندازه‌ای کاربردهای آن مانند وجه التزامی است ، با این تفاوت که فاقد کاربرد آن به عنوان آئینده است . شناسه‌های تمنائی در این زبانها همواره نوع دوم است ، اما در اوستای م . شناسه اول شخص جمع میانه "maⁱde" (نوع اول مانند یسنه ۲۱ - ۹) بجای شناسه "maⁱdī" (نوع دوم) در اوستای گ . بکار رفته است .

I - نشانه وجهی تمنائی در غیر تماتیک ها ، در فارسی باستان : iyā است که بعد از هر مصمتی به غیر از h به ریشه ضعیف می‌چسبد ، مثال : b-iyā^h ، دوم شخص مفرد معلوم : b-iyā^t ، سوم شخص مفرد معلوم . در اوستا : yā^h ، yā^t ، در سنسکریت : yā^h است که به ستاک ضعیف می‌چسبد ، yā^h ، yā^t در حالت معلوم و yā^h در حالت میانه بکار میرود . مثال : اوستائی b-uyāt ، سوم شخص مفرد معلوم و سنسکریت brū-yā^t سوم شخص مفرد معلوم . اوستای گ . mrv-ī-tā سوم شخص مفرد میانه و سنسکریت - bruv- ī- ta' .

II - نشانه وجهی در تماتیک ها ، در ایرانی باستان مانند سنسکریت ī است که به ستاک تماتیک در شکل ضعیف می‌چسبد . در اوستا نشانه وجهی ī با a ی آخر ستاک تلفیق شده و تبدیل به ae (ōi) و در سنسکریت تبدیل به e می‌شود و قبل از مصوت شناسه (us, am) برای سهولت ادا یک y در آن گنجانده می‌شود . مثال : bhāveyam , bhāveyus و OP. kariyaiś , AV. barōiš , Skt. bhārēs

یادداشت . در اوستا گاهی بجای ī نمونه‌هایی از ī بکار رفته مثال : daⁱdiśa ، در کنار daⁱdiśa ، - مشابهتا "نمونه‌هایی از yā برای yā نیز بکار رفته است ، مثال : buyama ، buyata

III - در اوستا در ستاک تماتیک شناسه سوم شخص جمع معلوم و میانه anta , an میباشد که با شناسه غیر تماتیک ها : ar^h ، ar^h معادل سنسکریت ur , ran ،

مقابلہ شدہ است (میانہ و معلوم ہم در صرف - a و ہم در صرف - غیر - a) . اوستائیسی

barayan سوم شخص جمع معلوم ، معادل سنسکریت bhār-ē-yus - اوستائی barayanta

سوم شخص جمع میانہ ، معادل سنسکریت bhārēran - اوستائی daⁱ yār^š

و daⁱ ya-n سوم شخص جمع معلوم ، معادل سنسکریت . dad(h) yūr

۶۴ - شناسہای تمنائی ترکیب شدہ با نشانہ وجہی عبارتند از : (نیز نک . جک .

اوستا گرامر ش . ۴۶۴)

الف - صرف - a (تماتیکی)

I - معلوم

شمار و شخص	اوستا	سنسکریت
مفرد اول شخص	—	-ēyam
مفرد دوم شخص	-ōiś	-ēs
مفرد سوم شخص	-ōit	-ēt
جمع اول شخص	-aēma	-ēma
جمع دوم شخص	-aēta	-ēta
جمع سوم شخص	-ayan	-ēyur

جدول شماره ۹

II - میانه

شمار و شخص	اوستا	سنسکریت
مفرد اول شخص	-aya	-ēya
مفرد دوم شخص	-aeṣṣa	-ēthās
مفرد سوم شخص	-aēta	-ēta
جمع اول شخص	$\left\{ \begin{array}{l} -ōima^i dī (GAV) \\ -ōima^i de (YAV) \end{array} \right\}$	-ēmahi
جمع دوم شخص	-ōidwam	-ēdhvam
جمع سوم شخص	-ayaṇta	-ēran

جدول شماره ۱۰

ب - صرف - غیر - a (غیر تماتیک)

I - معلوم

شمار و شخص	اوستا	سنسکریت
مفرد اول شخص	-yaṃ	-yām
مفرد دوم شخص	-yāṇ	-yās
مفرد سوم شخص	-yāt	-yāt
جمع اول شخص	-yāma	-yāma
جمع دوم شخص	-yāta	-yāta
جمع سوم شخص	$\left\{ \begin{array}{l} -yaṇ \\ -yār^{\partial} \\ -yār^{\partial} \check{s} \end{array} \right\}$	— -yur —

جدول شماره ۱۱

II- میانه (mid.)

شمار و شخص	اوستا	سنسکریت
مفرد اول شخص	-ya	-īya
مفرد دوم شخص	-īṣa	-īthās
مفرد سوم شخص	-īta	-īta
جمع اول شخص	-īma ⁱ dī	-īmahi
جمع دوم شخص	---	-īdhvam
جمع سوم شخص	---	-īran

جدول شماره ۱۲

۵- صفت فاعلی

۶۵- صفت فاعلی معلوم و میانه از تمام ستاکهای زمانی ساخته شده است - بغیر از آینده حشوی. و در زبانهای متاخر، ائوریست (صفت فاعلی ائوریست از آغاز معدود- بوده)، ساخت صفت فاعلی معلوم و میانه به قرار زیر است :

۱- صفت فاعلی معلوم - برای ساختن صفت فاعلی معلوم شناسه‌های زیر را به ستاک زمانی اضافه می‌کنند : در فارسی باستان ant ، در اوستا ant (مونث : antī)، و برای شکل ضعیف at, ant (یعنی : nt) و در سنسکریت ant ، در شکل ضعیف at و برای مؤنث antī یا atī (اما هرگاه ستاک زمانی مختوم به a باشد صفت فاعلی معلوم تبدیل به nt می‌شود) .

۲- صفت فاعلی میانه : برای ساختن صفت فاعلی میانه شناسه‌های زیر را به ستاک زمانی

زمانی اضافه می‌کنند. در فارسی باستان mna اوستا mna (مونث mnā) و نیز āna (āna) (مونث ānā). سنسکریت āna و برای مونث ānā بکار برده می‌شود. اما در سنسکریت هرگاه ستاک زمانی مختوم به a باشد پسوند صفت فاعلی بجای māna, āna می‌باشد اما گاه گاهی استثنائاتی بخصوص در شناسه سببی رخ می‌دهد. صفت فاعلی تام در اوستا و سنسکریت در حالت معلوم شناسه مخصوص دارد.

ع- کانجانتیو (وجه ربطی)

ع- ستاک کانجانتیو (دست کم ظاهراً بدون توجه به اصل آن) از ستاک اخباری هر دستگاه - زمان حال، ائوریست و تام - علاوه a تشکیل شده است. بدین قرار شکل ستاک غیرتماتیک کانجانتیو اخباری مختوم به a، و ستاک تماتیک اخباری مختوم به ā می‌باشد. در صرف کانجانتیو تفاوت زمانی وجود ندارد. تنها یک نمونه از ستاک تولید می‌شود، آنهم با افزودن شناسه‌های شخصی (اولیه و ثانویه)، بدون تفاوت محسوس در معنا.

اول شخص مفرد معلوم و میانه کانجانتیو شناسه‌های مخصوص دارد: معلوم -Ā (تلاقی ستاکهای تماتیک با شناسه اخباری زمان حال). -ĀNI - و میانه -ĀI - و -ANĀI - ستاکهای اخباری: xšaya حکومت کردن - bara "بردن" - dāya- "دادن"، -vijasa- بیرون رفتن، -yaza- پرستیدن، -přsa- "پرسیدن"، -manya- فکر کردن، -tanu- یا -tanav- کشیدن، -křnu-: -křnav- ساختن، -aṣ-: -ṣ-، "بودن"، -dā-، "دادن"، -aug- صحبت کردن، -rnu-: -rnav- بدست آوردن "dars- بنظر آمدن".

اخباری

tanava	xšaya	کانبانکیو اول شخص مفرد معلوم
kərəṇavāni	barāni	
aṇhō	dāyā	دوم شخص مفرد معلوم
dāhī ?	barāhi	
aṇhaṭ	barāt	سوم شخص مفرد معلوم
aṇhaitī	vījasāiti	
aojāi	jasāi	اول شخص مفرد میانه
kərəṇavane	yazāne	
—	paraśaṇhe	دوم شخص مفرد میانه
ṛṇavataē-ca	paraśaite	سوم شخص مفرد میانه
darṣatā	mainyātā	

نمونه های بالا ، نمونه هایی از کانجانتیو در صرف هستند . در اینجا فقط مفرد آن داده شده است ، چون درجه ستاک روشن است . شکل های دیگر هم مشابه نمونه های مذکور است . شکل کانجانتیو از ائوریست (s دار و بدون s) و تام د قیقا " بهمین روش ساخته می شود . ائوریست در این مورد ممکن است از شناسه های نوع اول ساخته شود . Kar-a-t Carat: او باید آنرا انجام دهد . " (ائوریست ریشه ای)

۷۰ • اینجانب نکتیو

۶۷- در سنسکریت باستانی بخصوص در ویگ ودا گاهی اشکال بدون آگمت^۱ همانند اشکال آگمت دار دیده میشود. چنین اشکالی عموماً "آگمت خود را به اتفــــــــــــــــــــــــــــــــاق -

۱- در این مورد ویتنی (سنسکریت گرامر ، ش . ۵۸۷ ب)، توضیح میدهد . که در اوستا کاربردهای غیر وجهی اشکال بدون آگمت فقط $\frac{1}{10}$ کاربرد وجهی آن است و از کاربرد وجهی فقط در حدود $\frac{4}{5}$ آن mā ی نهی ساخته شده و بقیه در وجه تمنائی است .

خصوصیت ویژه زمان فعلی که بدان متعلق است از دست میدهد. این صورنها تا اندازه‌ای غیر وجهی است و در معنی زمان حال یا گذشته بکار گرفته می‌شود، و تا اندازه‌ای وجهی است، و در معنی التزامی یا تمنائی - مخصوصاً "وقتیکه اغلب و قاعدتاً" با mā، در معنی نهی است - به کار برده می‌شود، که مورد اخیر بیشتر در زبانهای متأخر دیده شده است. و نیز نک. ویتنی، سنسکریت گرامر ش. ۵۸۷.

الف - نتیجتاً "علاوه بر" التزامی معین یا متعارف "با نشانه وجهی، در اشکال سه گانه آن (با شناسه نوع اول، با شناسه نوع اول قوی شده و شناسه نوع دوم) شکل‌های التزامی ایم پرفکت و التزامی نامعین و هم چنین ایم پرفکت ائوریست اخباری که آگمنت آن حذف شده باشد در یک مفهوم وجهی نیز تحت عنوان التزامی قرار می‌گیرد. و نیز نک. ویتنی سنسکریت گرامر ش. ۵۶۳.

ب - در اوستا تحت عنوان افعال اینجانکیو یا التزامی نامعین "که یک مشخصه مناسب برای اشکال پریتریت بدون آگمنت است، مورد بررسی قرار می‌گیرد. این اشکال به مفهوم امری و زیر عنوان پریتریت بدون آگمنت برشمرده شده است. و نیز نک. جک. اوستا گرامر ش. ۴۴۵. یادداشت ۲.

ج - در فارسی باستان اینجانکیو فقط اشکال اخباری نوع دوم بدون آگمنت است که mā در معنی نهی بکار برده می‌شود. و نیز نک. کنت، فارسی باستان. ش. ۲۲۴ و ۲۸۱.

مضاعف شدن (Reduplication)

۶۸ - مضاعف شدن ریشه یک فعل در ایرانی باستان مانند سنسکریت در موارد معینی از تصریف فعلی دیده می‌شود. اصل عمومی مضاعف شدن یعنی: "تکرار یک قسمت از ریشه فعل". ساختارهایی که در آن ستاک مضاعف دیده شده و معین و مشخص شده است عبارتند از: در تصریف اولیه فعل، زمان حال (طبقه - ۳، یا طبقه مضاعف)، تام (تقریباً "همه") و در یک قسمت از - ائوریست و هم چنین تشدید و آرزویی از تصریفهای ثانویه.

۶۹ - در مضاعف شدن با تشکیل هجای مضاعف در جلوی هجای ریشه موارد زیر -

بچشم میخورد: الف - هرگاه ریشه با یک مصوت آغاز شود، در این صورت خودش تکرار - می‌شود، البته گاهی نیز بلند می‌شود. ب - مصوت بلند میانی یا انتهایی ریشه معمولاً " در هجای مضاعف کوتاهتر و سبکتر از هجای ریشه است. از $\sqrt{dā}$ ، اوستا - $dādā$ ، سنسکریت - $dādha-$ ، فارسی باستان - $dādā$ ، در سنسکریت مصوت مذکور در ستاک زمان حال و تام و آرزویی کوتاه شده است. ج - در اوستا مصوت میانی یا انتهایی ریشه، در هجای مضاعف تشدید و آرزویی بلند شده و قوی شده است. در سنسکریت در هجای مضاعف ائوریست بلندتر و در تشدید قوی شده است. د - ar اصلی (r مصوت) یعنی r با مضاعف می‌شود سنسکریت $bibhr$ از $\sqrt{bhr}$ ، $Piprc.$ ، از $\sqrt{Pr}$ ، اوستا $TiTar$ از $\sqrt{Tar}$

۷۰ - تفاوت‌هایی که در رابطه با یک مصمت آغازی در ساختهای مختلف وجود دارد کمتر است (در سنسکریت اساساً " به تشدید منحصر شده) و قواعد معین دیگری، در مورد هر ساخت وجود دارد که جزئیات آن در بحث مربوط به خود داده خواهد شد. الف - هر گاه ریشه با یک مصمت آغاز شود، در این صورت در هجای مضاعف مصمت آغازی و مصوت بعدی تکرار می‌شود. اوستا - $tataša$ از $\sqrt{taś$ ، سنسکریت - $tataksa$ و مصمت هجای مضاعف همان مصمت آغازی ریشه است باین ترتیب سنسکریت - $Paprach$ ، $\sqrt{prach}$ اوستا - $tūtava$ ، از $\sqrt{tū}$ ب - در سنسکریت یک مصمت پی دمش جانشین یک مصمت بادمش می‌شود، باین ترتیب $bibhr$ از $\sqrt{bhr}$ ، ج - ریشه‌هایی که با یک مصمت آغاز می‌شود آن مصمت تکرار می‌شود اما در اوستا و سنسکریت یک مصمت نرمکامی با یک مصمت کامی برابر خودش مضاعف می‌شود؛ مثال از Kr سنسکریت - $Cakr$ ، اوستا $Cāxrar$ و در فارسی باستان یک مصمت نرم کامی با یک مصمت کامی مضاعف شده است. مثال: - $Caxriyā$. د - در اوستا و فارسی باستان S اصلی (شامل Sm ، Sp ، St) با h مضاعف می‌شود، یک $\hat{S}$ اصلی کامی با S ، در اوستا یک مصمت سایشی آغازی با مصمت نرم برابر خود - مثال، اوستا $jaxmat$ ($\sqrt{gam}$ رفتن) $hišta^i ti$ ($\sqrt{stā}$ ایستادن) فارسی باستان: $hištata^h$ ، اوستا: $hispōsmna$ ($\sqrt{spas}$ " جاسوسی کردن ") $hišmarəntō$ ($\sqrt{mar}$ ، $\hat{S}mar$ ، بخاطر آوردن) $tu vruye$ ($\sqrt{vru}$

" غذا دادن " (در سنسکریت jāgrabh (از √grabh) و jāhr (از √hr) .

۷۱- در سنسکریت از دومصمت آغازی اگر دومی یک مصمت غیر خیشومی بیواک باشد

و بعد از یک مصمت صفیری بیاید . به عنوان اولین مصمت تکرار می شود . tastr از √str ،

tasthā از √sthā

یادداشت . ۱- در اوستا مصمت چاکنائی اصلی بجای مصمت کامی در هجای مضاعف

قبل از u باقی می ماند . مثال . kuxśnvāna ، از √xśnu ، خشنود بودن " ،

یادداشت ۲- در اوستا شکل مضاعف (صفت فاعلی آرزویی) zixśnāñhōmnāō

یشت ۱۲-۴۹- و در سنسکریت jijnāsamānās مشاهده گردیده .

" آگمنت "

۷۲- آگمنت پیشوند a ی کوتاهی است که به ستاک زمانی افزوده می شود . هرگاه

ستاک زمانی با یک مصوت آغاز شود ، در اینصورت با a ی آگمنت ترکیب شده و تبدیل به

مصوت وردهی می گردد . در اوستا در مقایسه با سنسکریت و فارسی باستان آگمنت نادر است .

در سنسکریت a ی آگمنت (بدون استثناء) دارای تکیه است . در اوستا موارد حذف آن به

نسبت بیشتر از سنسکریت ودائی است . هم چنین در سنسکریت ودائی a ی

آگمنت در چند مورد به شکل ā (a ی بلند) بکار رفته است . مانند ، āvar و āvr̥ṇak

āvidhyat . نیز نک ش ۶۷ .

الف - آگمنت نشانه ای برای زمان گذشته است . در سنسکریت از افعال مختلف در

دستگاههای مختلف تبدیل به زمان ماضی همان فعل در همان دستگاه می شود .

تقویت مصوتی - ادغام مصوت a

" گونا و وردهی (Guṇa and vṛddhi) "

۷۳- مصوت گونا و وردهی برای زبانهای ایرانی باستان از زبان سنسکریت به عاریت

گرفته شده است . بطور کلی گونا و وردهی بنیاد دوگانه دارد . ۱- تقویت مصوتی ۲- ادغام -

دو مصوت غیر همانند در ترکیب یا در صرف .

الف - آنچه را که تغییرات گونا و وردهی می‌نامیم، تغییراتی بسیار منظم است، که کرارا" در مورد مصوتها رخ می‌دهد. یا بزبان دیگر، تنوع مصوتها در درون یک ریشه یا عنصر تشکیل دهنده T ریشه هم در صرف و هم در اشتقاق است.

۷۴- هرگاه یک پیشوند a با یک مصوت ساده یا بنیادی بر طبق قواعد معمول ترکیب شود، تشکیل یک مصوت گونا می‌دهد. و هرگاه یک پیشوند a با مصوت گونا ترکیب شود، تشکیل یک مصوت وردهی (به معنی رویش، افزایش) می‌دهد. a گونای خودش است. یعنی a بدون تغییر، گونای a است. هم چنین وردهی a و $\bar{a}$ ، $\bar{a}$ است.

۷۵- گونا و وردهی در فارسی باستان و سنسکریت به قرار زیر است:

مصوت ساده	$\bar{a}$	i	$\bar{i}$	u	$\bar{u}$	r	$\bar{l}$
گونا	$\bar{a}$	e		o		ar	al
وردهی	$\bar{a}$	$\bar{ai}$		$\bar{au}$		$\bar{ar}$	$\bar{al}$

۷۶- گونا و وردهی در اوستا که مطابق سنسکریت شکل داده شده باین قرار است:

مصوت ساده	$\bar{a}, a$	$\bar{i}, i$	$u, \bar{u}$	$\bar{a}r^b$
گونا	—	$\bar{a}\bar{e}(ay), \bar{o}\bar{i}(\bar{o}y), \bar{e}$	$ao(av), \bar{o}u, -\bar{o}$	$ar^b(ar)$
وردهی	$\bar{a}$	$\bar{ai}(\bar{a}y)$	$\bar{au}(\bar{a}v)$	$\bar{a}r^b(\bar{a}r)$

(شکلهای داخل پرانتز قبل از مصوتها واقع می‌شود.)

۷۷- وردهی بعنوان شکل دهنده یا طولانی کننده مصوت، در زبان آریائی شیوه متداول تشکیل اشتقاقهاست، برای مثال در سنسکریت تمایز بسیاری صفات از اسمی که از آن گرفته شده است فقط بوسیله مصوت وردهی در آغاز هجای آن مشخص می‌شود، در - فارسی باستان در خصوص مصوت وردهی تعدادی نمونه‌ها و مثالهای مشخصی وجود دارد (به غیر از آنهایی که مصوتهای بلند در آنها ممکن است یا مستقیماً از P^{IE} گرفته شده باشد و یا از نظام شکل دهنده P^{IE})، گونا در اوستا موارد استعمال بیشتری دارد و در نظام

مصوتها ، گونه‌گونی بیشتری می‌یابد . وردهی بهر حال در مقایسه نادر است و مثل سنسکریت بطور منظم صورت نمی‌پذیرد . و همچنین موارد و نمونه‌های آن معین و مشخص نیست اما نایستی وردهی را در اوستا نادیده انگاشت .

مصوت a

تقویت مصوتی :

وردهی : اوستای گاهانی $avācī$ ، $vācī$ "گفته‌شده" (اُورِست مجهول)

معادل سنسکریت $āvāci$ ، فارسی باستان $dāraniya-kara-$ "زرگر" از $daraniya-$ ، $āθagaina-$ یا $aθagaina-$ ، سنگی ، از- $aθaga-$.

مصوت i

تقویت مصوتی :

گونا : اوستا ، $daēsayan$ "آنها نشان دادند" ($\sqrt{dis-}$) ، $daēdōišť$ "و نشان داد" (تشدیدی ، $\sqrt{dis-}$) - وردهی : اوستا ، $dāisť$ "تودیدی" (اُورِست $\sqrt{dī}$) .

ادغام مصوتی :

اوستای گاهانی - $upaēta$ "رسیده" ($upa+\sqrt{i-}$) ، فارسی باستان $paraita-$ "جلورفته" ($para+\sqrt{i-}$)

مصوت u

تقویت مصوتی :

گونا : $staomi$ "می‌ستایم" ($\sqrt{stu-}$) - وردهی : اوستای گاهانی $srāvī$ "شنیده بود" ($\sqrt{sru-}$) ، فارسی باستان $uvnarā$ "هنرها" ، از $hu-nara-$

ادغام مصوتی :

اوستا $fraoxť$ "فراز گفت" ($fra+uxť-$) (معادل سنسکریت $Prōktas$ ، فارسی باستان $hauv$ (PAR) ، مذکر ، sa مونث ($u+sā$)

از اوستائی - $vəɾ^{nə} raxna$ "پیروزی"، $vār^{nə} raxni$ "پیروز"؛
 نیز اوستائی $kər^{nə} m$ "من بریدم"، $kar^{nə} m$ "کارد" (رائی) $karanəm$
 "حد، کنار" (رائی)، $kāraye^{i} ti$ "او می‌برد" فارسی باستان -
 Ariya یا Ārya، arjanam یا arjanam نیز نک. جک
 ش. ۶۰ و نیز نک کنت. ش. ۶۰-۱۲۵

I - "دستگاه زمان حال"

۷۸- دستگاه زمان حال با دستگاهی که از ستاک زمان حال منتج میشود مرکب است
 از: ۱- وجه اخباری زمان حال ۲- وجه التزامی ۳- وجه تمنائی ۴- وجه امری ۵- صفت
 فاعلی و هم چنین یک ماضی پریتریت یا پریتریت "گفت‌دار" که آنرا ماضی‌ایم پرفکت نام
 گذارده‌ایم. نیز نک ویتنی - ش. ۵۹۹.

الف - این اشکال اغلب در گرامر این زبانها بنام "زمانهای مخصوص" خوانده
 می‌شود. در حالیکه بقیه دستگاههای زمانی را "زمانهای عمومی" ۲ گویند - و مورد ائوریست،
 از ستاکهای تشکیل شده که یک نوع شکل قابل مقایسه با ستاکهای زمان حال دارد.

۷۹- دستگاه زمان حال عمده‌ترین و مهمترین دستگاه صرف فعلی در زبانهای
 ایرانی باستان و سنسکریت است. اشکال آن بیشترین بسامد را دارد. از نظر ساخت و
 گروههای صرفی و طبقه‌بندی مختلف افعال، این دستگاه در ایرانی باستان مانند سنسکریت
 است. نیز نک. جک، اوستاگرامر. ش. ۴۶۸.

طبقات افعال

۸۰- ریشه‌های مختلف افعال به طرق گوناگونی ستاکهای زمان حال خود را شکل

میدهد. و این آشکارترین اختلاف بین ستاکها میباشد که اساس طبقه بندی آنها را تشکیل میدهد. چنانکه گفته می شود این فعل از این طبقه (نوع صرفی) یا آن طبقه میباشد. و نتیجتاً بر اساس روش یا راهی که آن ستاک مضارع ساخته و صرف شده است طبقه آن معین می شود.

۸۱- در سنسکریت برای شکل دادن ستاک زمان حال از ریشه، روشهای مختلفی بکار می رود. در مورد تعداد کمی از افعال ستاک زمان حال با ریشه یکی است. به علاوه (شامل ساخت مجهول و سببی) کمتر یا بیشتر هفت روش مختلف وجود دارد. و هر روشی تعداد کم یا زیادی از افعال را در بر می گیرد. آن روشهای شکل گیری که بوسیله دستور نویسان هندی تنظیم شده و نام "طبقات" یا "طبقات صرفی" خوانده می شود، توسط دستورنویسان بعدی کلاً "مصنوعی و نامنظم فرض شده اند (به سبب آنکه دلیل چگونگی آنها کشف نشده است). کارهای اروپائیان بر طبق نظم و ترتیب فوق نیست و با توجه باینکه طبقه بندی هندیها به وسیله ریشه ای که در سر عنوان هر طبقه داده شده است مطابقت داده می شود، سلسله طبقات متفاوتی در زیر آورده می شود - و طبقات فوق (همانطوریکه در گرامر اروپائی معمول است) به دو گروه کلی صرفی تقسیم می گردد و نتیجتاً آنها، بوسیله تفاوتهای عمده تری از یکدیگر تمیز داده می شود، تا خصوصیات خاص یک طبقه. نیز نک، ویتنی، ش. ۶۰۲.

اگر گرامر سنسکریت را بعنوان مدل انتخاب کنیم، از اینرو در دستگاه زمان حال زبانهای ایرانی باستان نیز ده (۱۰) طبقه فعل تشخیص داده شده است. این طبقات بر اساس شیوه ساخت ستاک زمان حال آن طبقه از یکدیگر تمیز داده می شود. این ده طبقه به دو گروه اساسی صرفی تقسیم می گردد. این تقسیم بندی بر اساس اینکه شناسه ها با **مصوت ستاکی** a یا بدون آن به ریشه می چسبد بنیاد شده است. نیز نک، جک، ش. ۴۶۹ I - گروه تَمَاتِیک یا صرف a- (طبقات ۱، ۶، ۴، ۱۰) ساخت ستاک مضارع آن یک a ی پایانی بخود می گیرد. به بیان دیگر شناسه ها بوسیله مصوت a (در اول شخص a، ā) به ریشه متصل می شود. II - گروه غَیر تَمَاتِیک یا صرف غیر a- (طبقات ۲، ۳، ۷، ۵، ۸، ۹) که در آن شناسه ها مستقیماً " بدون این a عنصر شکل دهنده ستاک به ریشه (آن ریشه

بعدی که مانند ستاک موضوع تغییر و تبدیل قرار می‌گیرد. (متصل می‌شود. نیز نک جک .

اوستا گرامر ، ش . ۴۶۸

۸۲- تکیه : در خط‌زبانهای ایرانی باستان تکیه قابل تشخیص نیست و نوشته

نمیشود حال این پدیده را در مورد طبقات صرفی با استفاده از زبان سنسکریت مورد بررسی قرار میدهیم :

الف - تکیه در طبقات صرفی گروه اول - در ستاک صرفی محتوم به a تکیه جای ثابت و معین دارد . و همیشه بر روی همان هجای ستاک باقی می‌ماند . و به شناسه تغییر مکان نمیدهد .

ب - تکیه در طبقات صرفی گروه دوم - تغییر مکان یک تکیه ، بعنوان یکی از اساسی ترین مشخصه آن شمرده می‌شود . و اینکه تکیه بر روی شناسه یا بر روی ریشه یا نشانه طبقه‌ای قرار گیرد . تنوعی در یک ستاک بوجود می‌آورد . و تکیه بر روی ستاک قرار می‌گیرد شکل آن قوی تر است و وقتیکه تکیه بر روی شناسه آن قرار می‌گیرد . شکل آن ضعیف تر است ، که از این اشکال برای شناخت ستاک قوی و ضعیف استفاده می‌گردد .

۸۳- طبقه بندی افعال فارسی باستان و اوستا بر اساس گرامر سنسکریت بطور خلاصه

عبارتست از :

I - طبقات گروه اول یا صرف - a (تماتیک) .

اولین ساخت - طبقه ۱ - نک . ش . ۹۱

(۱) طبقه - a با شکل ریشه قوی شده = سنسکریت اولین (bhū-) طبقه .

" او می‌شود " AV. $\sqrt{bū-}$, bav-a-ⁱti

دومین ساخت - طبقه ۶ - نک . ش . ۹۲

(۶) طبقه - a - سنسکریت a - با شکل ریشه قوی نشده = سنسکریت ششمین (tud-) طبقه

" او دروغ می‌گوید " AV. $\sqrt{druj-}$, druž-a-ⁱti

سومین ساخت - طبقه ۴ - نک . ش . ۹۳

(۴) طبقه-ya (ریشه در شکل قوی نشده) = سنسکریت چهارمین (-div) طبقه .

" او ناپدید می شود " AV. $\sqrt{\text{nas-}}, \text{nas-ye-}^i\text{ti}$

چهارمین ساخت - طبقه ۱۰- نک . ش . ۹۴

(۱۰) طبقه -aya (ریشه در شکل قوی شده) ، سببی = سنسکریت دهمین (-cur) طبقه

" او روشن می کند " AV. $\sqrt{\text{ruc-}}, \text{raoc-aye}^i\text{ti}$

II . صرف - غیر-^a (غیر تماتیک) .

اولین ساخت - طبقه ۲۰ نک . ش . ۱۲۷

(۲) طبقه ریشه‌ای (Root-class) - ریشه بخودی خود ستاک مضارع است = سنسکریت

دومین (-ad) طبقه .

" او می کشد " AV. $\sqrt{\text{jan-}}, \text{ja}^i\text{n-ti}$

دومین ساخت - طبقه ۳- نک . ش . ۱۳۸

(۳) طبقه مضاعف - ریشه مضاعف ستاک مضارع است = سنسکریت سومین (-hu) طبقه

" او میدهد " AV. $\sqrt{\text{dā-}}, \text{da-dā-}^i\text{ti}$

سومین ساخت - طبقه ۷- نک . ش . ۱۴۸

(۷) طبقه غنه - هجای -na- (قوی) و -n- (ضعیف) را در ریشه می گنجانند

= سنسکریت هفتمین (-rudh) طبقه

" بگذار برود " AV. $\sqrt{\text{ric-}}, ^i\text{ri-na-xti}$

چهارمین ساخت - طبقه ۵- نک . ش . ۱۵۱

(۵) طبقه -nu- هجای -nao- (قوی) ، -nu- (ضعیف) = سنسکریت پنجمین (-su) طبقه

" او می سازد " AV. $\sqrt{\text{kar-}}, \text{kər}^{\text{p}}\text{-nao-}^i\text{ti}$

پنجمین ساخت - طبقه ۸- نک . ش . ۱۵۵

(۸) طبقه -u- فقط یک u به ریشه می افزاید = سنسکریت هشتمین (-tan) طبقه

AV. $\sqrt{\text{āp-}}, \text{āfənte}(\text{āp-v-antē})$

ششمین ساخت - طبقه ۹- نک . ش . ۱۵۸

(۹) طبقه - $nā$ - هجای $nā$ (قوی) ، n ، na - (ضعیف) = سنسکریت نهمین ($krī-$) طبقه

" او تصرف می‌کند " $AV. \sqrt{graw-gar^{\circ}w-nā-ti}$

۸۴- انتقال صرفی : در دستگاه زمان حال، یک فعل همیشه بر طبق یک طبقه صرفی صرف نمی‌شود. اکثر اشکال یک فعل بر طبق یک طبقه از اشکال صرفی دستگاه زمان حال ساخته می‌شود، در حالیکه تعدادی از اشکال همان فعل ممکن است بر طبق طبقه صرفی دیگری ساخته شود، باین ترتیب گاهی یک بخش از فعل بر طبق دو طبقه صرفی شکل داده می‌شود، نمونه های چنین انتقالی از یک طبقه به طبقه دیگر کمیاب نیست. بطور کلی مثالهای انتقال از - افعال غیر تماتیک بطرف افعال تماتیک در موارد متعددی دیده می‌شود. نیز نک. جک. - اوستاگرامر، ش. ۴۷۱

I- صرف a (تماتیک)

۸۵- نکات کلی : در ایرانی باستان مانند سنسکریت گروه تماتیک در وجوه صرفی-

اش از گروه دیگر مورد توجه تر است. صرف a ی دستگاه زمان حال، شامل چهار طبقه (۱-۴-۱۰) میباشد. مشخصات معمول آن عبارتند از ۱. a ی پایانی در ستاک مضارع

۲- در سنسکریت دارای تکیه ثابتی است که بین ستاک و شناسه تغییر مکان نمیدهد، ۳-

مصوت ریشه با توجه به طبقه فعل ممکن است قوی شده یا آنکه قوی نشده باشد، ۴- نشانه

وجهی معلوم در وجه تمنائی بجای $yā$ ، $\bar{I}$ است. ۵- در اوستا و سنسکریت دوم شخص مفرد

امری معلوم بدون شناسه است (در سنسکریت، بجز وقتی که $tāt$ بکار میرود.) ۶- در سنسکر

a ی آغازی شناسه دوم شخص و سوم شخص مثنی میانه با a ی پایانی ستاک ترکیب شده و

تبدیل به e می‌شود. ۷- در سنسکریت کاربرد ثابت an (us) در سوم شخص جمع

ایم پرفکت معلوم دیده می‌شود. ۸- برای ساختن صفت فاعلی میانه در سنسکریت پسوند

$māna$ ، در فارسی باستان و اوستا mna ، هم چنین در اوستا $āna$ - ana نیز بکار میرود.

۹- در این زبانها ستاک مختوم به a ، قبل از m (هم چنین در اوستا و سنسکریت قبل از

(v) در شناسه اول شخص ها تبدیل به ā می شود - اما نه قبل am̥ اول شخص مفرد ایم -
 پرفکت مثال : از AV.barāmi, Skt: bhārāmi, OP.barāmiy√bar
 و در سنسکریت قبل از شناسه های سوم شخص جمع a پایانی می افتد مانند . bhvānti
 (یعنی bhāva-anti) نیز نک . ویتنی ، ش . ۷۳۳

الف - مشخصات بالا ، فقط متعلق به دستگاه زمان حال تماتیک نیست ، بلکه هم -
 چنین متعلق به a ستاکهای مضاعف شده ، sa اثوریست ، آینده - s و ستاکهای زمان حال
 آرزویی ، سببی و جعلی میباشد . باید گفت که همه a ستاکها بهمین طریق صرف میشود .
 یادداشت - در اوستا ، اول شخص جمع تماتیک بیشتر به صورت ā نشان داده -
 می شود تا ā مثال . AV.yazāmaⁱde معمول تر از barāmaⁱde است
 نیز نک . جک ش . ۴۷۲ یادداشت

۱- اخباری

۸۶- شناسه های گوناگون بوسیله a تماتیک (در اول شخص ā) مستقیما " به ستاکی
 که بر طبق قواعد مربوط بآن طبقه بخصوص شکل داده شده می پیوندد .

۲- امری

۸۷- شناسه های امری بوسیله a تماتیک مستقیما " به ستاک مضارع آن طبقه
 می پیوندد .

۳- التزامی

۸۸- در وجه التزامی a ی تماتیک و a ی نشانه وجه التزامی درهم ادغام و تبدیل به
 ā شده و به ستاک مضارع متصل می شود و سپس شناسه های التزامی به ستاک مذکور می پیوندد .

۴- تمنائی

۸۹- نشانه وجه تمنائی در اوستا و سنسکریت ، در ستاک تماتیک i̯ (بجای yā) است
 که با مصوت a ی تماتیک در هم ادغام شده ، در اوستا تبدیل به ae̯ (یا oi̯) ، در سنسکریت

تبدیل به e می شود . در فارسی باستان نشانه وجهی i است که با a تیاتیک ادغام و تبدیل
 بمنه a می شود . سپس شناسه ها به ستاک آماده شده می پیوندند :

هـ- صفت فاعلی

۹۰- شناسه های صفت فاعلی (صفت فعلی) در هر طبقه تیاتیک عبارتند از :
 برای حالت معلوم در اوستا nt (مونث ntī-) ، فارسی باستان و سنسکریت nt ، t (مونث
 ntī ، tī) و برای حالت میانه در اوستا و فارسی باستان mna و سنسکریت māna و هم چنین
 در اوستا ana و āna نیز بکار می رود .

طبقات صرف a- (تیاتیک

طبقات ۱، ۶، ۴، ۱۰

(۱) طبقه a- (اولین طبقه یا طبقه bhū- از نظر دستور نویسان هندی) .

۹۱- نشان طبقه ای آن a است که به ریشه اضافه می گردد . شکل ریشه قوی شده است
 (گونا) طبقه a- در سنسکریت بدون تکیه ، ولی ریشه دارای تکیه است در اوستا از $\sqrt{bū}$
 به معنی " بودن " ، مانند bay-a-tiⁱ ، معادل فارسی باستان $\sqrt{bay}$ ، مانند
 bay-a-tiy معادل سنسکریت $\sqrt{bhū}$ ، مانند bhāv-a-ti " او می شود "
 یادداشت ۱- در ایرانی باستان مانند سنسکریت ریشه هایی مانند $\sqrt{stā}$
 nad- (مضاعف اصلی) معادل سنسکریت -sthā ، -sad ، از طبقه مضاعف به این طبقه
 (طبقه a-) منتقل شده اند . اوستائی hištaⁱti " او می ایستد " ، فارسی باستان-
 a^hištata^h ، معادل سنسکریت atīṣṭhata^h ، اوستائی hiḍaⁱti او-
 می نشیند " معادل سنسکریت sīdati

یادداشت ۲- در اوستا و سنسکریت برخی ریشه های مختوم به a ی بعلاوه یک مصمت
 نوساناتی را میان ā و ă نشان می دهد . از nam- $\sqrt{}$ ، تعظیم کردن دارای ستاک -a-nam
 و هم چنین -a-nām معادل سنسکریت از -kram $\sqrt{}$ " گام برداشتن kramateⁱ ، krām-
 می باشد .

یادداشت ۳- در سنسکریت معمولاً "تقویت گونا در یک هجای سنگین مختوم به یک مصمت اتفاق نمی‌افتد، تقویت گونا در جریان صرف و اشتقاق نه مصوت کوتاهی را که اصلاً "بلند است بکار می‌گیرد و نه یک مصوت بلند را، مگر اینکه مصوت بلند در پایان باشد. مثال $\sqrt{cit}$ ، $c\acute{e}tati$ ، اما از $\sqrt{nind}$ ، $nindati$ و از $\sqrt{n\bar{i}}$ $n\bar{a}yati$ اما از $\sqrt{j\bar{i}v}$ ، $j\bar{i}vati$ ، فارسی باستان $(jiv-)ajivatam$

(۶) طبقه - a (ششمین یا طبقه tud-سنسکریت)

۹۲- نشان طبقه‌ای آن a است که به ریشه در شکل قوی نشده اضافه می‌گردد. طبقه - a در سنسکریت دارای تکیه است : a' ، ولی ریشه بدون تکیه می‌باشد. وجوه صرفی این طبقه مانند طبقه (۱) است. در اوستا از $\sqrt{i\check{s}}$ "آرزو داشتن" مانند $i\check{s}-a-i-t\check{e}$ معادل سنسکریت $i\check{s}-a-i-t\check{e}$ ، در فارسی باستان از $\sqrt{pai\theta}$ بمعنی نقاشی کردن، مانند $api\theta a^n$ ، سنسکریت از $\sqrt{tud}$ بمعنی فرو کردن مانند $tud\acute{a}ti$.

یادداشت ۱- گاهی در اوستا ستاک مضارع تقویت خیشومی می‌پذیرد. مثال: $\sqrt{hic}$ ، $hi\check{n}c-a-i-ti$ ، معادل سنسکریت $Sincati$ ، فارسی باستان amu^na^t .

(۴) طبقه-ya (چهارمین یا طبقه div- سنسکریت) و نیز ساخت مجهول

۹۳- برای ساختن ستاک مضارع در این طبقه، پسوند ya ($ye-$)^۱ به ریشه ساده در شکل قوی شده یا نشده اضافه می‌گردد. در سنسکریت ریشه دارای تکیه است. صرف این طبقه مانند طبقه -a است. ماده ساز تَمَاطِیک ya یا طبقه -۴ صرف فعل مجهول را در دستگاه زمان حال قرار می‌دهد، صرف مجهول مانند طبقه-ya است. طبقه‌ای که به آن شباهت زیادی

۱- در اوستا a ی بعد از y ، قبل از هجائی که با $i, \bar{i}, e, \bar{e}$ آغاز می‌شود تبدیل به e می‌شود.

دارد. پسوند مجهول ساز، در سنسکریت دارای تکیه است. (ya') که به ریشه اضافه می‌شود. نظر باینکه ساخت ستاک مضارع در طبقه ya - درست مانند ساخت ستاک مجهول است. بنابراین بدرستی مشخص نیست که یک ساخت مفروض، مجهول است و بساختی ست که در حالت میانه و به معنی مجهول بکار رفته.

در اوستا از $\sqrt{nas}$ به معنی ناپدید شدن مانند nas-ye-ti ، معادل سنسکریت $\sqrt{pa}$ به معنی پائیدن ، apayaīy ، فارسی باستان از $\sqrt{mā}$ ، اندازه گرفتن frāmayatā یادداشت - شکلهای ستاک قوی شکلهای متاخر هستند.

۱۰- طبقه - aya (دهمین یا طبقه - cur سنسکریت)

۹۴- برای ساختن ستاک مضارع در این طبقه پسوند aya - سنسکریت āya - به ریشه در شکل قوی شده، اضافه می‌گردد. صرف آن مانند صرف a ستاکهاست. نظر باینکه ساخت ستاک در این طبقه به ستاک مضارع محدود نشده - به صرف دیگر توسعه پیدا کرده - و ساخت آن تا اندازه‌ای مانند صرف اشتقاقی یا ثانویه سببی است و تا اندازه‌ای - مانند صرف اشتقاقی یا ثانویه جعلی است (در سنسکریت یا تغییر تکیه‌ای انجام می‌گیرد) بنابراین این طبقه بدرستی یک طبقه نیست ، بلکه از صرفهای ثانویه است نک v. . تصریفهای ثانویه ب و ج ، - ریشه‌هایی که در داخل خود a دارد ، عموماً " ، نه همیشه ، تقویت کننده وردهی می‌گیرد ، و ریشه‌هایی که در داخل خود i یا u دارد معمولاً " تقویت کننده گونا می‌گیرد. مثال ، فارسی باستان از $\sqrt{man}$ " فکرکردن " ، amān-aya^t ، از $\sqrt{ṣay}$ " تکیه دادن " ، niy-aṣārayam (impf) با r - مطابق dārayatiy . از $\sqrt{had}$ " نشستن " niyaśādayam (impf) از $\sqrt{naθ}$ " تباه کردن " vi-nāṭhayatiy (التزامی) از $\sqrt{grab}$, agarbāyatā (impf) ، معادل سنسکریت gr̥bhāyati

، از avah "کمک" (اسم) ، Patiy-avahyaiy از $\sqrt{tav}$ توانستن " ، atāv-ay-m ، در اوستا ، از $\sqrt{ruc}$ " روشن کردن " raoc-aye-i-ti معادل سنسکریت rōc-āya-ti ، اوستا از $\sqrt{pat}$ پرواز کردن " apat-ayə-n معادل سنسکریت āpāt-aya-n فارسی باستان از $\sqrt{gaud}$ " پنهان کردن " ،
apa-gaud-aya^h

یادداشت ۱- باید توجه داشت که در ایرانی باستان ریشه‌های دارای a همیشه در مرحله وردهی قرار نمی‌گیرد .

یادداشت ۲- در ایرانی باستان ، بعضی استثنائاتی در مورد قاعده گونای i یا u در ریشه‌های حاوی آن واقع می‌شود .

یادداشت ۳- در ایرانی باستان مانند سنسکریت یک هجای سنگین مختوم به مصمت تقویت کننده وردهی یا گونا نمی‌گیرد .

۹۵- جهت ملاحظه نمونه‌های صرف - a (تماتیک) نک . جک . اوستاگرامر ، ش .

۸- ۴۸۲ و نیز نک کنت . فارسی باستان . ش . ۵- ۲۱۱

اشکال قابل ملاحظه در اوستای گ . و م .

۹۶- اوستای گ . عموماً " همان شکل (ساخت) اوستای م . را دارد ، بااین تفاوت که مصوت پایانی آن بلند است . نیز نک جک . اوستاگرامر . ش . ۲۶ . با این حال اوستای گ . دارای معدودی خصوصیات مخصوص به خود است ، که آنها، بعلاوه گونه‌های دیگری در - اوستای م . در اینجا مورد توجه قرار می‌گیرد :

۹۷- (۱) شناسه‌های (تماتیک) سوم شخص میانه و معلوم جمع ante, -anti -هی

بجای آنکه به صورتهای ante, -anti - تبدیل شود بهمان صورت تغییر نیافته اصلی باقی می‌ماند . مثال YAV. Vanantī , GAV.vanaⁱntī " آنها بزرگ می‌شوند " یشت ۱۳- ۱۵۴ ، GAV.hacaⁱntē در کنار YAV.hacinte " آنها دنبال می‌کنند "

۹۸- (۲) صورتهای -in, -iñte, iñti بجای aⁱñti, -añti

و غیره، اغلب بعد از کامیها واقع می شود. نیز نک. جک. ش. ۳۰. مثال AV. frataciñti:

"آنها پیش میروند" (گونه های tacañti, tacaⁱñti یسنه ۶۵-۲ √tac-

Fratacin "آنها پیش رفتند"، YAV. hacin̄te در کنار GAV. hacaⁱñtē

"آنها دنبال می کنند، yazaiñti "آنها پرستش می کنند" یشت ۸-۱۱ در کنار

yazañti یشت ۸-۲۴. نیز نک. یشت ۱۰-۵۴، yazañte

Snaēžintaē-ca, yaziñti "و نیز برف می بارند".

۹۹- (۳) در اوستای گ. م. م.، هرگاه y قبل از (ā) a ی تماتیک قرار گیرد،

مخصوصاً در طبقه ۴، ۱۰، عموماً "ترکیب -ya- (-yā-) تبدیل به ye می گردد، نیز

نک. جک. ش. ۳۴. مثال: -

اوستا: sādāyēti, sādāyehi, sādāyemi, "ظاهر می شوم،

ظاهر می شوی، ظاهر می شود" (√sad-، طبقه ۱۰)، jaⁱdyehi, jaⁱdyemi

jaⁱdyēñti, "تقاضا می کنم، تقاضا می کنی، تقاضا می کنند،"

(√jad-، طبقه ۴)، xšāyehi (GAV) xšāyēti, xšāyēñti, xšāyēte

(xšāyēñti, xšāyēñti, xšāyēñti) (التزامی. āni)

تو فرمانروائی می کنی، او فرمانروائی می کند و غیره (√xši-، طبقه ۱)،

zbayēti, zbayehi, zbayemi, "من درخواست می کنم، و غیره؛

bañdayēni "من می بندم" (التزامی)،

۱۰۰- (۴) بعضی کاهش های va ya قبل از n, m واقع می شود، نیز نک. جک

اوستاگرام، ش. ۶۳. مثال:

اوستا var^əziñti "آنها کار می کنند" (یعنی: √varz-, var^əzyañti

، rišⁱñti "آنها مجروح می شوند" (یعنی: √riš-, rišⁱñti، طبقه ۴)

، rvaēsiñti "آنها می گردانند"، Uxšin آنها رشد

میکنند " (یعنی : uxšyan ، - yaxš√ طبقه ۴) ، fyanhunte " تگری می‌بارند " (یعنی : fyanhvante) . - نیز دوم شخص مفرد امری nase بیوس " (یعنی : nasya) .

۱۰۱- (۵) بعضی کاهش‌های ava ، aya (āva ، āya) قبل از m ، n انتهای (نیز نک جک. ش. ۶۴) واقع می‌شود . مثال : -
 اوستا : daēsaēm " من نشان دادم " (یعنی : dis-√ ، daēsayam ، طبقه ۱۰) ، abaom " شدم " (یعنی : abavam ، - bū√ ، طبقه ۱) یشت ۱۹-۵۷ ، ۶۱ ، ۶۳ ، baon " آنها شدند " یشت ۵-۹۸ و غیره .

۱۰۲- بعضی استثنائات دیگر نیز مستلزم توجه مشروح است :

۱- اخباری

الف - زمان حال

۱۰۳- اول شخص مفرد معلوم : در اوستای گ . در افعال تماتیک بجای شناسه āmi ، فقط ā بکار می‌رود و در افعال غیر تماتیک فقط mī بکار می‌رود . مثال : GAV. ufyā " من نیایش می‌کنم " ، kayā " من درک می‌کنم " . - در اوستای م . مشابهتا ، اما بندرت (شاید فرضی) مانند zbaya " من می‌خواهم " و در ویسپرد ۱-۶ frayeze نیز اخباری است .

۱۰۴- سوم شخص مثنی : معلوم - در اوستای گ . Caratasca " هر دو می‌آیند " ، سنه ۵۱-۱۲ : - میانه - واژه‌نامه زند - پهلوی ص ۵۴-۸ ، barcite " هر دو می‌آورند " بکار رفته .

۱۰۵- اول شخص جمع معلوم : در اوستای م . مشابهتا " با ای کوتاه ، zbayaṃahi " ما می‌خواهیم " ، بکار رفته .

۱۰۶- دوم شخص جمع . معلوم : در اوستای م . استثنائات (مانند پریتریت) xarata " شما می‌خورید " و ندیداد ۷-۵۷ بکار رفته - میانه : در اوستای گ .

dīdrazōduyē , duyē . " شما نگاه میدارید " (آرزویی) دیده شده
در مورد ۵ در a ستاکها، نک، جک، ش. ۳۹.

۱۰۷- سوم شخص جمع : شرح جزئیات در ش. ۹۷ در بالا

ب- ماضی پریتیت

۱۰۸- سوم شخص جمع میانه : در اوستای گ. visēntā " آنها وارد شدند
را مشاهده می‌کنید (در مورد ۵ نیز نک. جک. ش. ۳۲)

۲- امری

۱۰۹- دوم شخص مفرد : معلوم - در اوستای م. به nase " نابود کن " (با کاهش
، نک، جک. ش. ۳۴، ۴۹۳) دقت کنید. (یعنی nas - , nasya √ طبقه ۴)
میانه : در اوستای گ. فقط hvā : gūṣahvā " بشنو " baxšōhvā " بخش "
(در مورد ۵ برای a - نیز نک. جک. ش. ۳۹) دیده شده.

۱۱۰- سوم شخص مفرد معلوم : در اوستای گ. ā (نک. جک. ش. ۳۹) را در
var^o zyōtū " بگذار بورزد " (varz- √ ، طبقه ۴) ،
vātayōtū " بگذار آگاه کند " (vat- ، طبقه ۱۰) مشاهده می‌کنید.

۱۱۱- دوم شخص جمع : معلوم - در اوستای گ. شناسه na در baranā " ببرید "
یسنه ۳۰-۹، نیز نک، ش. ۵۴، دیده شده - میانه : در اوستای گ. gūṣōdūm
" بشنوید " معادل سنسکریت ghōṣadhvam بکار رفته.

۳- التزامی

۱۱۲- دوم شخص، مفرد : معلوم - در اوستای م. گاهی āi برای ā(h)i
بکار می‌رود نیز نک. ش. ۱۹ apayasāi " تو ویران کنی " (یعنی yasāhi)
vazāhi , vazāi (گونه دیگر) " تو ببری " وندیداد ۵-۱۶ - در اوستای
م. ، صورتی از شناسه نوع دوم (اما از نظر نحوی درست نیست) ba v ād است ،
یشت ۲۴- ۸.

۱۱۳- سوم شخص جمع : معلوم - اوستای گ . نیز $\bar{a}n$ را (برای $\bar{a}n$) نشان میدهد . در $rap\bar{a}n$ " باشد که نگه بدارند " . - میانه - در اوستای م . مانند $mrav\bar{a}^i re$ بالا ، ش ۳۲۰ نیز $nixr\bar{a}^i re$ " باشد که برخورد بکنند " یشت ۱۰ - ۴۰ و نیز $\bar{a}n\bar{h}\bar{a}^i re$ یشت ۱۰ - ۴۵ ، دیده می شود .

۴- تمنائی

۱۱۴- اول شخص مفرد میانه : در اوستای م . $ma^i nya$ " شود که بیاندهشم " یشت ۱۰ - ۱۰۶

۱۱۵- اول شخص جمع معلوم : اوستای گ . (باشناسه باقاعده نوع دوم $ma^i d\bar{i}$ و نیز سنسکریت $mahi$) $v\bar{a}ur\bar{o}ima^i d\bar{i}$ " شود که ما بیاورانیم " . را نشان میدهد .

۱۱۶- سوم شخص جمع : اوستای م . $ma\bar{e}zaya\bar{n}ta$ و نیز $yazaya\bar{n}ta$ " شواد که قربانی شوند " را نشان میدهد .

۵- صفت فاعلی

۱۱۷- در ارتباط با اوستائی mna (از نظر رعایت وزن اغلب $mana$) ، در سنسکریت $m\bar{a}na$ بکار رفته .

۱۱۸- در ستاکهای تماتیک در اوستا نسبت به سنسکریت ، نمونه های بیشتری از صفت فاعلی میانه با پسوند $\bar{a}na$ ، $\bar{a}na$ ، معادل سنسکریت $\bar{a}na$ ، بجای mna دیده می شود . مثال : $barana$ " بران " ، $azana$ " رانان " ، $yaz\bar{a}na$ ستایان ، $star\bar{a}na$ گستران .

II - صرف - غیر a (غیر تماتیک)

۱۱۹ - نکات کلی - در زبانهای ایرانی باستان مانند سنسکریت افعال غیر تماتیک بر خلاف افعال تماتیک به فراوانی یافت نمیشود . صرف - غیر - a ی دستگاه زمان حال ، شامل ۶ طبقه (۲-۳-۷-۵-۸-۹) میباشد . که در هریک از آنها شناسه مستقیما " (بدون واسطه a) به ستاک مورد نظر می چسبد . ویژگی چشمگیر تمام این گروه گونه گونی ریشه در شکلهای مختلف آن است . یا ریشه تغییر می یابد ، یا پسوند شکل قویتر (یا ضعیف تر) به خود می گیرد .

۱۲۰ - شکلهای قوی یا ضعیف ستاک در صرف - غیر - a - شکلهای قوی (گونا) ، بنا بر قاعده عبارتند از : (۱) وجه اخباری مفرد معلوم (مضارع و ماضی پریتریت یا ایم پرفکت) (۲) سوم شخص مفرد امری معلوم ، - (۳) تمام التزامی - ، دیگر اشکال باقیمانده ضعیف هستند . بهر حال ، تغییر و تبدیلهای و انتقالات بسیاری صورت می گیرد ، مخصوصا " در ستاک های قوی - در شکلهایی (نگاه کنید به سوم شخص های جمع) که مطابق صرف - a شکل داده شده است .

ساخت وجوه در صرف غیر تماتیک

۱- اخباری

۱۲۱ - شناسه ها در صرف غیر تماتیک اخباری مستلزم برخی توجهات است . اوستای ک . عموما " نشان دهنده کاربرد قدیمی تر شناسه های $m\bar{i}$ (ش . ۱۹) ، $a^i t\bar{e}$ ، $a^i t\bar{i}$ ، $a\bar{t}$ (برای ستاک تماتیک $an, ante, anti$ ش . ۲۹) می باشد . در اوستای متأخر ، این خصوصیت قدیمی بطور واضح باقی نمانده است . ستاکهای که شناسه ها مستقیما " بدان متصل شده است ، با توجه به قاعده بالا (ش . ۱۲۰) در مجموع ، تغییرات قوی و ضعیف را نشان میدهد .

۲- امری

۱۲۲ - شناسه دوم شخص مفرد امری $d\bar{i}$ ، $d\bar{i}$ می باشد . شناسه ها عموما " بطور

مستقیم به طبقه ستاک آماده شده متصل می‌شود، شکل قوی در سوم شخص مفرد معلوم و شکل ضعیف در شخصهای دیگر نشان داده می‌شود. هر چند در این زمینه نوساناتی صورت می‌گیرد.

۳- التزامی

۱۲۳- شناسه‌ها بوسیله نشانه وجهی *a* به ستاک آماده شده هر طبقه‌ای که ضمنا " در شکل قوی است متصل می‌شود.

۴- تمنائی

۱۲۴- شناسه‌های با قاعده وجه تمنائی بوسیله نشانه وجهی *yā*، *ī* (*ī*) بر طبق قواعد داده شده در ش. ۶۳ متصل می‌شود. ضمنا " ستاک شکل ضعیف را نشان می‌دهد، اما در این مورد استثنائاتی دیده می‌شود.

۵- صفت فاعلی

۱۲۵- برای ساختن اشکال صفت فاعلی (صفت فعلی) در حالت معلوم، پسوند *aṭ*، *aṇṭ* (یعنی *ṇṭ*) به ستاک مضارع در شکل ضعیف و در حالت میانه پسوند *āna*، *ana* و نیز *mna* اضافه می‌شود.

طبقات صرف - غیر - *a* (غیر تماتیک)

طبقات ۹۰، ۸۰، ۵۰، ۷۰، ۳۰، ۲۰

۱۲۶- افعال ۶ طبقه صرف غیر تماتیک عموماً " دارای صفات ویژه‌ای است، اما دارای صفات مشترکی نیز می‌باشد که هر یک از این طبقات به تفصیل در زیر می‌آید:

(۲) طبقه ریشمای (دومین یا طبقه - *aḍ* سنسکریت)

۱۲۷- ریشه بخودی خود ستاک مضارع است. ستاک ممکن است در شکل قوی یا

ضعیف باشد . ش . ۱۲۰ شناسه‌ها مستقیماً " به ستاک مضارع می‌چسبد با توجه به اینکه در وجه التزامی و تمنائی با نشانه وجهی ترکیب می‌شود . درایم پرفکت در فارسی باستان و سنسکریت پیشوند آگمنت معمولاً " به ریشه اضافه می‌شود . مثال . $\sqrt{pā}$ به معنی پائیدن ، فارسی باستان $pādiy$ اوستا $pāti$ سنسکریت $pāti$ از $\sqrt{i}$ رفتن ، فارسی باستان $aitiy$ اوستا ، $aēti$ ، سنسکریت $ēti$

۱۲۸ - جهت ملاحظه نمونه‌های طبقه ۲ نک . جک . ش . ۲۳ - ۵۱۷ و نیز نک . کنت فارسی باستان ش . ۲۰۸

اشکال قابل ملاحظه در اوستای گ . و م .

اخیاری

الف - زمان حال

۱۲۹ - اول شخص مفرد معلوم : در اوستای گ . (از ستاک قویتر) $stāumī$ من می‌ستایم ، (اماگویش دیگر $staomī$) پسنه ۴۳ - ۸ ، سنسکریت $stāūti$ (ودا ، سوم شخص مفرد) .

۱۳۰/۱ - دوم شخص مفرد معلوم : در اوستای م . از اینرو بر طبق قاعده (نیز نک ، جک ، ش . ۱۲۲) شکل $pāhi$ " تو حمایت می‌کنی " را مشاهده می‌کنید .
۱۳۰/۲ - سوم شخص مفرد میانه : در اوستای م . نیز (مانند اول شخص ، سوم شخص ، مفرد مضارع ، در بالا) $ni3ne$ " او می‌زند " را مشاهده می‌کنید .

۱۳۱ - اول شخص جمع میانه : در اوستای م . به (از ستاک قوی) $staoma^i de$ " ما می‌ستایم " توجه کنید - در اوستای گ . ($-aē-ca-$ ، نیز نک . جک ، ش . ۵۵)
 $aog^3 madaē-cā$ " و نیز ما می‌گوئیم " . را مشاهده می‌کنید .

۱۳۲- سوم شخص جمع میانه- اوستای م . بندرت شناسه جمع -ate (= -ntē) :

اوستا aoja¹te¹ "نہا می گویند" پشت ۸-۵۱ و غیره - و نیز اوستائی Sōire¹ "نہا دراز می کشند" پشت ۱۰-۸۰ معادل سنسکریت śērē را مشاهده می کنید .

ب - ماضی پریتریت

۱۳۳- دوم شخص مفرد میانه : در اوستای گ ، مانند یک قاعده به aoyžā

" توگفتی " یسنه ۴۳-۱۲ ، توجه کنید .

۱۳۴- سوم شخص مفرد - معلوم : اوستای گاهانی (با گنجاندن ī مانند سنسکریت

ābravīt) ، ساخت sāhīṭ " او آموخت " یسنه ۵۰-۶ را مشاهده -

می کنید . میانه - در اوستای م . نیز (از ستاک قوی ، مانند mraotā) staota او پرستش کرد .

۵- صفت فاعلی

۱۳۵- میانه - هم چنین āna (برای āna) و (مانند صرف -a) ش . ۱۲۵

ش . ۹۰ . āna : اوستا - aojāna- , aojōmna- " گویان " را مشاهده می کنید .

انتقال به صرف -a (تماتیک)

۱۳۶- برخی موارد انتقال از طبقه ریشه ای به صرف -a صورت می گیرد که عبارتند

از :

۱- اخباری معلوم : ب - ماضی (پریتریت) . اوستای گ mrav-a-ṭ " او گفت "

(یسنه ۴۵-۲) ، فارسی باستان avājanaⁿ " بکشت "

۲- امری معلوم : اوستای م . mrava- , mrva- " تو بگو " ، میانه - اوستای

متاخر stavājuha . " تو بستانی "

۳- التزامی معلوم: اوستای متاخر mravai "اگر تو بگوئی"، پسنه
۷۱-۱۵، اوستای م. mravāⁱ re "اگر ایشان بگویند"، فارسی باستان vijanāⁿtiy

۴- تمنائی معلوم: اوستای متاخر stavōiṭ "بستایاد"، در کنار stūyaṭ

۱۳۷- خهت ملاحظه نمونه‌های صرف h, √ah، "بودن" معادل سنسکریت -

s √as نک جک . ش. ۵۳۰-۹ و نیز نک . کنت . ش. ۲۰۸

(۲) طبقه مضاعف (سومین یا طبقه hu سنسکریت)

۱۳۸- برای شکل دادن ستاک مضارع در این طبقه، ریشه مضاعف می‌شود. ستاک مضارع این طبقه مانند طبقه‌های دیگر این گروه دو شکل دارد: یا قوی است، یا ضعیف (ش. ۱۲۰) (مثلاً از dā به معنی دادن، در اوستا ستاک قوی آن در اوستای م. dadā و در اوستای گ. و فارسی باستان - dadā و ستاک ضعیف آن در اوستای م. dad-، و اوستای گ. م. dad و معادل سنسکریت آن - dad(h)-، dad(h)ā و چگونگی کاربرد آن مانند دیگر طبقات این گروه می‌باشد. در سنسکریت ستاک قوی قبل از شناسه‌های بی تکیه و ستاک ضعیف قبل از شناسه‌های تکیه دار واقع می‌شود. شناسه‌ها مستقیماً به ستاک می‌چسبند قواعد کلی یا عام برای مضاعف سازی در ش. ۶۸ ذکر شده است: مثال از √dā به معنی دادن در - فارسی باستان dadātuv در اوستا dadāⁱti، سنسکریت dad(h)āti

یادداشت ۱- ar تنها ریشه این طبقه است که با مصوت ɣ (ar) آغاز می‌شود و با i مضاعف می‌شود و سپس میانوند y هجای مضاعف و هجای ریشه را بهم وصل می‌کند و تشکیل ستاک مضاعف می‌دهد: یعنی iyar، īr، iyɣ (مورد آخر دیده نشده).

یادداشت ۲- یک مورد بی قاعده در سنسکریت - تمام ریشه‌هایی که دارای a، ā است با i مضاعف می‌شود.

۱۳۹- جهت ملاحظه نمونه‌های طبقه (۳)، نک. جک. ش. ۷-۵۴۱ و نیز نک،

کنت. ش. ۲۰۹

۴- تمنائی

۱۴۳- علاوه بر صورتهای میانه با $\bar{i}$ بلند ($-i\bar{s}a$, $-i\bar{t}a$) گونه‌های دیگر $\bar{i}t\bar{a}$, $\bar{i}\check{s}a$ نیز دیده شده است . نیز نک . جک . ش . ۲۱ یادداشت

انتقال به صرف a (تمنایک)

۱۴۴- برخی موارد انتقال از طبقه ۳ به صرف a صورت می‌گیرد . ستاک مضاعف ضعیف $da\check{w}$ - (اوستای م .) ، dad (اوستای گ .) از $\sqrt{d\bar{a}}$ در اوستا مانند سنسکریت معمولاً " به صرف a منتقل می‌شود :

۱- وجه اخباری: معلوم - الف - زمان حال ، اوستای متأخر $da\check{w} - a - i\check{t}$ ،
 $da\check{w} - \partial - n\check{t}i$ - ب - پریرتیت . اوستای متأخر و گاهانی $da\check{w} - \partial - m$, $da\check{w} - \bar{o}$ ،
 $da\check{w} - a - t$ ($dad - \partial - n$, $da\check{w} - \partial - n$, $dadat$) میانه - اوستای م .
 $da\check{w} - a - i\check{t}e$ - واوستای گ . $dad - \partial - n\check{t}e$ " نهاده شده‌اند " . در فارسی باستان $a^h i\check{s}tat\bar{a}$ از $\sqrt{st\bar{a}}$ یعنی " ایستادن "

یادداشت . هم چنین اوستائی $z\bar{i}zan\bar{a}t$, $z\bar{i}zan\bar{n}$, $z\bar{i}zan\bar{n}ti$ از $\sqrt{zan}$ ، " زادن " ، " بردادن " ، به صرف a منتقل شده است .

(۷) طبقه غنه - (هفتمین یا طبقه $rudh$ در سنسکریت)

۱۴۵- تمام ریشه‌های طبقه غنه مختوم به مصمت است ، نشان طبقه‌ای آن یک مصمت خیشومی است که قبل از مصمت پایانی می‌آید. برای ساختن ستاک زمان حال آن در شکل‌های قوی در اوستا هجای $-na$ و در سنسکریت هجای na و در شکل‌های ضعیف مصمت غنه‌ای $-n$ - بلافاصله قبل از آخرین مصمت در ریشه گنجانده می‌شود . ریشه در شکل ضعیف خود باقی می‌ماند و شناسه‌ها مستقیماً " به ستاک می‌چسبند . مثال : ریشه اوستائی $\sqrt{ci\check{s}}$ " اعلام کردن " بصورت $ci - na - sti$ و از $\sqrt{i\check{r}ic}$ ، " گذاشتن رفتن " ، بصورت $i\check{r}inaxti$

سنسکریت از yuz به معنی " وصل کردن " ، yunājmi

۱۴۶ - جهت ملاحظه نمونه‌های طبقه (۷) نک . جک . ۶۱ - ۵۵۵

اشکال قابل ملاحظه در اوستای گ . و م .

۱۴۷ - ساخت اوستائی $mār^{\delta} \chi \eta nte$ ممکن است بجای $mār^{\delta} \eta gte$ (سوم شخص مفرد میانه) بکار رود . در چنین صورتی آن ساخت قاعدتا " بر طبق این طبقه (۷) - خواهد بود لیکن این ساخت مشکوک است .

انتقال به صرف - a (تماتیک)

۱۴۸ - برخی موارد انتقال از طبقه - ۷ به صرف - a صورت می‌گیرد : -

ستاک - $mār^{\delta} \eta c$ " کشتن " ، بوسیله انتقال مانند یک ریشه بر طبق صرف - a یکنواخت شده است . بنابراین اشکال تماتیک زیر را مشاهده کنید: - مضارع معلوم - سوم شخص مفرد $mār^{\delta} nca^i ti$ ؛ سوم شخص جمع $mār^{\delta} \eta c \eta nti$ ؛ - میانه - سوم شخص مفرد $mār^{\delta} nca^i te$ ، سوم شخص جمع $mār^{\delta} nca \eta nte$ (در طبقه ۷ بصورت $mār^{\delta} nca \eta nti$ است) . - امری . میانه . دوم شخص مفرد $mār^{\delta} \eta ca \eta uha$

۱۴۹ - ریشه اوستای گ . - $mard$ " خراب کردن " نیز عملاً " بر طبق صرف - a شکل

قطعی پیدا کرده است . پریتربت معلوم سوم شخص مفرد $mōr \eta n d a \eta$ ، سوم شخص جمع $mōr^{\delta} \eta n d \eta n$.

۱۵۰ - نمونه‌های مشابه از شکل‌های یکنواخت شده‌ای که مانند سنسکریت به صرف - a

منتقل شده‌اند عبارتند از اوستائی - vid " پیدا کردن ، بدست آوردن " . $vi \eta d$ مانند سنسکریت $vi-n-d-a^i-ti$ (سوم شخص جمع اخباری) ، $vi-n-d-\bar{a}^i-ti$ (سوم شخص مفرد التزامی ، وندیداد ۱۳ - ۳۶) بعلاوه غیر تماتیک

yi-na-stī (GAV) yi-ṇ-dīta (yAy. تمنائی) . - بنا بر این اوستا
 kart " بریدن " (kərṇt- ، مانند سنسکریت kṛ-n-t-ā-ti) kərṇ-t-aⁱti
 سوم شخص مفرد اخباری (kərṇ-t-a-t (pret.) و غیره .

یادداشت . شکل دوم شخص مفرد pret معلوم mərṇcaⁱnīš "تو خراب کردی"
 مخصوص است . - ریشه ضعیف خیشومی شده با اضافه کردن (nn =) an .

(۵) طبقه - nu (پنجمین یا طبقه - su در سنسکریت)

۱۵۱- افعال این طبقه چندان زیاد نیست . برای ساختن ستاک مضارع در این طبقه
 در شکل‌های قوی ، در اوستا ، هجای - nao ، در فارسی باستان nau- و سنسکریت -no^u
 - شکل‌های ضعیف در اوستا و فارسی باستان -nu ، -nv و در سنسکریت -nu به ریشه اضافه
 می‌گردد . ریشه در شکل ضعیف خودش باقی می‌ماند . مثال : از kar " انجام دادن "
 شکل‌های قوی - سوم شخص مفرد مضارع معلوم . در اوستا kərṇaoⁱti ، در فارسی
 باستان kunautiy ، معادل سنسکریت kṛṇōti ، و شکل‌های ضعیف -
 اوستا از √sru شنیدن " ، دوم شخص مفرد تمنائی معلوم s^urunuyāḍ و سنسکریت
 kṛṇuyās در فارسی باستان از √tav " توانستن " صفت فاعلی مفرد ، معلوم در -
 حالت فاعلی - tunuvā - (از tunuvaⁿt) .

۱۵۲- جهت ملاحظه نمونه‌های طبقه - ۵ نیز نک ، جک . اوستا گرامر . ش ۷۳ - ۵۶۷

و نیز نک کنت . ش . ۲۱۰

اشکال قابل ملاحظه در اوستای گ . و م .

۱۵۳- برخی موارد انتقال از طبقه nu به صرف a (علاوه بر سوم شخص جمع)

صورت می‌گیرد . -

ند

۱- وجه اخباری : الف - مضارع معلوم - اوستای م . vərṇnavaⁱti . " اوی پوشا "

ب- ماضی معلوم - kərṇnavō " توساختی " ، - میانه . فارسی باستان avarnavatā

۲- وجه امری : در اوستای م . معلوم - $kār^{\partial}nava$ " بساز " ، - میانه -
 سوم شخص مفرد $o\bar{p}.varnavatām$ تو را باور آید "

۳- وجه التزامی : معلوم - در اوستای م . $kār^{\partial}navāhi$ ، $kār^{\partial}navāt$
 $kār^{\partial}navān$ ، اگر بسازی ، اگر بسازد ، اگر بسازند .

۱۵۴- برای مواردی که $\sqrt{kar}$ ، مطابق طبقه - ۹ صرف می‌گردد ، نگاه کنید به
 ش . ۱۶۱

(۸) طبقه - u (هشتمین یا طبقه -tan در سنسکریت)

۱۵۵- برای ساختن ستاک مضارع تعداد کمی از ریشه‌های مختوم به -n ، یک u ی -
 تنها به ریشه اضافه می‌گردد . این طبقه به سختی از طبقه -nu قابل تمیز است . اگر چه تعداد
 آنها کم است ، اما بهر حال تعداد کافی برای بررسی در اختیار ما میباشد . دستور نویسان
 هندی آنها را هشتمین طبقه یا طبقه -tan نام گذاری کرده‌اند و بهتر است آنها را یک زیر طبقه از -
 برای طبقه -nu بدانیم . باین ترتیب برای ساختن ستاک مضارع آن ، در اوستا و فارسی باستان
 در شکل های قوی $av-$ ، $ao-$ و در شکل های ضعیف -U ، -V و در سنسکریت در شکل های قوی $\bar{u}$
 و در شکل های ضعیف $\bar{u}$ ، $\bar{v}$ را به ریشه اضافه می‌کنند . مثال : اوستا از $\sqrt{in}$ " راندن "
 $inao^i ti$ " میراند " سنسکریت از tan به معنی " دراز کردن " $tanōti$ " دراز
 می‌کند " . در فارسی باستان تنها مثال دقیق آن از $\sqrt{sta^m b}$ " شورش کردن " ، $sta^m bava^h$
 (inj با $mā$ بمعنی مُسْتَعَب) و دو مثال دیگر مشکوک آن $danuvatiy$ ، $danutaiy$
 میباشد .

۱۵۶- جهت ملاحظه نمونه‌های طبقه -۸ . نک . جک . ش . ۸۱-۵۷۷ و نیز نک .
 کنت . ش . ۲۱۶

ملاحظات

۱۵۷- الف . مضارع ، ۱- اخباری - سوم شخص مفرد: معلوم . اوستا $ha^u rva^i ti$
 (مطابق صرف -a) . ب - میانه - سوم شخص جمع $fyaṇuṇtaē-ca$ " و آنها می‌بارند "

(یعنی fyanh-v-antē)

ب - ایم پرفت - سوم شخص مثنی . فارسی باستان ajīvatam "آن دو زندگی می کردند"

(۹) طبقه - nā (نهمین یا طبقه - krī در سنسکریت)

۱۵۸ - در اوستا و فارسی باستان نشان طبقه‌ای در شکل‌های قوی - nā ، در شکل‌های ضعیف - na ، میباشد ، که به ریشه اضافه می‌گردد البته شکل na (یعنی n + صرف a) - معمولتر از n است . در سنسکریت نشان طبقه‌ای در شکل قوی nā (تکیه دار) است و یا در جایی که تکیه بر روی شناسه قرار می‌گیرد ، هجای nī بکار میرود . اما قبل از مصوت آغازی یک شناسه ī از nī حذف می‌شود . - شناسه ها مستقیما " به ستاک زمان حال می‌چسبد . ریشه در شکل ضعیف خود باقی می‌ماند . مثال . اوستا از frī " دوست داشتن " ، frīnāmī دوست دارم و frīnāntu " دوست بدار " از √garw ، gār^ownāⁱti ، " تصرف می‌کند " سنسکریت از √var ، vr̥nⁱtē " می‌پوشد " . فارسی باستان از √dī ، adīnā " تصرف کرد " vainatīy " می‌بیند "

۱۵۹ - جهت ملاحظه نمونه‌های طبقه - ۹ ، نک . جک . ش . ۹ - ۵۸۴ و نیز نک .

کنت . ش . II - ۲۱۰

۱۶۰ - ملاحظات : شکل‌های ضعیف با na (یعنی با انتقال به صرف a) معمولتر است . نمونه‌هایی از سوم شخص جمع از این نوع انتقال (-n-a) به صرف a در زیر می‌آید (ش . ۱۶۱) :

۱۶۱ - انتقال به صرف a با ستاک ضعیف (na) عبارتست از :

۱- وجه اخباری : معلوم - الف - زمان حال - اوستا hunahi " فشار می‌دهی " از frīⁱ , frīnānti , frīnāmahi , frīnāntiⁱ , دوست دارد ، دوست داریم ، دوست دارند . میانه - kār^onānte " آنها می‌سازند " ،

ب - پریتیت معلوم اوستا : $kər^{\partial}nəm$ "من ساختم" $sanat$

"او ظاهر شد" (یعنی : $sadnat$) پشت ۱۴ - ۷ - $impf$. معلوم . فارسی باستان
- از $\sqrt{dī}$ "تصرف کردن" ، $adīnam$ "تصرف کردم" . میانه - اوستا از $\sqrt{star}$
"گستردن" ، $stər^{\partial}nata$ "او گستراند" .

۲- وجه امری : معلوم - اوستای گ . از $\sqrt{par}$ $par^{\partial}nā$ "تمام کن"
پشت ۲۸ - ۱۰ ، اوستای م . از $\sqrt{maē}$ $mi^{\partial}natu$ "بگذار بگرداند" ،
 $frīnəntu$ "دوست بدار" ، میانه - از $\sqrt{brīn}$ $brīnənuha$.

۴- وجه تمنائی : - معلوم - در اوستا $kər^{\partial}nōit$ ، $z^a ranaēmā$ (اوستای
گ .) "شود که غضبناک شویم" . پسنه ۲۹ - ۸ ، $stər^{\partial}nayən$ ، "بگذار بگسترانند"
(بگسترانند) - میانه - $stər^{\partial}naēta$. "بگذار بگستراند (بگستراناد)" .

II-دستگاه تام

تام

۱۶۲- در زبانهای ایرانی باستان مانند سنسکریت . تام (و پلوپرفکت) در معنا معمولا " به آن صیغه‌های زمانی از فعل اطلاق می‌شود ، که بر وقوع فعلی در زمان گذشته و گاهی در زمان حال دلالت می‌کند .

الف - در سنسکریت متاخر ، تام بسادگی یکی از صیغه‌های زمان گذشته است که با ماضی پریتیت (ایم پرفکت) برابری می‌کند و گاه با آن قابل تعویض است . اما موارد استعمال تام نسبتا " کمتر از پریتیت است .

ب - در برهمن ، تمایز ارزش زمانی بین تام و ایم پرفکت مانند زبانهای باستانی متاخر تقریبا " همگی از بین رفته است .

ج- اما در ودا ، این مورد فرق می‌کند . تام بندرت به عنوان زمان گذشته در نقل قولها بکار رفته ، گاهی یک مفهوم واقعی " تام " ؛ یا معنای یک گذشته کامل یا یک گذشته نزدیک (مانند ائوریست در زبانهای باستانی تر) را دارد ، اما اغلب از نقطه نظر زمان وقوع فعل به سختی از زمان حال و یا اصلا " از آن غیر قابل تشخیص است . بدین قرار با ایم پرفکت ، ائوریست و زمان حال برابری می‌کند و با آنها هماهنگ است .

د - تام واقعا " در فارسی باستان وجود ندارد . و فقط یک نمونه آن *caxriyā* (در وجه تمنائی ۵۰- ۱ DB) دیده شده .

۱۶۳- مشخصات ساخت تام عبارتند از : ۱- ستاک بوسیله مضاعف شدن ریشه ساخته شده است که این مهمترین مشخصه تام است . ۲- شناسه ها نیز در بعضی از موارد با دستگاه زمان حال متفاوت است . ۳- تمایز بین شکلهای قویتر و ضعیف تر ستاک ، با یین ترتیب است که شکلهای قویتر در شخصهای مفرد معلوم و شکلهای ضعیف تر در شخصهای دیگر بکار میرود . ۴- در سنسکریت غالبا " (بخصوص در زبانهای باستانی متاخر) ، مصوت ربطی و در اوستا گاهی مصوت ربطی . ۱ ، ۲ بین ستاک و شناسه قرار می‌گیرد .

یادداشت ۱- یک شکل غیر صرفی تام در بعضی موارد بکار می‌رود نک . ش . ۱۹۰

یادداشت ۲- در مورد عدم وجود ستاک مضاعف . نک . ش . ۱۸۸

هجای مضاعف

۱۶۴- نکات اساسی در مورد مضاعف شدن مصوتها عبارتند از :

الف - ریشه‌هایی که دارای مصوت a ، $\bar{a}$ ی میانی یا پایانی میباشد قاعدتا " با a (گاهی با $\bar{a}$) ، گاه‌گاهی با i مضاعف می‌شود . اوستا $tata\check{s}a$ " او شکل داده است " ($\sqrt{ta\check{s}}$) معادل سنسکریت $tata\acute{k}\check{s}a$ و اوستا $d\bar{a}dar^{\circ}sa$ " من دیده‌ام " ، ($\sqrt{dars}$) معادل سنسکریت $dad\acute{a}rs\bar{a}$ ، اوستا $C\bar{a}xrar^{\circ}$ آنها ساختن " ($\sqrt{kar}$) معادل سنسکریت $Cakr\bar{u}$ ، فارسی باستان $Caxriy\bar{a}$ اوستا $jiga^u rva$ (توجه کنید به z کامی ، نک . ش . ۷۰) " من درک کرده‌ام " ($\sqrt{graw}$) معادل سنسکریت $jagr\bar{a}bha$.

ب - ریشه‌هایی که دارای u ، i یا $\bar{u}$ ، $\bar{i}$ میباشد ، با u ، i (گاهی $\bar{u}$ ، $\bar{i}$) مضاعف می‌شود . مثال : اوستا $didvae\check{s}a$ " من دوست ندارم " $\sqrt{dvi\check{s}}$ معادل سنسکریت $didva\bar{e}\check{s}a$ ، فارسی باستان $d\bar{i}diy$ ، اوستا $\bar{d}i\check{d}aya$ اودیده‌است ($\sqrt{d\bar{i}}$)

یادداشت . در اوستا $b\bar{a}bvar^{\circ}$ (با $\bar{a}$ از $\sqrt{b\bar{u}}$ " بودن) بیش از ۱۳-۱۵۰ ، قابل توجه است . معادل سنسکریت $babh\bar{u}v\bar{u}r$ ، اما اوستا $bv\bar{a}va$ (یعنی $buv\bar{a}va$ ، یشت ۱۳-۲) معادل سنسکریت $babh\bar{u}va$.

ج - a ی آغازی با خودش مضاعف می‌شود و تبدیل به $\bar{a}$ می‌گردد . اوستا $\bar{a}\bar{o}gha$ " او بوده است " ($\sqrt{ah}$) معادل سنسکریت $\bar{a}\bar{s}a$.

د - i ی آغازی (یا u اگر پیدا شود) با y مضاعف می‌شود . یعنی $y-i$ (یا $y-u$ یعنی $y-v$) . اوستا $yey\bar{a}$ (یعنی $iy-ay-\bar{a}n$) " آنها آمده باشند " ($\sqrt{i}$) وجه التزامی . صرف a ، اگر مضارع مضاعف نباشد) هم چنین $ya\bar{e}\check{s}a$ یعنی $iy\bar{a}\bar{e}\check{s}a$ یشت ۱۳-۹۹ .

۱۶۵- نکات اساسی در مورد مضاعف شدن مصمت ها در ستاک تام بر طبق قواعد

عمومی مضاعف شدن و نیز طبقه صرفی مضاعف (طبقه - ۳) در ش. ۶۸ ذکر شده است .

یادداشت ۱- قاعده بالا در مورد سنسکریت دارای یک استثناء است . ریشه‌هایی

که دارای $\bar{a}$ ، $\bar{ā}$ ، $\bar{y}$ (یا $\bar{ar}$) اصلی است ، مصوت هجای مضاعف شده $\bar{a}$ است و نه i ، بدین قرار از $\sqrt{ma}$ به معنی اندازه گرفتن " ، ستاک مضارع آن $mima$ است در صورتی که ستاک نام آن $mamā$ است .

" هجای اصلی "

شکل‌های - ستاک قوی - - - - - ضعیف

۱۶۶- در دستگاه تام ستاک قوی یا شکل - گونای هجای اصلی مانند صرف غیر

تماتیک در موارد زیر بچشم میخورد . ۱- وجه اخباری معلوم اول و دوم و سوم شخص مفرد و مضارع و ماضی پریتیت (ایم پرفکت) ؛ ۲- وجه امری معلوم - سوم شخص مفرد ؛ ۳- تمام وجه التزامی . دیگر اشکال باقیمانده ضعیف است ، هر چند استثنائاتی وجود دارد .

یادداشت - در اوستای گ . مانند سنسکریت ودائی ، مصوت کوتاه میانی قبل از یک

مصمت منفرد در هجای اصلی سوم شخص مفرد تام معلوم بلند و تبدیل به $\bar{a}$ می‌شود - برای اوستای متاخر در این مورد قاعده‌ای وجود ندارد . بدین ترتیب . اوستای گ . $nānāsa$ ناپدید شده است " ($\sqrt{nas}$) معادل سنسکریت $nanāśa$.

۱۶۷- مواردی از شکل‌های ضعیف که در رابطه با هجای اصلی قابل توجه است ، -

عبارتست از : مصوت میانی یا پایانی i ، u بدون تغییر باقی می‌ماند ، یعنی $i\bar{r}i\bar{r}i\bar{ar}$

" آنها دراز می‌کشند ($\sqrt{ri}$) ، $susruye$ " من شنیده‌ام " ($\sqrt{sru}$)

بیش ۱۷- ۱۷ و $sūsruma$ " ما شنیده‌ایم " ، بیش ۱۳- ۱۹۸ . اما تعداد زیادی از

ریشه‌ها با مصوت میانی a - مابین دو مصمت منفرد و موارد معین دیگری که ممکن است با از -

دست دادن مصوت آن در شکل‌های ضعیف دچار تغییراتی گردد عبارتست از :

الف - ریشه‌های مختوم به $\bar{ar}$ ، قبل از مصوتها . شکل‌های ضعیف را نشان میدهد . اوستا

$bawrar$ " آنها بردند " ($\sqrt{bar}$) بعلاوه اوستای گ . $vāvār\bar{zōi}$ " او کارکرد "

سوم شخص مفرد تام میانه ($\sqrt{\text{varz}}$ ، یعنی دو مصمت).

ب - ریشه‌های مختوم به am یا an، شکلهای ضعیف خود را با -m، -n نشان میدهد. -

اوستائی jāxmyāṃ ، من می‌آیم ($\sqrt{\text{gam}}$)، اوستای گ. Cāxnar^{b}
 آنها آرزو داشته‌اند" ($\sqrt{\text{kan}}$).

ج - ریشه‌های با ya، va ی آغازی، با ادغام در هجای مضاعف شده شکلهای ضعیف

زیر رانشان میدهد: yae- (yōi-)، vao- (vāu-)، یعنی ya-i ، va-u :

اوستا از $\sqrt{\text{yat}}$ ، کوشش کردن، اول شخص جمع در اوستای م. $\text{yae}^{\text{b}}\text{ma}$ ، اوستای

گ. $\text{yōi}^{\text{b}}\text{mā}$ (یعنی ya-it-ma ، ya-yt-ma) را می‌سازد؛ اوستا از $\sqrt{\text{van}}$

"پیروز شدن"، سوم شخص جمع معلوم vaonar^{b} (یعنی va-un-ar ، va-vn-ar)

را می‌سازد.

د - ریشه‌های مختوم به ā ی اصلی قبل از شناسه‌هایی که با یک مصوت آغاز می‌شود، این ā

را از دست می‌دهد. مورد مذکور در سنسکریت شامل شناسه‌هایی که مصوت ربطی i می‌گیرد نیز

می‌گردد. مثال اوستا $\sqrt{\text{stā}}$ ایستادن، hišta ، اول سوم شخص مفرد تام معلوم؛ از

$\sqrt{\text{dā}}$ ، "دادن"، daḍa سوم شخص مفرد معلوم، $\text{da}^{\text{i}}\text{de}$ سوم شخص مفرد میانه؛

صفت فاعلی daḍva^{b} (سنسکریت da-d-i-vāṣ یا da-d-vāṣ).

شناسه‌های شخصی

اتصال آنها با ستاکها

۱۶۸ - شناسه‌های تام، مخصوصاً "در حالت میانه اکثراً" نوع اول است. شناسه‌ها

مانند صرف غیر تماثیک به ستاک زمانی متصل می‌شود؛ در سنسکریت غالباً "مصوت ربطی (i)"

و در اوستا گاهی نمونه‌های پراکنده‌ای از مصوت ربطی (i، e) دیده شده است.

۱۶۹ - شناسه‌های تام، در اوستا و معادل آن در سنسکریت به قرار زیر است، با این

حال در مورد شناسه‌های مخصوص آن نگاه کنید به ش. ۱۷۰

د - شناسه های تمام

I - معلوم

شمار و شخص	اوستا	سنسکریت
مفرد اول شخص	-a	-a
مفرد دوم شخص	- va a	-tha
مفرد سوم شخص	-a	-a
مثنی اول شخص	-	-va
مثنی دوم شخص	-	-athur
مثنی سوم شخص	-atar ²	-atur
جمع اول شخص	-ma	-ma
جمع دوم شخص	-a	-a
جمع سوم شخص	-ar ² , ar s ²	-ur

جدول شماره ۱۳

II- میانہ

شمار و شخص	اوستا	سنسکريت
مفرد اول شخص	-e	-ē
مفرد دوم شخص	-	-sē
مفرد سوم شخص	-e	-ē
مثنی اول شخص	-	-vahē
مثنی دوم شخص	-	-āthē
مثنی سوم شخص	-a ⁱ te (GAV), -tē	-ātē
جمع اول شخص	-	-mahē
جمع دوم شخص	-	-dhvē
جمع سوم شخص	-	-rē

جدول شملہ ۱۴

شکلهای مخصوص تام که مستلزم توجه است عبارتند از :

۱۷۰- اول شخص مفرد میانه : یک مورد اول شخص مفرد میانه مختوم به $\bar{o}$ (یعنی $\bar{a}u$ معادل سنسکریت $\bar{a}u$) از یک ریشه مختوم به $\bar{a}$ شاید در $dad\bar{o}$ "من ساختم" معادل سنسکریت $dadh\bar{a}u$ دیده شود .

۱۷۱- دوم شخص مفرد معلوم : در اوستای گ به شکل ta (برای $\bar{a}$) بعد از S توجه کنید : $v\bar{o}ist\bar{a}$ "تو میدانی" .

۱۷۲- سوم شخص مثنی میانه : در اوستای گ . به پسوند te ، سوم شخص مثنی میانه در $dazd\bar{e}$ آنها هر دو آفریده شدند ، یسنه ۳۰-۴ (یعنی $dhazdhai^*$ ، $dha - dhtai$) مشاهده می شود .

۱۷۳- سوم شخص جمع معلوم : شناسه ar^2s در کنار ar^2 در اوستای گ . $Cik\bar{o}itar^2s$ "آنها آموخته اند ، اندیشیده اند " یسنه ۳۲-۱۱ دیده شده



پلوپرفکت

۱۷۴ - در اوستا نوعی ماضی پریتریت اخباری و در سنسکریت نوعی ماضی آگمنت پریتریت دیده می‌شود که با مضارع تام مطابقت می‌کند و از ستاک تام و شناسه نوع دوم ساخته می‌شود که به سبب شکل (و نه مفهوم) آن ماضی پلوپرفکت نامیده می‌شود. ستاک قوی در شکل مفرد معلوم و ستاک ضعیف در اشکال دیگر بکار می‌رود. گاهی صرف تماتیک (انتقال به صرف -a) نیز در آن دیده می‌شود. مثال : $(dī)didaēm$ اول شخص مفرد معلوم معادل سنسکریت $\sqrt{grabh-}$ ajagrabham) چنانکه گفته شد در فارسی باستان فقط یک شکل تام دیده شده است . (ش . ۱۶۲ د) مفهومی که معمولاً در ترجمه انگلیسی زمان پرفکت بیان می‌شود، باین صورت است که در تمام موارد از صفت مفعولی بعلاوه زمان حال فعل رابط ساخته می‌شود $has\ been\ done, astiy\ kartam,$ " کرده شده است " . حال هرگاه که فعل رابط $āha$ بود " بکار برده شود مفهوم پلوپرفکت بیان شده است " . $had\ been\ taken\ away, parā\ bartam\ āha$ " برده شده بود " . اما مشکل بتوان گفت که آیا گوینده فارسی باستان چنین تمایزی را درک می‌کرده است یا نه ؟ چون به نظر می‌رسد ، تمام اندیشه‌های زمان گذشته در یک سری شکلهائی بیان می‌شده است که عبارتند از . ماضی ایم پرفکت ، اثوریت ، تام و " صرف مجهول با فعل معین " از صفت مفعولی با یا بدون فعل کمکی (معمولاً بدون آن) .

ساخت وجهی تام

۱۷۵ - تام مانند دیگر دستگاههای زمانی دارای وجوه اخباری (مضارع تام و پریتریت پلوپرفکت) امری، التزامی (نوع اول و نوع دوم)، تمنائی و صفت فاعلی می‌باشد. وجوه تام مانند صرف غیر تماتیک شکل داده می‌شود، وجه التزامی از ستاک قوی بعلاوه نشانه وجهی a ، وجه تمنائی از ستاک ضعیف بعلاوه نشانه وجهی $i, yā$ ساخته می‌شود

۱۷۶ - موارد متعددی از انتقال به صرف -a در پلوپرفکت ، امری، التزامی

تمنائی و وجه وصفی دیده می شود . نک . ش . ۱۸۷ .

۱۷۷ - جهت ملاحظه نمونه های دستگاه تام . نک . جک . ش ۱۱ - ۶۰۵

اشکال قابل ملاحظه در اوستای گ . و م .

۱ . اخباری . الف . مضارع

۱۷۸ - اول شخص مفرد میانه : اوستای گ . $\bar{a}r\bar{o}i$ " بدست آورده ام " . ($\sqrt{ar}$)

یسنه ۳۳ - ۹ - یا احتمالاً " اول شخص مفرد میانه مختوم به $\bar{o}$ (یعنی $\bar{a}u$) معادل سنسکریت $\bar{a}u$ ، ار $\sqrt{d\bar{a}}$ ، نگاه کنید به ش . ۱۷۰

۱۷۹ - سوم شخص مفرد : معلوم - $\bar{a}$ ی اصلی در (ریشه $\bar{a}l$ ی میانی قبل از یک

مصمت منفرد) اوستای گ $n\bar{a}n\bar{a}s\bar{a}$ " ناپدید شده است " ، اوستای م . $dad\bar{a}ra$ " محکم کرد " مشاهده می شود - نگاه کنید به ش . ۱۶۶ یادداشت . اما همینطور $\check{a}$ ، اوستای م . $Cak\bar{a}na$ " عاشق شد " ($\sqrt{kan}$) ، $yay\bar{a}ta$ " او کوشش کرد "

$\bar{a}$ اصلی انتهای $\bar{a}$ ، $bav\bar{a}ra$ ، " برد " ($\sqrt{bar}$) . - نیز از ستاک ضعیف ($\bar{a}$ اصلی انتهای

قبل از مصوت های افتد ش . ۱۶۷ د .) $da-\check{d}-a$ " او ساخت " ($\sqrt{d\bar{a}}$) . - میانه اوستای گ . نیز (با ستاک مضاعف قوی) $v\bar{a}-v\bar{a}r^{\check{z}}-o\bar{i}$ " کار کرده است " - و اوستای گ . $\bar{a}rae-\bar{c}\bar{a}$ " او بدست آورده است " ($\sqrt{ar}$) یسنه ۵۶ - ۳ . مشاهده

می شود .

۱۸۰ - سوم شخص مثنی معلوم : اوستای گ . $Vaoc\bar{a}tar^{\check{z}}$ " آنها هر دو

صحبت کرده اند " ، $V\bar{a}v\bar{a}r^{\check{z}}\bar{a}tar^{\check{z}}$ " آنها هر دو انجام داده اند " ، یسنه ۱۳ - ۴ .

۱۸۱ - اول شخص جمع معلوم : به $GAV. Yoi\bar{v}ma$ " کوشش می کنیم " و نیز

$yae\bar{v}ma$ توجه کنید .

۱۸۲ - دوم شخص جمع معلوم : در اوستای م . ā ی بلند در ستاک قوی haṇhāna

مشاهده می شود .

۱۸۳ - سوم شخص جمع معلوم : در اوستای م . از ستاک ضعیف (ā ی اصلی انتهائی

قبل از مصوتها می افتد ش . ۱۶۷ د) و ستاک قوی مضاعف dādar² " ساختند " (√dā)

معادل سنسکریت dadhūr - و نیز به اوستای م . vaonar² و اوستای گ .

vaonar² " کوشش کردند (یعنی va-vn-ar) توجه کنید . - هجای مضاعف بلند

cā-xr-ar² " ساخته اند " وندیداد ۴ - ۴۶ . اوستای گ . هم چنین (پسوند

(2r²š) Ci-kōit-2r²š (√kaēt) " اندیشیدند " مشاهده می شود .

ب - پلوپرفکت

۱۸۴ - سوم شخص مفرد میانه : اوستای گ . nāxštā مضاعف آتیک را نشان

میدهد . سوم شخص جمع میانه - اوستای م . vaozirəm (یعنی va - vz- i-rəm

√vaz) سوم شخص جمع را با شناسه rəm - نشان میدهد ، معادل سنسکریت -ram

(نیز نک . ویشتی ، سنسکریت گرامر ، ۸۳۴ ب و ۸۶۷) ، با ارتباط مصوتی .

۴ - وجه تمنائی

۱۸۵ - اول شخص جمع معلوم : در اوستای م . شاید daⁱdyama پیشیت

۲۴ - ۵۸ باشد .

۵ - صفت فاعلی

۱۸۶ - معلوم : در مورد اشکال صرفی صفت فاعلی تام معلوم نگاه کنید به جک ،

اوستاگرامر ، ش . ۳۴۹ و ش . ۳۵۰ . میانه - همچنین پسوند āna (بعلاوه āna)

yavazāna " رانان " dadrāna-dadrāna " دارا " .

انتقال به صرف تَمَتِیک (a)

۱۸۷ - برخی موارد انتقال به صرف a صورت می گیرد . نک . ش . ۱۷۶

۱- وجه اخباری . معلوم - ب- پلوپر فکت . سوم شخص مفرد . اوستای م .

tatašaṭ " او شکل داد " ، jaymat

۲- وجه امری . معلوم - سوم شخص مفرد . اوستای گ . nišaṇharatū

۳- وجه التزامی - معلوم - سوم شخص مفرد . āṇhāṭ " باشد " . سوم شخص

مثنی āṇhātām بیش ۱۳ - ۱۲ . سوم شخص جمع iyeyā " بروند " (√i)

یسنه ۴۲ - ۶ (اگر آرزویی نباشد) - میانه - سوم شخص جمع . اوستای م . āṇhāire

بیش ۱۵ - ۴۵

" عدم وجود ستاک مضاعف در تام "

۱۸۸ - در اوستا مانند سنسکریت ، عدم وجود هجای مضاعف در موارد معدودی دیده

شده . مثلاً " در vaēḍa معادل سنسکریت Vēda ، و در بعضی شکل‌های دیگر .-

۱۸۹ - به عنوان مثال از نبود هجای مضاعف در تام اوستای (م .) گ . vid دانستن

معادل سنسکریت √vid .

۱- اخباری - الف . تام . اول شخص مفرد . vaēḍa دوم شخص مفرد

vōista سوم شخص مفرد vaēḍa , vaēḍa (اوستای م) .

۲- امری - دوم شخص جمع . vōizdūm یسنه ۳۳ - ۸

۳- التزامی - اول شخص مفرد vaēḍa یسنه ۴۸ - ۹ - دوم شخص جمع

vaēḍōdūm (ش . ۳۹ جک) .

۴- تمنائی - سوم شخص مفرد . vīdyāt

۵- صفت فاعلی - معلوم vīdvah- (اوستای گ .) vīdvah-

(اوستای م .) - میانه vaēḍōna- یسنه ۳۴ - ۷ ، vaēḍōmna-

(تمنائیک) .

I- مثالهای دیگر از تام مضاعف: اوستای گ $\sqrt{\text{Cag}}$ "اعطا کردن"، $\text{Cag}^{\text{d}}\text{mā}$
 (اول شخص جمع تام معلوم)، $\text{Cag}^{\text{d}}\text{dō}$ (سوم شخص مثنوی. plpf.)، Cagvā^{d}
 (صفت فاعلی) - نیز اوستای گ. apānō بدست آورنده " (صفت فاعلی، $\sqrt{\text{ap}}$) .

تام حشوی^۱

۱۹۰- دراوستای م. نمونه‌های نادری از کلمات غیر ضروری و افعال معین دیده شده
 که مانند ساخت یک فعل تام صرف می‌گردد. نیز نک جک. اوستا گرامر ش. ۶۲۳. در اوستا
 حالت رائی مفرد مونث از صفت فاعلی که با فعل تام معین-ah بودن "همگام شده است" -
 اوستای م. $\text{sraēšye}^{\text{i}}\text{ntīm ā}^{\text{d}}\text{ṇhaṭ}$ "پیوسته باشد" (الترامی)،
 $\text{āstaraye}^{\text{i}}\text{ntīm ā}^{\text{d}}\text{ṇhaṭ}$ "باید فاسد شده باشد". - نیز شاید در $\text{biwivā}^{\text{d}}\text{ṇha}$
 "او ترسیده بود" پشت ۱۹-۴۸، ۵۰ (؟ حالت فاعلی مفرد. صفت فاعلی .
 $(\text{ā}^{\text{d}}\text{ṇha} + \sqrt{\text{bī}})$

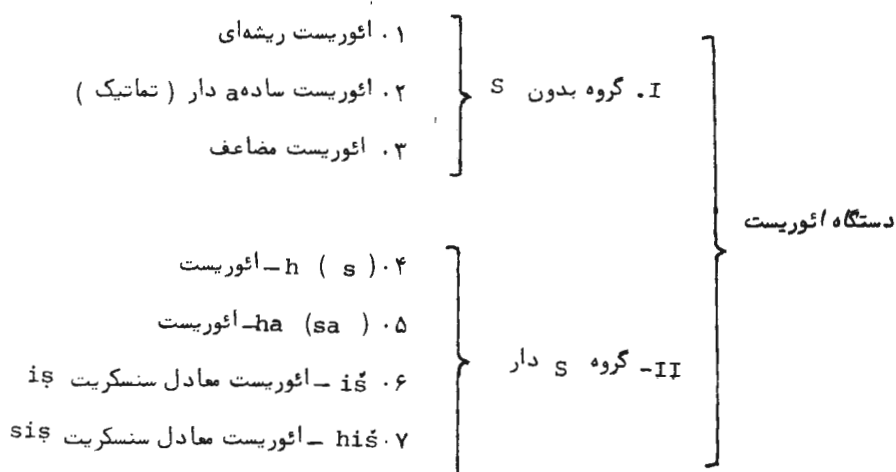
1- periphrastic perfect

III - دستگاه ائوریست^۱

ائوریست

- ۱۹۱ - در زبانهای ایرانی باستان مانند سنسکریت تا آنجائی که مربوط به ساخت ائوریست می شود . بهترین تعریفی که می توان برای آن کرد این است که ائوریست را مانند ماضی پریتیت یا آگمت - پریتیت ای دانست که قرینه مضارع خود را از دست داده باشد و به این ترتیب به یک سیستم دارای مضارع و ماضی تبدیل شده و دستگاهی جدید را می سازد . ائوریست در رابطه با مفهوم در زبانهای کهن تر بسادگی ماضی پریتیت^۲ ای است که قابل تعویض با ایم پرفکت و پرفکت است . به عبارت دیگر ائوریست به معنی زمان گذشته ای است که دلالت می کند بر وقوع فعلی که (یا کامل شده ، یا ادامه داشته و یا تکرار شده) در زمان نامعلومی در گذشته روی داده و محدودیت های زمانی زمانهای گذشته دیگر ندارد . ائوریست در ایرانی باستان یک زمان گذشته ای است که معمولا " و نه همیشه یک نقطه نظر فی الحال را نشان میدهد . و اغلب مانند سنسکریت ودائی ارزش عمومی یک زمان گذشته یا گذشته کامل یا پرفکت را دارد که در انگلیسی به گذشته کامل "have done" ترجمه شده است . نمونه های اشکال ائوریست اساسا " در اوستای گ . و سنسکریت ودائی بیشتر از اوستا و سنسکریت متاخر دیده شده است . نمونه های اشکال ائوریست در فارسی باستان کم و پراکنده است .
- یادداشت . شباهتی که در شکل ائوریست با پریتیت (ایم پرفکت) دیده می شود گاهی این سؤال را برمی انگیزد که آیا باید اشکال مشخص داده شده را زیر عنوان پریتیت (ایم پرفکت) طبقه بندی کرد یا ائوریست ؟ تصمیم نهائی اساسا " براین قرار گرفته که آیا ما یک شکل مضارع را بر آن مسلم بپنداریم یا نه ؟ - نیز نک . بارتلمو . فعل ص ۶۳ .
- ۱۹۲ - دستگاه ائوریست شامل دو گروه زیر است . الف گروه بدون s و ر ب - گروه s دار که در هر یک از این دو گروه تقسیمات کوچکتری نیز دیده می شود :

۱- (e'ōrist) . aorist. در لغت به معنی " نامحدود unlimited. است .
 ۲- خلاصه شده از sigmatic. است . توضیح اینکه sigma هیجدهمین حرف از الفبای یونانی مطابق s, σ, Σ: s است .



۱۹۳- آگمنت و شناسه : در اوستا آگمنت در شکلهای ائوریست مانند اشکال دیگر ، معمولاً " کمیاب است ، بر خلاف فارسی باستان و سنسکریت که موارد حذف آن بسیار نادر است . بعلاوه ، اشکال بدون آگمنت ، غالباً " دارای یک مفهوم التزامی (امری) میباشد (نیزنکه ، جک ش ۴۴۵۰ یادداشت ۲) در ائوریست شناسه‌های اخباری نوع دوم است .

۱۹۴- وجوه ائوریست ، وجوه امری ، التزامی (نوع اول و دوم) ، تمنائی در ائوریست بر طبق قواعد دستوری دیگر دستگاههای فعلی شکل داده شده است .

یادداشت - در اوستای گ . شناسه سوم شخص مفرد امری میانه am معادل سنسکریت ām در مثالهای زیر دیده شده : $ṛṣṣāṃ$ " صحبت کند " ، $viḍāṃ$ " تصمیم بگیرد " ، پسنه ۳۲ - ۶ ، معادل سنسکریت $duhām$.

I - گروه ائوریست بدون S

۱۹۵- این گروه شامل سه طبقه زیر است : ائوریست ریشه‌ای (root - aorist)

۲- a - ائوریست ساده (تماتیک) (simple a - aorist) و ۳- ائوریست مضاعف (reduplicated - aorist) است که صرف افعال این گروه به ترتیب با صرف

افعال ماضی پریتريت (ایم پرفکت) در زیر مطابقت می‌کند: ۱- طبقه - ریشه‌ای (طبقه-۲)

۲- صرف - a (تماتیک) و در سنسکریت طبقه - a' (تکیه دار) ۳- طبقه مضاعف .

I . ائوریست ریشه‌ای .

۱۹۶- در زبانهای ایرانی باستان صرف افعال این طبقه ائوریست مانند صرف ماضی پریتريت (ایم پرفکت) از طبقه ریشه‌ای (طبقه - ۲) می‌باشد که مضارع اخباری ندارد . - شناسه‌ها مستقیماً " به ریشه قوی یا ضعیف می‌چسبند و موقعیت کاربرد درجه ریشه‌ای مانده دستگاههای مضارع و تام است . نشانه وجهی نیز مانند دستگاههای دیگر است . در سنسکریت این طبقه به چند ریشه مختوم به ā و نیز ریشه bhū محدود شده و فقط در حالت معلوم شاخته شده ، و حالت‌های میانه برای s - ائوریست و iṣ - ائور بکار برده می‌شود، ریشه‌های مختوم به ā در سوم شخص جمع شناسه iṣ می‌گیرد و معمولاً " ā ی خود را از دست می‌دهد . (مانند تام) مصوت آن بدون تغییر می‌ماند ، بسعد از آن و قبل از شناسه an و am اول شخص مفرد و سوم شخص جمع را در آن می‌گنجاند مثال ۱- از ریشه dā بمعنی " دادن " ، سوم شخص مفرد معلوم اخباری، آن در فارسی باستان adāt و اوستای گاهانی dāt است . در سنسکریت صیغه مذکور a'dhāt - سوم شخص جمع a'dus و اول شخص مفرد ādām از ریشه Kar به معنی انجام دادن " دوم شخص مفرد میانه امری . فارسی باستان Kuśuvā ، اوستای ک ، kor^hṣvā ، سنسکریت kṛsvā' نیز نک ، کنت ، ش II ۲۱۸ و III ۲۲۷

۱۹۷- جهت ملاحظه نمونه‌های ائوریست ریشه‌ای نک . جک ، ش ، ۵- ۶۳۰

اشکال قابل ملاحظه در اوستای گ . و م

۱. اخباری - ائوریست .

۱۹۸ - اول شخص مفرد معلوم : اوستای گ . $\text{dar}^{\text{d}}\text{sam}$ " دیدم و $\text{sr}^{\text{d}}\text{v} - \bar{\text{i}} - \text{m}$ " شنیدم " را مشاهده می‌کنید .

۱۹۹ - دوم شخص مفرد معلوم : اوستای گ . $\text{var}^{\text{d}}\text{s}$ " تو ورزیده‌ای " stvarz نیز نک . جک . ش . ۱۹۵) .

۲۰۰ - سوم شخص مفرد معلوم : اوستای گ . $\text{m}^{\text{d}}\text{ist}$ " گرداند " $(\sqrt{\text{mi}})$ ، $\text{cor}^{\text{d}}\text{t}$ " ساخت " $(\sqrt{\text{kar}})$ - و نیز شاید $\text{yaog}^{\text{d}}\text{t}$ یسنه ۴ - ۴۴ $\text{GAV.sāh} - \bar{\text{i}} - \text{t}$ " moxt ($\sqrt{\text{sāh}}$) ، $\text{YAV,va}^{\text{i}}\text{n} - \bar{\text{i}} - \text{t}$ " فتح کرد " یسنه ۵ - ۶۰ (اگر تمنائی با پسوند ضعیف نباشد) .

۲۰۱ - سوم شخص مثنی‌ی میانه : $\text{GAV.asrvāt}^{\text{d}}\text{m}$ آن دو خواندند "

۲۰۲ - اول شخص جمع میانه : اول شخص جمع میانه : $\text{YAV. Yaoxma}^{\text{i}}\text{de}$ " پیوستیم " $\text{GAV.var}^{\text{d}}\text{ma}^{\text{i}}\text{dī}$ " ما انتخاب کرده‌ایم " .

۲۰۳ - سوم شخص جمع : معلوم - $\text{YAV.aškar}^{\text{d}}$ " افتادند " $(\sqrt{\text{sac}})$ و ندیداد ۱ - ۴ ، و نیز bun " می‌شوند " . $\text{GAV.j}^{\text{d}}\text{n, g}^{\text{d}}\text{mān}$ " آمدند " . میانه - $\text{fracar}^{\text{d}}\text{nta}$ " ساختند " $(\sqrt{\text{kar}})$ و ندیداد ۲ - ۱۱ .

۲ - امری

۲۰۴ - دوم شخص مفرد میانه : $\text{GAV.Kar}^{\text{d}}\text{śvā}$ " تو بساز " ،

۲۰۵ - سوم شخص مفرد میانه : $\text{GAV.dr}^{\text{d}}\text{žūcam}$ " به راستی بگوید " ، vīdam " تصمیم بگیرد "

۲۰۶- سوم شخص جمع معلوم : GAV. scaṇtū " بگذار دنبال کنند " . (√_{sac})

۳- التزامی .

۲۰۷- اول شخص مفرد : معلوم - YAV. xštā بایستم " . GAV. Yaojā
 " وصلت بکنم " ، Varānī " انتخاب بکنم " - میانہ - gar^hzōi ، gar^hzē
 " گله بکنم " ، Sruyē " شنیده باشم " ، YAV. buye " باشم " (√_{bū})

۲۰۸- سوم شخص مفرد معلوم - YAV. bvaṭ " بشود " GAV. jimaṭ .
 " بیاید " .

۲۰۹- سوم شخص مثنلی میانہ : GAV. jamaētē " آن دو بیایند " .

۲۱۰- اول شخص جمع معلوم : YAV. jimama " بیایم " .

۲۱۱- دوم شخص جمع معلوم : GAV. vī-cayaṭā " شما تشخیص بدهید " .

۲۱۲- سوم شخص جمع معلوم : GAV. bvaṇti-cā " و نیز آنها باشند " jimān
 " بیایند "

۴- تمنائی

۲۱۳- دوم شخص مفرد معلوم : YAV. xšnuyāḍ " شود که شاد شوی "

۲۱۴- سوم شخص مفرد : معلوم - (از ستاک قوی) YAV. jamyāṭ

" شود که بیاید " ؛ و نیز (از ستاک ضعیف) dis-yāṭ " نشان دهد " ، همین
 طور GAV. miṣyāṭ " بی بهره کند " . - میانہ - GAV. dritā (dar)

۲۱۵- اول شخص جمع : معلوم - YAV. jamyāma بعلاوه jamyāma

" شود که بیایم " . - GAV. buyāma " شود که باشیم " . - میانہ -

GAV. vaⁱrīmaⁱdī " شود که انتخاب کنیم "

۲۱۶- دوم شخص جمع معلوم : YAV.buyātā "شود که باشی"

۲۱۷- سوم شخص جمع معلوم : اوستای م buyārəš , buyan
شود که باشند ."

انتقال به صرف - a

۲۱۸- نمونه‌های انتقال به صرف - a عبارتند : GAV. Vaxš-a-ε

"افزود" , GAV. Frā-šm- a- ε آمد (√gam) .

۲. ائوریست ساده - a دار (تماتیک)

۲۱۹- در اوستا نمونه‌های این طبقه زیاد نیستند ولی در سنسکریت از تعداد زیادی

از ریشه‌ها ساخته شده است , این طبقه تا اندازه‌ای در اوستا شبیه ریگ ودا است . این طبقه

در ساخت و صرف مانند ماضی پریتیت (ایم پرفکت) از طبقه ϵ است . برای ساختن ستاک آن در

اوستا مصوت تَماتیک a و در سنسکریت a (تکیه دار) را به ریشه در شکل ضعیف - در سنسکریت

ریشه‌های مختوم به ϵ شکل گونا می‌گیرد - اضافه می‌کنند . در این طبقه برای وجه اخباری

شناسه نوع دوم بکار میرود . افعال این طبقه در سنسکریت در دو حالت صرف شده ، اما در حالت

میانه کمیاب است و شکل‌های میانه خود را بر طبق طبقه - ϵ یا ϵ شکل می‌دهند .

۲۲۰- مثالهای ائوریست ساده a دار (اساسا "در اوستای گ .) به فرار زیر است :

۱. اخباری - معلوم - ائوریست (مضارع) سوم شخص مفرد vīda-ε

"او پیدا کرد" . (در کنار سوم شخص مفرد مضارع پریتیت (vindaε) معادل سنسکریت

būjaε , āvidaε (در کنار مضارع ϵ nti) میانه - سوم شخص جمع

xšāntā "آنها فرمانروائی کردند" . (√xšā)

۲. امری - معلوم - دوم شخص مفرد vīdā "بیاب" , - میانه . سوم شخص

جمع xšāntām "بگذارید آنها فرمانروائی کنند" .

۳. التزامی - معلوم - مفرد اول شخص hanānī , سوم شخص hanāε

" بگذار بدست بیاورم " . " بگذار بدست بیاورد "

۴. تمنائی - میانه - سوم شخص مفرد xšaēta " فرمانروائی کناد " .

۵. صفت فاعلی- معلوم - vīdat (در ترکیب) .

۳- ائوریست مضاعف

۲۲۱- در اوستا نمونه‌های این طبقه نسبتاً کمیاب است و در شکل و صرف مانند ماضی

پریتریت (ایم پرفکت) از طبقه مضاعف (طبقه - ۳) و در سنسکریت از صرف تاتیک است .

ستاک از مضاعف کردن ریشه‌ای که در شکل ضعیف است ساخته می‌شود و مصوت تاتیک a می‌گیرد .
برای وجه اخباری شناسه‌های نوع دوم بکار میرود . نیز نک . ویتنی - سنسکریت گرامر . ش ۸۵۶۰

۲۲۲- مثالهای صرفی از $\sqrt{vac}$ اوستائی ، صحبت کردن (ستاک-vaoc- یعنی -

:(vac -) vōca -) va- vc- , va- uc-

۱. اخباری - معلوم - مفرد - اول شخص vaocim , vaocam

دوم شخص vaocō , vaocascā , سوم شخص vaocat , vāocat

جمع - اول شخص vaocāmā , vaocāma

۲. امری - معلوم - مفرد - دوم شخص vaocā - فارسی باستان

dīdiy (dī-) " ببین "

۳. التزامی - معلوم - مفرد - اول شخص vaoca (یسنه ۴۵-۳) ،

سوم شخص vaocāt

۴. تمنائی - معلوم - مفرد - سوم شخص vaocōiṭ . جمع vaocōimā

یادداشت ۱- مانند اوستای گاهانی nāsat " ناپدید شد " (یعنی

na -ns- aṭ , $\sqrt{nas}$ -) $\sqrt{nas}$ معادل سنسکریت .

یادداشت ۲- شکل‌های مشکوک متعلق به ائوریست مضاعف عبارتند از :

YAV. urū-ruḍu-ḡa " تو رشد کردی " ، دوم شخص مفرد میانه ، یسنه ۱۰-۳ ،

GAV. aṣ- aḡ- u- tā پایان یافته است . این U ممکن است با یک U ی

انپتیکتی^۱ (نیز نک . جک . اوستا گرامر ، ش . ۷۲) یا اینکه از یک ساخت مضارع باشد .

۲۲۳- مواردی از یک نوع ائوریست سببی واقعی با ستاک مضاعف قوی شده عبارتند
از : var " باور داشتن " ، باوراندیدن " ، اوستای گ . vauraⁱtē (سوم شخص
مفرد التزامی ، میانه) ، vāurayā (اول شخص مفرد تمنائی میانه) ، vāurōimaⁱdī
(اول شخص جمع تمنائی ، میانه) .

یادداشت ۱- شکلهای zīzanōn ، zīzanāt (سنسکریت ajījanat)
به سبب شباهت با مضارع اخباری zīzanōnti یشت ۱۳- ۱۵ ، در اوستا به نحو مطلوب
تحت طبقه ۳- مورد بررسی قرار گرفته اند .

II - گروه ائوریست S دار

۴ . (s) -h- ائوریست .

۲۲۴- نشانه زمانی طبقات این گروه ائوریست یک S صغیری اصلی است که معادل
اوستا و فارسی باستان آن h ، s ، ſ است و برای شکل دادن ستاک زمانی به ریشه اضافه
می گردد .

الف - این S صغیری در دستگاه زمان حال هیچ نشانه طبقه ای ندارد . اما با آن S ای که در
ستاک زمانی آینده و نیز صرف آرزویی ظاهر می شود قابل مقایسه است .

ب - در سنسکریت و فارسی باستان به ریشه آگمنت اضافه می گردد .

ج - در اوستا و سنسکریت در مورد چند تا از ریشه ها ، ستاک فعلی صغیری با یک a گسترش
یافته و صرف آن تقریباً " مانند یک ایم پرفکت " گروه صرف - a می گردد .

د- در این زبانها در اکثر موارد ستاک فعلی مختوم به مصمت صغیری است و صرف آن مانند
ایم پرفکت گروه صرف غیر - a میباشد . در اوستا و فارسی باستان شناسه ها مستقیماً " به ریشه ای

که در جات مختلف تقویتی را نشان میدهد متصل می گردد . نیز نک ، ش . ۲۲۵

ه- در سنسکریت این طبقات بر اساس اینکه آیا این مصمت صغیری بلافاصله به ریشه اضافه
می گردد یا با یک مصوت ربطی ۱ ، به دو طبقه تقسیم می گردد . و نشانه زمانی s را می سازد ،

1- anaptyctic

بالاخره قبل از این is در چند مورد ستاک توسط یک s گسترش یافته و کلا " $si\text{ṣ}$ و دراوستا

$hi\text{ṣ}$ را می‌سازد.

۲۲۵- در ایرانی باستان وجه اخباری مفرد معلوم از شکل قویتر (ورده‌ی)، وجه اخباری جمع معلوم و عموماً "وجه اخباری مفرد و جمع میانه از شکل قوی (گونا)، وجه امری میانه و تمام وجه التزامی معلوم از شکل قوی (گونا) وجه تمنائی و بعضی از نمونه‌های وجه اخباری جمع میانه عموماً "از ریشه ضعیف‌است مثلاً از $\sqrt{man}$ فکر کردن " سوم شخص مفرد میانه اخباری، اوستا $ma\text{ṣ}ta$ ، سنسکریت $ma\text{ṣ}ta$ - فارسی باستان از $\sqrt{dar}$ ، داشتن اول شخص مفرد میانه $adars\text{ṣ}iy$

۲۲۶- جهت ملاحظه نمونه‌های گروه ائوریست s - دار. نک. جک. ش. ۶۰-۶۵

۲۲۷- ملاحظات: در اوستای گاهانی $rā\text{ṇ}gha\text{ṇ}hōi$ توخواهی داد، دوم شخص مفرد التزامی میانه از $\sqrt{ra}$ و اوستای م. $pā\text{ṇ}ghahe$ از $\sqrt{pā}$.
یادداشت ۱- اوستای گاهانی $mā\text{ṇ}ghāi$ مانند سنسکریت به صرف a منتقل شده.

۵. (sa) -ha ائوریست

۲۲۸- sa - ائوریست اصلی که معادل اوستائی آن ha ، ηha و فارسی باستان - آن $śa$ ، ha می‌باشد. این طبقه، ائوریست گونه‌ای از s - ائوریست است که در بالا گفته شد. این طبقه از طریق انتقال از s - ائوریست به صرف a (تماتیک) ساخته می‌شود. در سنسکریت این طبقه از ریشه‌های مختوم به $h, \text{ṣ}, \text{ṣ}, \text{ṣ}$ و تمام آن صداهائی که در ترکیب با نشانه زمانی، $k\text{ṣ}$ ساخته‌اند و نیز از ریشه‌هایی تشکیل شده است که دارای ṣ ، u یا ṣ بعنوان مصوت اصلی است.

۲۲۹- مثالهای صرف (sa) ha ائوریست عبارتند از:

۱- اخباری. معلوم - مفرد - سوم شخص. اوستای م. $a\text{ṣ}as - a - \text{ṣ}$ "او انجام داد" او عرضه کرد" ($\sqrt{sand}$) وندیداد ۱۹-۱۵ معادل سنسکریت

($\sqrt{\text{bar}}$)abaraha - معلوم جمع ، سوم شخص ، فارسی باستان $\check{\text{a}}\text{chan-s-at}$

۲- امری ، معلوم - جمع - سوم شخص YAV.jaghəntu "خواهند زد"

($\sqrt{\text{jan}}$) وندیداد ۲-۲۲ .

۳- التزامی . معلوم - مفرد - سوم شخص YAV. nāš - ā - $\check{\text{i}}\text{ti}$

ناپدید گردد " پشت ۲-۱۱ . ($\sqrt{\text{I}}\text{nas}$ معادل سنسکریت $\sqrt{\text{I}}\text{nas}$ ، jahāt) .

میانہ $\check{\text{t}}\text{ē} - \check{\text{a}} - \text{nāš}$ YAV. و نیز اول شخص مفرد التزامی میانہ $\text{m}ə\text{ng}hā\text{i}$.

۴- صفت فاعلی - میانہ - اوستای گ . ($\check{\text{x}}\text{snu}$) $\check{\text{x}}\text{snao}š\text{mna}$

خشنود بودن " ($\check{\text{d}}\text{ā}$) $\check{\text{d}}\text{i}š\text{mna}$ و

$\check{\text{i}}\text{s}$ - ائوریست .

۲۳۰- نشانه زمانی این طبقه ائوریست s است که به کمک مصوت $\check{\text{i}}$ قبل از s به

ریشه می‌چسبد و تشکیل ستاک فعلی میدهد . ریشه معمولاً " در شکل قوی شده است و در

سنسکریت دارای آگمت است . در اوستای گ . یک یا دو مورد از این طبقه داریم : از $\check{\text{c}}\text{ū}$

و $\check{\text{k}}\text{ū}$ جستجو کردن امیدوار بودن " و $\check{\text{x}}\text{snu}$ " خشنود بودن ، " .

۱- اخباری . میانہ . ائوریست (پیریتیت) مفرد - اول شخص $\check{\text{c}}\text{v}i\check{\text{š}}\text{i}$

$\check{\text{c}}\text{v}i\check{\text{š}}\text{tē}$ سوم شخص .

۲- التزامی . معلوم . مفرد . اول شخص $\check{\text{x}}\text{s}n\check{\text{o}}\text{v}i\check{\text{š}}\text{ā}$.

$\text{hi}\check{\text{s}}$ - ائوریست .

۲۳۱- این طبقه در سنسکریت $\text{si}\check{\text{s}}$ - ائوریست نامیده می‌شود و از ریشه‌های مختوم به

$\check{\text{a}}$ ، nam ، yam ، ram ، تشکیل می‌گردد . در اوستا ظاهراً " فقط یک مورد از این طبقه

دیده شده . افعال این طبقه فقط در حالت معلوم هستند و حالت میانہ آن در s - ائوریست

دیده می‌شود صرف آن مانند صرف $\check{\text{i}}\text{s}$ - ائوریست است . تنها مثال آن در اوستا عبارتست

از :

۱- وجه اخباری . معلوم - مفرد - دوم شخص dāhīš "توساخته‌ای" ،

($\sqrt{dā}$) پشت ۳-۲ - سنسکریت glāsīs .

۲۳۲- نمونه‌های مشخصی از وجه تمنائی طلبی در ایرانی باستان دیده نشده است .

اثوریست مجهول ، سوم شخص مفرد

۲۳۳- در اوستا مانند سنسکریت یک نوع اثوریست سوم شخص مفرد مختوم به i

در مفهوم مجهول دیده می‌شود، که از تعداد زیادی از افعال باستانی تر ساخته شده ، و یک قسمت با قاعده از صرف مجهول را تشکیل می‌دهد . این ساخت از اضافه کردن i به ریشه فعلی‌ای که در شکل گونا یا وردهی است ساخته می‌شود . این شکل در اوستا مانند سنسکریت ممکن است آگمنت بگیرد . نیز نک . جک . ش . ۶۶۷ . ویتنی . ش . ۸۴۲ .

۲۳۴- مثالهای سوم شخص مفرد اثوریست مجهول به قرار زیر است :

الف - با تقویت کننده وردهی - شکل اوستائی از $\sqrt{vac}$ " صحبت کردن ، صدا کردن ، vācī ، avācī (GAV.) معادل سنسکریت vāci ، avāci اوستائی از $\sqrt{sru}$ شنیدن ، srāvī (GAV.) معادل سنسکریت srāvi ؛ نیز در اوستا āⁱdi " گفته شده " از $\sqrt{ad}$ معادل سنسکریت ah- (ب) با شکل گونا - شکل اوستائی از $\sqrt{mrū}$ گفتن ، mraoī (اوستای گ . یعنی : mrav-i) ، اوستائی از $\sqrt{vat}$ فهمیدن ، vaⁱtī (GAV.) اوستائی از $\sqrt{jan}$ ، گشتن ، jaⁱni (YAV.) . نیز نک . جک . ش ۶۶۸ یادداشت - ساخت YAV. ϑr^{ϑ} nāvi " بدست آورده شد " ($\sqrt{ar-}$) " مستقیماً " از ریشه ساخته نشده بلکه از ستاک آماده شده - ϑr^{ϑ} -nu- ، ϑr^{ϑ} -nāu- ساخته شده است .

الف - در فارسی باستان نیز یک نوع فعل سوم شخص مفرد ستاک S - اثوریست در

دو شکل مشکوک زیر مشاهده می‌شود $\sqrt{sā-}$ Patifrasiya (frae) ، DB ۴-۹۱ ، frasahya ($\sqrt{sā-}$)
Dsف - ۲۷

نیز نک کنت . فارسی باستان . ش ۲۲۰ .

IV - دستگاه آینه

آینه

۲۳۵- در سنسکریت هر فعل از نظر قدمت و مشخصه دارای دو نوع آینه است . یکی با نشانه زمانی صفیری ساخته شده ، که با ya دنبال می شود و میراث زبانهای هند و اروپایی است و آنرا آینه s دار (یا آینه باستانی یا آینه ساده) نامند و دیگری یک ساخت حشوی است که تشکیل شده از یک فعل معین بعلاوه یک اسم عامل اشتقاقی که این نوع آینه به دستگاه فعلی زبانهای باستانی متاخر اضافه شده است . اما شروعش از همان زبانهای باستانی است . نیز نک . ویتنی ، سنسکریت گرامر ، ش . ۹۳۱ .

I - آینه s دار

۲۳۶- نشانه زمانی اینوع فعل آینه در اوستا مانند سنسکریت هجای hy (ȝy) معادل سنسکریت sy (sy) است - در سنسکریت یا مستقیما " یا با مصوت کمکی i - که به ریشه در شکل گونا اضافه می گردد . اینوع ستاک فعلی دقیقا " مانند یک ستاک زمان حال مختوم به a (تما تیک) - در اوستا طبقه - a و در سنسکریت طبقه - a' (تکیه دار) - صرف می گردد . مثال ؛ سنسکریت از $\sqrt{dā}$ ، دادن $\sqrt{bū}$ از $\sqrt{dā}$ ، بودن $bhaviṣya'$ اوستا از $\sqrt{vac}$ صحبت کردن $vaxṣya$.

وجوه آینه

۲۳۷- نمونه های آینه عموما " زیاد نیستند و در اوستا به وجه اخباری و صفت فاعلی منحصر شده است . جای دیگر وجوه را وجه التزامی از قسمتهای دیگر فعل در مفهوم آینه بکار رفته ، پر می کند . در فارسی باستان با شکلهای التزامی ، تمنائی و امری بیان می شود .

ساخت آینده و صرف آن

۲۳۸ - مثالهای آینده و صرف آن در اوستا از ریشه‌های زیر ساخته شده که عبارتند از: اوستا و سنسکریت $\sqrt{vac}$ صحبت کردن. اوستائی - $\sqrt{harz}$ "پائین افتادن"، معادل سنسکریت - $\sqrt{sarj}$ اوستا - $\sqrt{sū}$ "نجات دادن" معادل سنسکریت - $\sqrt{sū}$:

۱- وجه اخباری - آینده

۲۳۹ - اول شخص مفرد معلوم: اوستای گ . . $vax-ṣy-ā$ معادل سنسکریت $vakṣyāmi$.
۲۴۰ - سوم شخص مفرد میانه: اوستا . $vax-ṣy-e^i te$ معادل سنسکریت $vakṣyātē$.
۲۴۱ - سوم شخص جمع میانه: اوستا $har^o-ṣy-ente$ معادل سنسکریت $sarkṣyantē$.

۲- صفت فاعلی

۲۴۲ - معلوم - اوستا $sao-ṣy-aṇt-$ سنسکریت $kṣēṣyānt-$
میانه - اوستا $har^o-ṣy-amna$ ، سنسکریت $yak-ṣy-āmāna-$.

اشکال قابل ملاحظه

۲۴۳ - گاهی در اوستا مصوت بلند بجای شکل قوی بکار میرود مانند صفت فاعلی $būṣyānt-$ از $\sqrt{bū}$ ، برخلاف سنسکریت $bhav^i ṣyānt$ و نیز سنسکریت - ریگ ودا $sūṣyant-$ از $\sqrt{sū}$ و هم چنین اوستائی - $xrvīṣyānt$ در کنار $xrvīṣyānt-$ از $\sqrt{xrvī}$ "خونین" .

۲۴۴ - جهت ملاحظه: پریتریست آینده s دار: شرطی نگ ویتنی، سنسکریت

گرامر. ش. ۹۴۰

II - آینده‌حشوی^۱

۲۴۵- در سنسکریت این ساخت فقط شامل یک وجه اخباری معلوم (یا هم چنین
میانه) - بدون وجوه دیگر - و صفت فاعلی و ماضی پریرتیت است .
الف - این ساخت عبارتست از یک اسم عامل اشتقاقی^۲ ، که دارای ارزش یک صفت
فاعلی معلوم آینده است و در مقام یک زمان فعل با مفهوم آینده با یا بدون فعل معین بکار
میرود . مثال : $\text{dātr}'$ از $\sqrt{\text{dā}}$ ، نیز نک ، ویتنی ، سنسکریت گرامر . ش ۹۴۲ .

1- Periphrastic future

2- nouns of agency

۷ - تصریفهای ثانویه

۲۴۶- تعریف - در سنسکریت تصریفهای ثانویه دستگاه کاملی از ساخت فعل می باشد - ساختهایی که تا به حال بیان شده از یک ریشه ساده تشکیل شده است - و یک دستگاه کم و بیش تکامل یافته تری را از یک ستاک صرفی اشتقاقی تشکیل میدهد ، اینگونه تصریفها معمولا " با تغییر و تبدیل مشخصی از مفهوم ریشه اصلی در ارتباط قرار می گیرند .

بطور کلی تصریفهای ثانویه شامل ساختهای زیر می گردند : (تماتیک) ، الف - مجهول ب - سببی ، ج - جعلی ، د - آغازی ، ه - آرزویی و - تشدید (غیر تماتیک)

الف - مجهول

۲۴۷- مفهوم مجهول در هر دستگاه زمانی ممکن است با بکار گرفتن حالت میانه بدست آید . در دستگاه زمان حال یک نوع ساخت مجهول وجود دارد که در ایرانی باستان از اضافه کردن نشانه مجهولی *ya* و در سنسکریت *ya* (نیز نک طبقه - ۴) به ریشه بدست می آید .

الف - عموما " ارتباط بین ساخت مجهول مختوم به *ya* و طبقه - ۴ دستگاه زمان حال شناخته شده است . در سنسکریت *ya* مجهول ساز تکیه دار است ، اما طبقه - ۴ بدون تکیه است . در ایرانی باستان به سبب اینکه هیچگونه تکیه مکتوبی دیده نشده چنین تمایزی دقیقا " نمیتواند - نشان داده شود . از اینرو گاهی مورد تردید است ، که آیا یک ساخت داده شده واقعا " یک ساخت مجهول است یا صرفا " یک حالت میانه یا معلوم - فارسی باستان - (در طبقه - ۴) به مفهوم مجهول مثال : ساخت *manyetē* (مجهول) یسنه ۴۴ - ۱۲ ، با *manyete* (میانه) یشت ۱۰ - ۱۳۹ یکسان است . معادل سنسکریت *manyatē* ، *mānyatē* فارسی باستان *akariyaⁿta* (میانه) *akariyaⁿta* (مجهول)

۲۴۸- مشخصات ساخت مجهول عبارتند از :

الف - در ایرانی باستان نشانه مجهولی *ya* ، در سنسکریت *ya* (تکیه دار) است که به ریشه

در شکل ضعیف اضافه می‌گردد .

ب - شناسه مجهول در سنسکریت و اوستا ، معمولاً " میانه و در فارسی باستان معمولاً " معلوم است

ج - وجوه مجهول همان وجوه معمول دستگاه زمان حال است .

یادداشت - ریشه‌های مختوم به ar بطوریکه غالباً " دستنوشته‌های مختلف نشان میدهد چنانکه r مصوت اصلی اظهار شده باشد مستلزم توجه است . مثال . اوستا $\sqrt{\text{mar}}$ " مردن" $\text{ma}^i\text{rye}^i\text{te}$, $\text{mār}^{\text{h}}\text{ye}^i\text{ti}$, mirye^ite , mirye^iti وندیداد ۳ - ۳۳ معادل سنسکریت از $\sqrt{\text{kar}}$ ساختن " ، $\text{kiryē}^i\text{ti}$ ، یشت ۱۰ - ۱۰۹ ، $\text{kiryē}^i\text{nte}$ و گویش دیگرش $\text{ka}^i\text{ryē}^i\text{nte}$ وندیداد ۳ - ۹ .

۲۴۹ - شناسه‌های ساخت مجهول : در سنسکریت ساخت مجهول ، شناسه‌های میانه

بخیر می‌گیرد ، اما بعضی استثنائات با شناسه‌های معلوم نیز وجود دارد . در انتقال ستاکی ، از ya^i یا طبقه مجهول به ya یا طبقه لازم مثالهای زیادی دیده می‌شود و نشان میدهد که چگونه شناسه‌های معلوم بجای شناسه‌های میانه بکار میرود ، حتی در زبانهای باستانی تر این ساخت دقیقاً " شکل مجهول می‌گیرد . $\text{vy } \text{āpruṣyat}$ ، ā dhmāyati ، نیز نک . ویتنی - سنسکریت گرامر . ش ۷۷۴ و جک ش ۶۷۸ . در اوستا نیز شناسه‌های میانه بکار می‌روند ، با وجودیکه شناسه‌های معلوم نیز خیلی غیر معمول نیستند . باید توجه کرد که در دستنوشته‌های مختلف گاهی مصوت پایانی e با i عوض می‌شود . $\text{kiryē}^i\text{te}$ ، $\text{kiryē}^i\text{ti}$ که با این توصیف عنصر ya دارای مفهوم مجهول لازم است .

یادداشت - یک مثال مورد تردید از حالت معلوم اما با مفهوم مجهول چنین است : frāyezyāt در یشت ۱۳ - ۵۰ . frāyezyāt (فاعلی - مذکر) kahe vō urvā " روح کدامیک از شما مورد پرستش واقع خواهد شد؟ " هم چنین شناسه معلوم در مثال زیر - آشکار است . (از - $\sqrt{\text{dā}}$) dayāt (التزامی) وندیداد ۳ - ۲۲ nidāyāt (impf) یشت ۱۲ - ۱۷ .

ساخت مجهول در فارسی باستان غیر از دو مورد استثنائی زیر معمولاً " شناسه معلوم می‌گیرد و پسوند ya مفهوم مجهولی را نمایان می‌سازد akunavayatā ، $\text{akariya}^n\text{tā}$ مشاهده می‌گردد که هر دو دارای ماده ساز مجهول ya و شناسه میانه هستند . نیز نک . کنت

صرف مجهول

۲۵۰- مثالهای حالت مجهول با شناسه‌های معلوم و میانه عبارتند از :

۱- وجه اخباری - الف . مضارع - مفرد سوم شخص اوستا $ba^i rye^i te$ ، گویش دیگر $ba^i rye^i ti$ " متولد شده است " . اوستا $kirye^i ti$ گویش دیگر $kirye^i te$ " ساخته شده است " ؛ اول شخص سنسکریت $kriye$ - جمع - سوم شخص اوستا $kirye^i nte$ گویش دیگر $ka^i rye^i nte$ " ساخته شده‌اند " . - اول شخص فارسی باستان $əahyāmahy$ " گفته می‌شویم " . سنسکریت $kiryāmahe$ ب- ماضی- دوم شخص مفرد اوستا $ma^i ryaṇha$ گویش دیگر $ma^i ryaṇha$ سوم شخص مفرد اوستا $vī-sruyata$ " شنیده شد " ، $niḍayaṭ$ " جا گرفته شد " . فارسی باستان $abariya$ " برده شد " ، $adāriya$ ، نگاه داشته شد " - جمع . فارسی باستان $ayadiya^n$ " پرستیده می‌شدند " .

۲- وجه امری . مفرد اول شخص سنسکریت $kriyasva$

۳- وجه التزامی . مفرد - سوم شخص . اوستا $ma^i ryā^i te$ گویش دیگر $mirya^i te$ ، $miryā^i ti$ " مرده شده باشد " $yezyāṭ$ " پرستیده شده باشد " . سنسکریت $kriyātāi$ ، جمع سوم شخص $Av.ba^i ryāṇte$ " زاده شده باشند " ، $janyaṇte$ " کشته شده باشند " . یشت ۱۴ - ۴۳

۴- وجه تمنائی . مفرد سوم شخص - فارسی باستان $kariyaiš$ " کرده‌شواد "

$fraθiyaiš$ " مجازات نشواد " جمع - اول شخص . سنسکریت $kriyēmahi$. فارسی باستان $yadiyaiša^n$ " پرستیده نشواید " (سوم شخص جمع)

۵- صفت فاعلی . اوستا $suyamna$ " نجات دهنده " سنسکریت $kriyāmāṇa$ " سازنده "

یادداشت - اوستا از $\sqrt{\text{var}}$ "بوشیدن"، ساخت $\text{nivō}^i\text{rye}^i\text{te}$ دیده شده است.

۲۵۱- ساخت مجهول می تواند شامل صفت مفعولی ta یا na ساخته شده نیز

باشد نیز نک . ش . ۲۸۰

۲۵۲- وجه وصفی آینده مجهول (جراندیو) با ya درش . ۲۸۵ بیان خواهد شد .

۲۵۳- ائوریست مجهول سوم شخص مفرد مختوم به i درش . ۲۳۴ بیان شده است .

ب - سببی

۲۵۴- در زبانهای ایرانی باستان مانند سنسکریت یک نوع صرف ثانویه وجود دارد

بنام " صرف سببی " و اساس آن را یک ستاک سببی که بوسیله اضافه کردن نشانه سببی aya در اوستا و فارسی باستان و āya در سنسکریت به ریشه معمولا " قوی شده تشکیل میدهد . در ایرانی باستان مانند سنسکریت صرف سببی (aya) مانند صرف جعلی در ساخت با طبقه ۱۰ یکسان است . باین ترتیب مشخصه سببی در دستگاه زمان حال نیز دیده شده است نیز

نک . جک . ش ۶۸۴ و ویتنی ش . ۱۰۴۱

الف - در سنسکریت تعداد زیادی از باصطلاح صرفهای سببی دقیقا " دارای ارزش -

سببی نیستند از اینرو مانند تعلقات طبقه ۱۰ یا Curl سنسکریت شناخته شده اند مشابهتا " در اوستا تعداد زیادی از اشکال سببی تحت طبقه ۱۰ قرار می گیرند .

۲۵۵- ساخت سببی : ستاک زمان حال سببی بوسیله اضافه کردن عنصر سازنده

aya به ریشه که معمولا " در شکل قوی شده است بدست می آید . تقویت ریشه به متغیرهای

معینی بستگی دارد که عبارتند از : (نیز نک ، جک . ش . ۶۸۵) .

الف - ā آغازی یا میانی قبل از یک مصمت منفرد عموما " تبدیل به مصوت

ورده می گردد ، ولی گاهی اوقات بدون تغییر باقی می ماند ، بدین طریق : $\bar{a}$ ی -

بلند- اوستا . $\sqrt{\text{vat}}$ ، فهمیدن ، " درک کردن " ، ماده سببی ، " فهماندن "

vātāya- معادل سنسکریت - vātāya ، اوستا $\sqrt{tap}$ "گرم کردن" ، گرم شدن " ، سببی ، "گرم ساختن" - tāpaya- ، معادل سنسکریت - tāpāya- اوستا $\sqrt{gam}$ ، jam ، رفتن ، آمدن ، - jāmayā- معادل سنسکریت - gāmāya- (نیز نک ویتنی - ش.جی. ۱۰۴۲) . فارسی باستان $\sqrt{dar}$ ، - dāraya- واز - $\sqrt{na\theta}$ "تباه کردن" سببی - vināθaya "خراب کردن" ، $\sqrt{tav}$ "توانا بودن" سببی - tāvaya- "توانا کردن" - ā بدون تغییر باقی می ماند : اوستا $\sqrt{pat}$ "پروار کردن" سببی ، - pataya "پراندن" ، معادل سنسکریت - patāya- ، اوستا $\sqrt{sad}$ "بنظر آمدن" سببی - sadaya- "پدید آوردن" ، معادل سنسکریت از $\sqrt{chand}$ ، سببی - chandāya- معادل فارسی باستان $\sqrt{\theta a^n d}$ ، - θadaya- ، اوستا $\sqrt{ap}$ ، بدست آوردن ، - āpaya- مقابل سنسکریت āpaya ، فارسی باستان از $\sqrt{tar}$ گذشتن سببی - viyataraya- .

ب- a ی آغازی یا میانی قبل از دو مصمت بدون تغییر باقی می ماند ، اوستا $\sqrt{daxś}$ شناختن " سببی - daxśaya ، شناساندن " معادل سنسکریت - dakṣāya ، اوستا $\sqrt{vaxś}$ "رشد کردن" ، سببی - vaxśaya "رشد دادن" ، اوستا $\sqrt{zamb}$ ، "خرد کردن" سببی - zambaya- ، معادل سنسکریت - jambhāya- .

ج- ā بلند پایانی حذف می گردد ، اوستا $\sqrt{stā}$ ، ایستادن ، سببی - staya- "ایستادن" ، معادل سنسکریت - sthāpāya- ، نیز نک ، ویتنی ۱۰۴۲ آ. د- i ، u ی آغازی یا میانی قبل از مصمت های منفرد (یعنی در هجاهای سبک) دارای شکل گونا هستند اوستا $\sqrt{vid}$ ، آگاه بودن ، سببی - vāēdaya- معادل سنسکریت - vēdāya- ، اوستا $\sqrt{ruc}$ ، روشن کردن " - raocaya- ه- u (یا i) پایانی شکل وردهی می گیرد اوستا $\sqrt{sru}$ "شنیدن" ، سببی - srāvaya- ، معادل سنسکریت - śrāvāya- ، می باشد .

یادداشت ۱- مصمت غنه ستاک زمان حال (طبقه ۹) دیده می شود . اوستا $kar\eta taya$ از $\sqrt{kart}$ ، " بریدن " ، مانند سنسکریت - $krntāya$ ، نیز نک . ویتنی ش . ۱۰۴۲ ج . همچنین اوستا - $buñjaya$ از $\sqrt{buj}$ " رها کردن " یادداشت ۲- ریشه $\sqrt{zā}$ " اجازه رفتن دادن " - $zayaya$ نیز نک . ویتنی ش . ۱۰۴۲ .

یادداشت ۳- گاهی مصوت بلند بجای تقویت ریشه مشاهده می شود . $GAV.^u rūpaye^i \eta tī$ " سب رنج می شوند ($\sqrt{rup}$) ، معادل سنسکریت $rōpāyanti$ ، $GAV.^u rūdōyātā$ " سب مویه شد " معادل سنسکریت $rōdhāyata$.

وجوه سببی

۲۵۶- صرف سببی دارای همان وجوهی است که دستگاه زمان حال داراست که عبارتند از : ۱- اخباری ، ۲- امری ، ۳- التزامی ، ۴- تمنائی ، و نیز ۵- صفت فاعلی

صرف سببی : دستگاه زمان حال

۲۵۷- سببی در دستگاه زمان حال مطابق صرف -a (تماتیک) صرف می شود . نیز نک ، طبقه - ۱۰ . ش . ۹۴ ، ش . ۹۵

صورتهای دیگر سببی

۲۵۸- نه تنها شکل سببی دستگاه زمان حال متعلق به ساخت سببی است بلکه ائوریست سببی (نک ش . ۲۲۳) ، شاید بهمین طریق سببی تام (پلوپرفکت) ، و بعضی قسمتهای دیگر ، نیز متعلق به ساخت سببی باشد .

۲۵۹- جهت بررسی ائوریست سببی مضاعف نک . ش . ۲۲۳

۲۶۰- احتمالاً " تام حشوی (پلوپرفکت) ، به ساخت سببی متعلق است ،

- $AV.biwivā\eta ha$ " او ترسیده بود " نک . ش . ۱۹۰

۲۶۱- یک اشتقاق سببی از $\sqrt{xap}$ " خوابیدن " مستقیماً " بوسیله متصل کردن

شکل سببی ریشه $da-$ " ساختن "، به ریشه اصلی ساخته شده است. بدین ترتیب، اوستا $xabdaye^i ti$ " بخواباند "

۲۶۲- اشتقاقهای سببی دیگری که با ریشه $da-$ (ش. ۲۶۱) اما بدون شکل سببی

ساخته شده عبارتند از: $avapṇhabdaēta$ ، " او سبب خواب می شود " ($\sqrt{xap}$)
 $xraoždāt$ " سبب فریاد شد " ($\sqrt{xrus}$)، $yaožā^i ti$ ، خالص بسازد ($\sqrt{yaož-}$) .

۲۶۳- بعضی از اشکال با معنی و مفهوم سببی اما بدون پسوند aya دیده می شود:

اوستا. $vaxṣāt$ " می بالاند، رشد میدهد " یسنه ۴۸-۹، در مقابل $vaxṣayatō$
" هردو می بالانند " یسنه ۱۰-۳

۲۶۴- گاهی یک اسم فعل (مصدر) یا صفت فعلی (وجه وصفی) نیز در زیر

ساختهای سببی قرار می گیرند: اوستا، $frasrūta-$ ، شهرت داد"، $^u rvaēšta$ -
" گرداند " یشت ۱۱-۲ نیز نک: ویتنی، ش ۱۰۵۱

ج- جعلی

۲۶۵- فعلهای جعلی از یک ستاک اسمی (اسم یا صفت) بوسیله اضافه کردن نشانه

صرفی ya یا a در اوستا و فارسی باستان و ya' (تکیه دار) یا a در سنسکریت به آن ساخته شده است. ولی همانطوریکه در اوستا بدون تکیه است، گاهی تصمیم، اینکه یک ساخت فعلی معین داده شده مختوم به aya واقعاً " یک ساخت جعلی a - ستاک است یا یک ساخت سببی، مشکل است. فعل جعلی معمولاً " در معانی "، ساختن، بکار بردن، سبب شدن، بودن یا عمل کردن " که یک ستاک اسمی بر آن دلالت می کند بکار میرود.

۲۶۶- ساخت و صرف: فعل جعلی در دستگاه زمان حال قرار دارد. برای ساختن آن

در ایرانی باستان، نشانه صرفی ya ، معادل سنسکریت ya' ، یا بندرت a معادل سنسکریت a

را مستقیماً" به ستاک اسمی اضافی می‌کنند. از اینرو صرف آن مانند صرف -a (تماتیک) در

دستگاه زمان حال است. نیز نک. جک. ش. ۶۵۵. و ویتنی ش. ۱۰۵۴، ش. ۱۰۶۸

یادداشت - در سنسکریت شکل‌های خارج از دستگاه زمان حال دیده نشده به غیر از
unayīs (با mā نهی)، iṣ - ائوریست دوم شخص مفرد و مثال‌های دیگر از این نوع
ائوریست. نیز نک ویتنی. ش. ۱۰۶۸

۱- در موارد زیر نشانه صرفی ya اضافه می‌گردد: اوستا - aṣa مقدس (a - ستاک)
ستاک جعلی - aṣaya، با تقدس بدست آوردن aṣayeⁱti. معادل سنسکریت
ṛtaya^a، اوستا. vāra- مذکر. "باران"، جعلی vārayemi "روان ساختم"
اوستا - aṇhu، مذکر، ارباب (u - ستاک) جعلی، - aṇhuya
"ارباب... شدن" aṇhuyaⁱte، اوستا - nṛmah "خنثی" "خانه"
(ستاک مختوم به مصمت) جعلی - nṛmahya "خانه گزیدن"، nṛmahyāmahī
معادل سنسکریت - namasya^a، اوستا، - iṣud مونث، "قرض" جعلی
- iṣudya، "متحمل قرض شدن"، iṣūⁱdyāmahī معادل سنسکریت - iṣudhya^a
فارسی باستان - avah (ستاک مختوم به مصمت) "یاری"، جعلی - avahya
"یاری کردن" patiy-avahyaiy، فارسی باستان grab "تصرف کردن"،
جعلی agarbāyam "تصرف کردم"،

۲- در موارد زیر نشانه صرفی a اضافه می‌گردد، اوستا paⁱti "ارباب"
(i - ستاک) جعلی - paⁱya-a، "از آن خود کردن" paⁱyeiti
معادل سنسکریت - patya^a، اوستا - xratu مذکر "خرد" (u - ستاک)،
جعلی - a - xra^w "خردمند بودن" صفت فاعلی میانه xra^wmahe
به خردمندی او - a - fyanḥu^a مذکر "مه" (u - ستاک) جعلی - fyanḥva
"مه گرفتن" fyanḥuṇtaēca، اوستا - aēnah "گناه" (ستاک
مختوم به مصمت) جعلی - a - aēnaḥ "مرتکب گناه شدن"، aēnaḥⁱti
پسینه ۹ - ۲۹، مقابل سنسکریت - ēnasya^a.

یادداشت - گاهی بنظر میرسد *sa* پایانی یک ستاک اسمی (جعلی) حذف شده باشد. در سنسکریت بعد از *ri* یا *ri* ، نیز نک. ویتنی. ش. ۱۵۵۹ ی. بدین قرار ، اوستا *baēṣaz-ya-ti* و غیره ، "درمان بخشد" پشت ۸-۴۳ (*baēṣaza-* اسم خنثی) *vāstryaē- ta* "بچراند" (*vāstra* اسم خنثی) ، *par^hsan-ye-ⁱti* ، "او می پرسد" پشت ۸-۱۵. احتمالاً نیز *pəṣanaⁱti* "او می جنگد" (*pəṣana-* اسم خنثی. ، *pəṣanā-* مونث) ، نیز نک. سنسکریت *pṛtanyati* نیز نک. ویتنی . ش. ۱۵۶۰

د. آغازی

۲۶۷- ساخت آغازی در ایرانی باستان مانند سنسکریت بوسیله تعدادی از افعال نشان داده می شود. فعل آغازی در معنا فعلی است که شروع به انجام کاری یا عملی را که توسط صرف اولیه یک ریشه توصیف شده باشد بیان می کند نشانه آغازی ، معادل- سنسکریت *ch* است که مستقیماً به ریشه در شکل ضعیف و گاهی فارسی باستان در شکل قویتر (گسترش یافته از ستاکهای دیگر) اضافه می گردد ، و ستاک آغازی را می سازد. صرف آن ، صرف *a-* (تماتیک) در دستگاه زمان حال است . نمونه های فعلهای آغازی بقدری کم هستند که گاهی شکلهای *s* دار آغازی بعنوان ریشه های مستقل در نظر گرفته می شوند.

۲۶۸- مثالهای فعل آغازی : ساخت و صرف آن در نمونه های زیر نشان داده می شوند . اوستا *jas, √gam* (یعنی *gam - s -*) رفتن ، آمدن " *jasati* ، معادل سنسکریت *gāchati* ، اوستا *yas-, √yam* (یعنی *yam - s -*) "آمدن" ، "رسیدن" ، *yasaⁱte* معادل سنسکریت *yáchatē* فارسی باستان ، *āyasatā* ، اوستا *fras, par^hs* (یعنی *par^hs - s*) پرسیدن *pəṛsaⁱte* ، معادل سنسکریت *pṛchati* ، فارسی باستان *aparsam* . اوستا *us-, √vah* (یعنی *us - s*) "روشن کردن" *usaⁱti* معادل سنسکریت *uchāti* ، اوستا *tap, -* گرم

کردن ، " tafsaṭ فارسی باستان √ar ، " رفتن " ، arasam ، فارسی باستان √xšnā " شناختن " xšnāsātiy .

یادداشت - همگونی و حذف مصمت‌ها قبل از s در مثالهای زیر مشاهده می‌گردند :
 اوستا tər⁰saⁱti " او می‌ترسد " (یعنی tər⁰s-s-aⁱti ، سنسکریت √tras ؛
 فارسی باستان tarsam اوستا usaⁱti ش. ۲۶۸ هم چنین در اوستا xīsaṭ " او
 شروع به خیس شدن کرد " √xid معادل سنسکریت √svid .

ه- آرزویی

۲۶۹ - صرف آرزویی ، یکی از تصریفهای ثانویه است . در اوستا صرف آرزویی در صورت و معنی مانند سنسکریت است . صرف آرزویی به معنی میل و آرزو برای انجام عمل یا رسیدن به حالتی است که بوسیله ریشه ساده آن فعل بیان شده است . مثلاً " در سنسکریت فعل píbāmi ، " من می‌نوشم " ، آرزویی آن pipāsmi " میل دارم بنوشم " ، این چنین صرفی را می‌توان از هر ریشه ساده فعلی درست کرد . از مشخصات این ساخت یکی داشتن ریشه مضاعف - در سنسکریت تکیه دار - و دیگری داشتن نشانه صرفی (عنصر سازنده)
 (ha (nḡa, śa, za) معادل سنسکریت sa است . در سنسکریت گاهی مصوت کمکی i قبل از نشانه صرفی می‌آید و تبدیل به iṣa می‌شود . در اوستا مصوت هجای مضاعف همیشه i (یا ī) است . در سنسکریت اگر مصوت ریشه a ، ī ، i باشد مصوت هجای مضاعف i و اگر u باشد u خواهد بود . در اوستا و سنسکریت مصمت آغازی ریشه در مضاعف کردن مطابق قواعد عمومی مضاعف شدن است . ش . ۶۸ ریشه ساخت آرزویی معمولاً " در شکل ضعیف و گاهی هم در شکل قوی است ، صرف آن به صرف دستگاه زمان حال منحصر شده و صرف آن - (sa ، ha) تماتیک است . نمونه‌های این نوع صرف در اوستا کمتر از سنسکریت است و در - فارسی باستان دیده نشده

۲۷۰ - نمونه‌های فعل آرزویی : نمونه‌های فعل آرزویی زیاد نیست و عبارتند از :

اوستا . √jī " پیروز شدن " ، آرزویی - jījīṣa " تلاش برای پیروز شدن " معادل

سنسکریت $\sqrt{x}\dot{s}nu$ اوستا $\sqrt{x}\dot{s}nu$ ، خشود بودن"، آرزویی $\sqrt{cix}\dot{s}nu\dot{s}a$ ؛
 اوستا $\sqrt{z}\dot{n}\dot{a}$ ، " دانستن"، آرزویی- $\sqrt{zix}\dot{s}na\dot{o}nha$ معادل سنسکریت- $\sqrt{zix}\dot{j}n\dot{a}sa$ ؛
 اوستا $\sqrt{d}\dot{a}b$ ، فریب دادن، آرزویی، اوستای گاهانی $\sqrt{diw}\dot{z}a$ (یعنی
 - $\sqrt{di}\dot{b}h\dot{z}a$) " میل به فریب داشتن " معادل سنسکریت $\sqrt{dipsa}$ ؛ اوستا
 $\sqrt{sac}$ " یاد گرفتن، توانستن، آرزویی- $\sqrt{si}\dot{s}a$ (یعنی $\sqrt{si}\dot{s}ksa$) معادل
 سنسکریت- $\sqrt{si}\dot{k}sa$ ؛ همینطور چند ساخت دیگر، مانند- $\sqrt{d}\dot{id}\dot{a}r\dot{z}a$ ، از $\sqrt{darz}$
 " چهار چوب ساختن "، $\sqrt{mima}\dot{x}\dot{z}a$ از $\sqrt{ma}\dot{n}j$ " بزرگ جلوه دادن "
 $\sqrt{v}\dot{i}va\dot{r}\dot{z}a$ از $\sqrt{varz}$ انجام دادن .

۲۷۱- مثالهای صرفی - مثالهای زیر به دستگاه زمان حال تمانیک منحصر شده :

۱- اخباری الف ، زمان حال - معلوم - جمع - سوم شخص

$\sqrt{d}\dot{id}ra\dot{x}\dot{z}\dot{o}duy\dot{e}$ شخص دوم - جمع - میانه ۳۹ - ۰۱ - $\sqrt{GAV.j\dot{i}j\dot{i}\dot{s}\dot{o}nt\dot{i}}$

یسنه ۴۸ - ۷ ب . ماضی پریتیت معلوم - مفرد دوم شخص $\sqrt{Cix}\dot{s}nu\dot{s}o$ یسنه

۴۵ - ۹ - میانه - مفرد سوم شخص مفرد $\sqrt{d}\dot{id}ar\dot{z}\dot{a}t\dot{a}$ ، " او پنهنان

نگاهداشت " ($\sqrt{dar}$) .

۲- امری - معلوم مفرد سوم شخص $\sqrt{GAV.v\dot{i}v\dot{o}n\dot{g}hat\dot{u}}$ ($\sqrt{van}$) میانه -

مفرد دوم شخص $\sqrt{YAV.mima\dot{r}\dot{x}\dot{s}a\dot{g}u\dot{h}a}$.

۳- التزامی - معلوم - مفرد - اول شخص $\sqrt{GAV.cix}\dot{s}nu\dot{s}a$ یسنه ۴۹ - ۰۱ ،

سوم شخص $\sqrt{YAV.j\dot{i}j\dot{i}\dot{s}\dot{o}nt\dot{i}}$ - میانه - مفرد سوم شخص $\sqrt{mima\dot{r}\dot{x}\dot{s}\dot{a}\dot{i}\dot{t}\dot{e}}$

۵- صفت فاعلی - معلوم - $\sqrt{GAV.Cix}\dot{s}nu\dot{s}a\dot{n}t$ - یسنه ۴۳ - ۱۵ ،

میانه $\sqrt{YAV.Zix}\dot{s}na\dot{o}n\dot{h}\dot{a}m\dot{n}a$ ش ، ۷۱ یادداشت ۲

یادداشت - یک نمونه صفت فاعلی تام آرزویی $\sqrt{jax}\dot{s}a\dot{v}\dot{a}b$ ($\sqrt{jan}$) است .

و- تشدید

۲۷۲- تشدید (که گاهی اوقات تکراری^۱ گفته می‌شود) یکی از تصریفهای ثانویه است صرف تشدید، تکرار یا تشدید عملی را که توسط صرف اولیه ریشه فعلی توصیف شده بیان می‌کند. صفت مشخصه تشدید یکی ستاک مضاعف و دیگری صرف غیر تماثیک آن است. از نظر ساخت در اوستا مانند سنسکریت شباهت زیادی با طبقه مضاعف (طبقه - ۳) دستگاه زمان حال دارد، اما ساخت آن از این طبقه بوسیله هجای مضاعف در شکل قوی شده متمایز می‌گردد. صرف تشدید در فارسی باستان دیده نشده.

۲۷۳- در رابطه با مضاعف شدن، ساخت تشدید در اوستا بر بنیاد دوگانه و در - سنسکریت بر بنیاد سه گانه قرار گرفته ..

I- در اوستا هجای مضاعف شده از تکرار مصمت آغازی که بوسیله مصوت اصلی در شکل قوی شده دنبال می‌شود (a قوی شده به ā ؛ i به ē ، ōi ، ae به u ؛ ao تبدیل می‌شود) ساخته می‌شود. در سنسکریت هجای مضاعف شده تشدید مانند جاهای دیگر، مرکب است از یک مصمت منفرد که بوسیله یک مصمت دنبال می‌شود. قواعد مربوط به مضاعف شدن مصمت‌ها در تشدید نیز مانند قواعد مربوط به زمان حال و تام است، اما مصوت آن سنگین است، a ی اصلی r̥ (یا ar) با ā، مصوت i با e، و مصوت u با o مضاعف می‌شود.

II- در اوستا و سنسکریت هجای مضاعف یک مصمت پایانی دارد که همان مصمت پایانی ریشه است. یا به بیان دیگر هجای مضاعف شده از تکرار تمام ریشه ساخته شده است این مصمت با یک یا دو استثناء، یا r (یا جانشین آن در سنسکریت 1) است یا یک مصمت غنه.

III- در سنسکریت مضاعف شدگی غیر هجائی است، یک مصوت ī بعد از مصمت پایانی هجای مضاعف اضافه می‌شود. این مصوت ī قبل از یک مصمت تکراری کوتاه است، و بعد از یک مصمت منفرد بلند است.

۱- در فارسی امروز مانند " دوباره جوشاندن ".

۲۷۴- در رابطه با هجای اصلی - هجای اصلی در تشدید با توجه به شخص و-

وجه فعل گاهی در شکل قوی و گاهی در شکل ضعیف است . صرف تشدید همانطور که در بالا گفته شد غیر تماتیک است .

۲۷۵- مثالهای ساخت تشدید نمونه‌های شرح ساخت تشدید عبارتند از :

I - مضاعف شدن در شکل قوی شده : اوستا $\sqrt{\text{part}}$ جنگیدن " ، تشدید pā-pār^{t} ، اوستا $\sqrt{\text{dis}}$ " نشان دادن " ، " آموختن " daē-dōis- ، daē-dis- معادل سنسکریت dē-dēs- ، dēdis- ، اوستا $\sqrt{\text{vid}}$ ، یافتن " vōi-vid- معادل سنسکریت vé-vid- ، اوستا $\sqrt{\text{zū}}$ " صدا کردن " ، zao-zao- معادل سنسکریت jō-hav-

II - ریشه تکراری : اوستا $\sqrt{\text{dar}}$ " پاره کردن " dar-dar- معادل سنسکریت Cār-kr- ، اوستا kar ، " ساختن " cakar^{t} ، معادل سنسکریت Cār-kr- ، اوستا $\sqrt{\text{žar}}$ جریان داشتن ، $\text{žar-žar}^{\text{t}}$ (در صفت فاعلی) در مقابل سنسکریت Cā-kṣar- .

یادداشت - یک مورد تشدید با صرف ya- (طبقه - ۴ تماتیک) در نمونه زیر دیده شده است AV. raś ، " زخم زدن " اوستای $\text{rā-rəṣ-ye}^{\text{t}}\text{ntī}$ (اخباری) یسنه ۴۷-۴ ، rā-rəṣ-yaṇ (التزامی) یسنه ۳۲-۱۱ ، اوستای rā-rəṣ-ya-ntō . (اسم فاعل ، جمع) یشت ۱۱-۶ ، اما غیر تماتیک در اوستای rā-rəṣ-ya-ntō . (صفت فاعلی) یسنه ۴۹-۲ ، سنسکریت rā-raks- ؛ نیز نک . - ویتنی ش ۱۰۱۶- " مشابهتا " ، اوستا yah " جوشاندن " yaēṣya (یعنی yā-iṣ-ya-) در صفت فاعلی yaēṣyaṇt معادل سنسکریت yā-yas- .

۲۷۶- مثالهای صرفی - صرف تشدید به دستگاه زمان حال غیر تماتیک منحصر

شده و اکثراً " در اوستای گ. دیده می‌شود ، بدین قرار :

۱- اخباری - الف - زمان حال : معلوم - مفرد اول شخص GAV. zao-zao-mī

جمع اول شخص $\text{GAV. car}^{\text{t}}\text{kər}^{\text{t}}\text{-mahī}$ یسنه ۵۸-۴ ، - میانه - مفرد

اول شخص GAV. vōi-vīd-ē - ب - پریتریت مفرد سوم شخص

.daē-dōis-t

۴- تمنائی - معلوم ، مفرد سوم شخص YAV.dar²-daⁱr-yāt (با ستاک
اصلی در شکل قوی - dar بجای شکل مورد انتظار ضعیف -dər²).

۵- صفت فاعلی - معلوم YAV. ȝzar²-ȝzar -ənt- (صرف a).

۲۷۷- انتقالات به صرف a عبارتند از : اخباری ، مضارع ، سوم شخص مفرد

معلوم YAV. naē-niž-aⁱti " جابجا می شود " غیره .

۷I. اشکال انتزاعی فعل

وجه وصفی ، جراند ، مصدر

۲۷۸ - در ایرانی باستان مانند سنسکریت وجه وصفی یا صفت فعلی ، جراند ، با

جراند بو ، و مصدر یا اسم فعل متعلق به مقوله فعل هستند .

الف - وجه وصفی

۱- وجه وصفی مختوم به at ، ant (معلوم) ، mna ، $\bar{a}na$ (میانه)

معادل سنسکریت ant (معلوم) ، $m\bar{a}na$ ، $\bar{a}na$ (میانه)

۲۷۹- آن صورت وجه وصفی مختوم به at ، ant (یعنی nt) مونث $a^i nt\bar{i}$

$a^i t\bar{i}$ در حالت معلوم ، و اشکال مختوم به mna ، $\bar{a}na$ ($\check{a}na$) در حالت میانه ، در هر

دستگاه فعلی را " صفت فاعلی " نامند .

صفت فاعلی از ستاک فعلی ساخته می شود و یک قسمت از هر دستگاه زمان فعل را

تشکیل میدهد . نیز نک ، ش ، ۶۵ و تا به حال صفت فاعلی هر دستگاه در زیر همان دستگاه

مورد بحث قرار گرفته است . در اینجا صورتهای معین دیگری از وجوه وصفی مورد بررسی قرار

می گیرد که مستقیماً " از ریشه ساخته شده است بنام صفت مفعولی که بطور کلی متعلق به دستگاه

صرف فعل است ولی قسمت مخصوصی از دستگاه زمان فعل را تشکیل نمیدهد .

۲- صفت مفعولی^۱ با پسوند ta ، سنسکریت ta'

۲۸۰- برای ساختن صفت مفعولی در ایرانی باستان پسوند ta ، معادل سنسکریت ta'

را مستقیماً " به ریشه فعلی (ضعیف) که تابع تغییرات سهولت ادائی است اضافه می کنند ، این

Past(perfect)Passive Participle
Passive Participle

۱- ترجمه ای است از :

یا :

صفت فعلی ممکن است از هر ریشه فعلی چه لازم و چه متعدی شکل داده شود. و قتیکه ریشه فعل در معنی لازم یا خنثی باشد وجه وصفی در معنی معلوم است فارسی باستان *Paraitā* "جلورفته" و *marta*، "مرده"، سنسکریت *gata*، "رفته"، و قتیکه فعل در معنی متعدی باشد، وجه وصفی تداوم عمل بوسیله فعل را بیان می‌کند. نک ویتنی. ش. ۹۵۲ بدین فرار، اوستا *gor³pta* در چنگ آورده (*graw*) معادل سنسکریت *grbh¹ta¹*، این صفت های فعلی، با پسوند *ta* (مذکر و خنثی)، *tā* (مونث) ساخته می‌شود و قاعدتا بر طبق صرف *a* (صفت) صرف می‌شود. مثال: از *√pā*، "حمایت کردن" ایرانی باستان *pāta*، سنسکریت *pāta*، اوستا *druxta* "گول خورده" (*√druj*) معادل سنسکریت *drugdhā*.

۲۸۱- طرز عمل ریشه قبل از *ta*، ریشه قبل از پسوند *ta* موضوع تغییر و تبدیل

قرار می‌گیرد و شامل گونه گونی می‌شود. نقطه نظرهای زیر مورد توجه قرار گرفته‌اند:

۱- ریشه بطور خیلی معمول (اما نه همیشه) در شکل ضعیف است، در این صورت مصمت غنه یکی به آخر مانده در ریشه قبل از *ta* یا *tā* مشابهتا می‌افتد بدین قرار، با شکل ضعیف از *√vac* "صحبت کردن"، صفت مفعولی *uxta* معادل سنسکریت *ukta* اوستا *√hu* "فشار دادن" معادل سنسکریت *suta* اوستا *√xan³* "کشیدن" راندن *axta*، اوستا *√xan³* "احاطه کردن" *x³axta* معادل سنسکریت *svaktā*، اوستا *√bañd* "بستن"، ایرانی باستان *basta* معادل سنسکریت *baddha*، شکل ریشه قوی یا بدون تغییر ایرانی باستان *√dā* "قرار دادن" *dāta*، در مقابل سنسکریت *hita*، اوستا *√taš* "بریدن" شکل دادن *tašta* معادل *tašta*، فارسی باستان *√bar* "نگهداشتن" *barta*،

۲- ریشه‌های مختوم به *ā*، صفت مفعولی آنها به این صورت است. اوستا

√stā "ایستادن"، *stāta*، در مقابل سنسکریت *sthita* اوستا *√snā* جنگیدن *snāta* سنسکریت *snāta*، ایرانی باستان *√pā* "حمایت کردن"

pāta-، سنسکریت -pāta'، فارسی باستان dī- دیدن -dīta، فارسی باستان mā-√ اندازه گرفتن -āmāta..

۳- ریشه‌های مختوم به ar، اغلب دست‌نوشته‌های مختلف شکل‌های ar^ota را نشان می‌دهد، بدین قرار، اوستا √bar، نگاهداشتن، -bār^ota، سنسکریت -barata، اوستا star "گستردن" -frastār^ota، سنسکریت -frastar^ota، ایرانی باستان /kar ساختن -karta.

۴- ریشه‌های مختوم به an، am در اوستا مانند سنسکریت اغلب شکل ata (یعنی ntā، m̐tā) و گاهی اوقات āta را نشان می‌دهند. بدین قرار، اوستا jan، کشتن، -jata، معادل سنسکریت -hata'، فارسی باستان -avajata، اوستا √man "فکر کردن" -mata، معادل سنسکریت -mata، اوستا √gam "رفتن" -gata، اوستا √zan "زادن" -zāta، معادل سنسکریت -jātā.

۵- اما در مورد ریشه‌های مختوم به an، am، اغلب مصمت خیشویی ابقا می‌شود. (m قبل از t با n همگون می‌شود.) بدین قرار اوستا √kan کردن -kaṇta (هم چنین -kata) در مقابل سنسکریت -khātā'، فارسی باستان -kaⁿta، اوستا √zan دانستن -zaṇta، اوستا √gram "عصانی شدن" -graṇta.

۶- گاهی قبل از ta، ی کوتاه بصورت ū ی بلند ظاهر می‌شود، بدین قرار: اوستا √sru "گوش دادن" -srūta، سنسکریت -srūta'؛ اوستا √dru "دویدن" -drūta، معادل سنسکریت -drūta'.

۲۸۲- صفت مفعولی با پسوند ita، اگر چه در سنسکریت معمول است، اما در اوستا بندرت دیده شده، این موارد در اوستا عبارتست از : AV. darṣita- یسنه ۵۷-۱۱ معادل -Zaⁱrita-، AV.raodita-SKT.dhṛṣita- که بهتر است تحت عنوان پسوندها مورد بررسی قرار گیرد، نیز نک. جک. ش. ۷۸۶ یادداشت ۱.

۳- صفت مفعولی با na، سنسکریت na

۲۸۳- در ایرانی باستان ساخت صفت مفعولی با پسوند na بسیار نادر است و در- سنسکریت این نوع صفت مفعولی با پسوند na نسبتاً "بیشتر است". ریشه معمولاً "در شکل ضعیف و عملکرد آن در اینجا هم اغلب مانند نوع ta یا ta' است. با این تفاوت که پسوند na همیشه بدون مصوت کمکی i قبل از آن واقع می شود. اوستا $\sqrt{tan}$ "دراز کردن"، کش آمدن - "ustāna" "کش آمده" سنسکریت uttāna اوستا ū "خواسته شدن" - una سنسکریت - - ūna، اوستا par "برکردن" - par^ana، در فارسی باستان در مورد اسم دو شخص زیر دیده شده است ، - Bagābigna، - Aθiyābušna،

۴- صفت فاعلی معلوم تام با پسوند vah

۲۸۴- در مورد ساخت صفت فاعلی معلوم تام ، تحت عنوان دستگاه تام مورد بررسی قرار گرفته است . نک . ش . ۱۸۶

۵- صفت فاعلی میانه تام با پسوند āna, āna

۲۸۵- در مورد ساخت صفت فاعلی میانه تام ، تحت عنوان دستگاه تام مورد بررسی قرار گرفته است . نک . ش . ۱۸۶

ب . جراند یو و جراند

۱- جراند یو ؛ (الف) وجه وصفی مجهول آئینده با ya (صرف شده)

۲۸۶- در ایرانی باستان مانند سنسکریت یک نوع صفت اشتقاقی صرفی (چون بیشتر قسمتهای آن کم و بیش از تصریفهای ثانویه است) با مفهوم فعلی از بعضی از افعال بوسیله اضافه کردن پسوند ya در اوستا ta در فارسی باستان به ریشه بدست می آید . چنین

صفتی الزاما " تحت تاثیر ریشه‌ای که از آن مشتق شده است ، قرار می‌گیرد یا بایستی قرار بگیرد . نظر باینکه درست شبیه بیشتر وجه وصفی ها است و هم چنین گاهی مانند یک قسمت عمومی از دستگاه فعلی است آنرا " وجه وصفی مجهول‌آینده " یا جراندیو " گویند و قاعدتا " بر طبق صرف a- (صرف صفت) صرف می‌گردد . در معنی اغلب با ساخت لاتین ndus (amandus دوست داشتنی) مطابقت می‌کند از اینرو معمولا " جراندیو یا " وجه وصفی مجهول‌آینده " گفته می‌شود .

مثال : اوستا $\sqrt{is}$ آرزو داشتن " ، جراندیو (صفت فعلی) iṣya- سنسکریت
 $\sqrt{kar}$ اوستا iṣya- ، " شخم زدن " ، karṣya- ، سنسکریت kṛṣya- ؛ اوستا
 $\sqrt{var}$ انتخاب کردن ، باور کردن " vaⁱrya- سنسکریت vārya- و غیره ، فارسی
 باستان از افعال لازم و از اینرو در معنی معلوم عبارتند از ؛ $\sqrt{\theta ak}$ ، گذشتن
 (nsn) $\theta akatam$. $\theta akatā$ (npn) ، رفتن $\sqrt{gam}$ ، ha^mgamatā (npm) " گرد
 آمده " ، Parāgamatā ، " به پیش رفته " ،

۲- جراندیو : (ب) وجه وصفی مجهول‌آینده با $\sqrt{wa}$, tva ، سنسکریت tua, tva

۲۸۷- نوع دیگری از صفت اشتقاقی صرف شده که در معنی مانند نوع الف ش . ۲۸۶
 است دیده می‌شود و از اضافه کردن پسوند tva ، $\sqrt{wa}$ ، $\sqrt{dwa}$ مستقما " به ریشه در شکل
 قوی بدست می‌آید . چنین صفت فعلی قاعدتا " مطابق صرف a- صرف می‌گردد . مثالها
 عبارتند از ،

AV. ja $\sqrt{wa}$ - " Worthy to be killed: ($\sqrt{jan}$) = SKT. hāntva-

AV. xśnao $\sqrt{wa}$ - " Worthy to be satisfied" ($\sqrt{xśnu}$) ;

AV. Varštva- "to be done" ($\sqrt{varz}$) , ma $\sqrt{wa}$ - to be

though" , va $\sqrt{dwa}$ - "to be spoken".

۳- جراند (مطلق) با ya (غیر قابل صرف) .

۲۸۸- در سنسکریت این باصطلاح جراند یک مورد یکنواخت و قالبی اسم فعل (مانند مصدر) است. بطور کلی جراند به عنوان صفت برای مفعول منطقی جمله بکار برده می‌شود و بر عمل همراه یا ماقبل آن دلالت می‌کند - که بوسیله فعل جمله مشخص می‌شود. جراند در معنی ارزش یک وجه وصفی غیر قابل صرف را در زمان حال یا گذشته دارد و نیز شخص عمل کننده‌ای که عملش توصیف شده را بیان می‌کند. سنسکریت *stīrtvā, gīrya* در اوستا گونه‌ای از جراند یا مطلق (غیر قابل صرف) با ya در نمونه‌های زیر مشاهده می‌گردد: با *daⁱye* اوستا "Seizing" *aⁱbigaⁱrya* اوستا "throwing away" *paⁱtiricya*

ج- مصدر

۲۸۹- در اوستا مانند سنسکریت مصدر یک اسم فعل است یا به بیان دیگر مصدر یک اشتقاق انتزاعی از یک فعل است. مصدر یا مستقما "از ریشه فعلی ساخته می‌شود و یا گاهی از ستاک فعلی. چنین اسم اشتقاقی با یک مفهوم مصدری یا نیمه مصدری بکار میرود. این ساخت اسمی در اوستا و سنسکریت ودائی غالبا "در حالت براهی و گاهی در دیگر حالتها است سنسکریت متاخر دارای یک نوع مصدر منحصر بفرد میباشد. که در حالت رایی از یک اسم فعل ساخته شده است و بوسیله پسوند *tu*, معمولا "بطور مستقیم، اما غالبا "به کمک مصوت *i* به ریشه متصل می‌گردد و نتیجتا "شناسه مصدری یا *stum* یا *itum* است. ریشه در شکل گونا و تکیه دار است. بدین قرار *etum* از *√i* و *caritum* از *√car* در اوستا این اشتقاق انتزاعی اکثرا "از یک ستاک اسمی^۱ بوسیله پسوند *ti, di*، *ah* یا گاهی از ستاکهای مختوم به *van, man* و *a* و یا از ستاکهای بدون پسوند ساخته می‌شود. مصدر در فارسی باستان فقط از ستاک زمان حال معلوم با اضافه کردن پسوند *taniy* بدست می‌آید. تن یا دن در فارسی امروز تحول یافته همین پسوند مصدر ساز در فارسی باستان است. *taniy* حالت براهی

1. substantive stem

(dat.) مفرد از ستاک tan - است . فارسی باستان "kən" "کند" :kaⁿtanaiy bar

نگاهداشتن bartanaiy ، nipaiθ nipaištanaiy نوشتن .

۲۹۰ - مثالهای مصدر یا اسم فعل در اوستا عبارتند از : نیز نک . جک . ش . ۷۲۰

و ویتنی ۹۷۰

۱- شناسه اوستائی -dyāi ، -dyāi- حالت برای (dat.) معادل

سنسکریت -dhyāi .

(اساسا "GAV." ؛ بندرت . YAV)

از ریشه : اوستای گ dər^θdyāi برای نگاهداری " (√dar) -از ستاک

زمان حال : اوستای گ . vər^θzyeⁱdyāi " کار کردن ، " اوستای م . vazaⁱdyāi

" برای راندن " (√vaz) یشت ۱۵ - ۲۸ ، srāvayeⁱdyāi " اعلام کردن "

یشت ۲۴ - ۴۶ .

۲- شناسه اوستائی . tayae-Ca, -tē tayae- برای معادل سنسکریت -tayē

(فقط . YAV ، اما غالبا ")

از ریشه : اوستای م anu-matayaē-ca, anu-matē anu-matayaē-ca " فکر کردن " √man

معادل سنسکریت ānu-matayē ، اوستا kər^θtē

برای ساختن (√kar) معادل سنسکریت kṛtayē ، اوستا bər^θtē برای

حرکت " و غیره

۳- شناسه اوستائی . aṇhe - برای معادل سنسکریت -asē .

(اساسا " GAV.)

از ستاک مضارع : اوستای گ . vaēnaṇhē " دیدن " (√vaēn) ، srāvayēṇhē

" تکرار کردن " (√sru ، سبی) ، اوستای گ . aṇhē ، avaⁱṇhe

avaṇhaē-ca کمک کردن (√av) . -از ستاک اثوریست مضاعف ، اوستای

گ . vaocaṇhē " صحبت کردن " (√vac) .

۴- شناسه اوستائی . -maⁱne ، -vaⁱne برای معادل سنسکریت
-vanē, -manē.

(YAV., GAV.)

از ستاک مضارع : اوستای م . staomaⁱne (برای) ستایش کردن (√stu)
اوستای گ . vīdvanōi " دانستن (√vid) و غیره

۵- شناسه اوستائی . -āi برای (صرف -a) معادل سنسکریت -āi .

(YAV. , GAV.)

از ریشه . اوستای م . jayāi " پیروز شدن " (√ji) -
از ستاک : اوستای گ . و م . frada^vāi " وسعت دادن " (√dā) .

۶- شناسه اوستائی . -ē برای (اصلی) معادل سنسکریت -ē .

(GAV. "اساسا")

از ریشه : اوستای گ . dar^osōi " بنظر آمدن " (√dars) , Suyē ,
savōi " سود بردن " ، " نجات دادن " (√su) , Pōi " حمایت
کردن .

۷ . شناسه -te دری

(YAV., GAV.)

از ریشه : اوستای گ . āitē " رفتن به " (√i) یسنه ۳۱-۹
از ستاک : اوستای م . daste " نهادن ، ساختن " ویسپرد ۱۵-۱

۲۹۱- تعدادی ساختهای دیگر در حالت رائی ، اضافی ، دری و موارد اسم معنائی

در رابطه با مصدر ممکن است قرار بگیرد . برای مثال نگاه کنید به گلدنر (K.Z.xxvII,P.226)

و بارتلمه (K.ZxxvIII,P.17,B.B.xv.p.215 seq.)

عبارات فعلی حشوی^۱

۲۹۲- عبارات فعلی حشوی اگر چه در اوستای گ . شناخته شده است . و لــــی

اساساً " در اوستای م . دیده شده است . نک . ش . ۱۳ ، نیز نک ، جک : ش . ۷۲۲

۲۹۳- وجود احتمالی یک نوع تام حشوی قبلاً " در ش . ۱۹۰ بیان شده است .

۲۹۴- در اینجا تعدادی از این عبارات حشوی که بوسیله یک صفت ، وجه وصفی ، و

یا یک اسمی که با فعل ترکیب شده و مستلزم توجه هستند ارائه می گردد :

۱- حشوی با اوستا i " رفتن " ، معادل سنسکریت $\sqrt{i}$ ، نک ویتنی ۱۰۷۵

اوستای گ . stavas ayeñi " من ستایش خواهم کرد " یسنه ۵۰-۹ .

۲- با ریشه اوستائی $\sqrt{āh}$ " نشستن " ، معادل سنسکریت $\sqrt{ās}$ و اوستا $\sqrt{stā}$

" ایستادن " ، معادل سنسکریت $\sqrt{sthā}$ ، نک . ویتنی ۱۰۷۵ سی . اوستای م .

tē hištenti yzar^h yzarəntiš, " upa.maⁱtīm āste باقی می ماند "

آنها جریان را حفظ می کنند "

۳- با ریشه اوستائی ah بودن ، معادل سنسکریت as ، و اوستا bū " بودن "

معادل سنسکریت bhū ، نک ویتنی ۱۰۷۵ د . اوستای گ . ahvā frīnəmnā

" بیا هر دو نماز بریم " ، اول شخص مثنوی اینجا نکتیویسنه ۲۹-۵ ، اوستای گ .

hyāte cixənušō " بگذارید یک نفر خشنود باشد " ، یسنه ۴۳-۱۵ ، اوستای

g . isvā has " قادر بودن " ، اوستای م . paⁱrikər^hntiš aṇhən

اوستای م . yaoždayan aṇhən و نیر $\text{Frāo}^{\text{h}}\text{ristā}^{\text{h}}$ یشت ۱۳-۲۵ -

اوستای م . yat bavāni aⁱwi.vanyāō " که من فتح خواهم کرد " ، اوستای

m . yaoždāta būn " تمیز خواهند شد " ، vavanə buye " پیروز شدن "

1- Periphrastic verbal phrases.

۴- با $\sqrt{d\bar{a}}$ دادن " ، ساختن ، " انجام دادن ، نیز از قرار معلوم ،
 اوستائی م . $Pa^i tiricya da^i e$ " من می‌پذیرم " $a^i b\bar{ig}a^i ry\bar{a} da^i e$ " او دور می‌اندازد " . نیز نک . جک . ش . ۷۱۸

فصل چهارم: خلاصه و نتیجه گیری

قربانیت دو زبان اوستا و سنسکريت — نوشته های فراوان سنسکريت بهترين و استوارترين پشتيبان زبانهای اوستائی و فارسی باستان است . چنانکه ميدانيم با پيش آمدهای سهمگين در ايران نوشته های ايراني پيش از اسلام مورد آسيب قرار گرفته و فقط بخش ناچيزي از اوستا بمانده است . کم و کاست اين دو زبان باستانی ايراني را با زبان ديگر آريائی که در هند زبان مردم هم نژاد ما بوده مي توان جبران کرد . اگر نوشته های فراوان سنسکريت نبود در بسياری موارد بگشودن دشواريهای دو زبان باستانی ايران کامياب نمي شديم . دستور زبانی که امروزه برای اوستا و فارسی باستان در دست داريم و کليد فهم اين دو زبان کهنسال ايران گرديده ، در قرون اخير با توجه به دستور زبان سنسکريت فراهم شده است ، زيرا که اين سه زبان خويشاوندی بسيار نزديک با هم دارند . با اندک تفاوت ، کوشش هر سه از یک بنياد است و صرف و نحو يکی از آنها مي تواند برای ديگری نيز بکار آيد .

برخی از دانشمندان اوستا و سنسکريت (چون کرېستن بارتلمه آلمانی) برای نشان دادن پيوستگی زبان اين دو گروه یک جمله سنسکريت را برگزيده در زير هر کلمه معادل اوستائی آنرا نوشته و همان نوشته و همان قاعده صرف و نحوی سنسکريت را در مورد آن کلمات اوستائی — اجرا کرده و نتيجه " یک جمله درست اوستائی ساخته است " . از پرتو همين پيوند و خويشی است که دانشمند فرانسوی بنام " اميل لویی بورنوف " برای فهم اوستا به سنسکريت پرداخته و بياری صرف و نحو و گنجينه لغات اين زبان پسته را که بخشی از اوستا است از اوستا به فرانسه برگردانیده و در سال ۱۸۳۳ ميلادی انتشار داده است . از اين تاريخ است که دانشمندان

بیشتر به سنسکریت روی کرده تا اوستا و فارسی باستان پایه استوار علمی گیرد، و بویژه اوستا از قید مفهوم سنتی بیرون آید. دانشجویانی که اوستا و فارسی باستان و سنسکریت می‌آموزند خود بخوبی پیوستگی این سه زبان را به یکدیگر می‌یابند. چه ریشه هریک از واژه‌های اوستائی و فارسی باستان را از مآخذ سنسکریت خواهند یافت.

روابط میان گویش‌ها در عصر زبان ایوانی باستانی - قدیمترین آثار زبانهای ایرانی (اوستا و کتیبه‌های میخی فارسی باستان) خود دلیلی است که در عصر زبان ایرانی باستان مابین گویش‌های ایرانی اختلافاتی وجود داشته است. پیدایش این اختلافات نتیجه طبیعی تقسیم قبایل ایرانی زبان عهد باستان به گروههای جداگانه و پراکنده شدن ایشان در پهنه‌های آسیای میانه و ایران و سرزمینهای مجاور بوده است.

طبقه‌بندی زبانهای باستانی ایرانی از لحاظ گویش‌شناسی - نتیجه این جریان اختلافاتی بود که از قدیم میان گویش‌های قبایل ایرانی زبان پدید آمد. این اختلاف مبنای تقسیم گویش‌های ایرانی است به دو گروه اصلی: یکی گروه الف / گروه گویش‌های غربی ایرانی و دیگری ب / گروه گویش‌های شرقی ایرانی. دشت کویر را می‌توان به طور مشروط و قراردادی مرز مناطق این دو گروه قرار داد: به این معنی که گویش‌های متداول در مشرق بیابان مزبور "گروه شرقی" و گویش‌های سمت مغرب کویر "گروه غربی" را تشکیل می‌دادند.

در آن عصر گویش‌های متداول در آسیای میانه و نواحی مجاور آن (خوارزم، سغد، باختر، مرغیانه) جزو گروه زبانهای ایرانی شرقی بودند بعضی از ویژگیهای شرقی ایرانی در اوستای گاهانی دیده می‌شود. اما از میان گویش‌های غربی ایرانی دو گروه مشخص می‌گردد.

الف / گروه گویش‌های شمال غربی (مادی) که در شمال غربی فلات ایران رواج داشته و **ب /** گروه گویش‌های جنوب غربی (پارسی) که در جنوب غربی فلات مزبور در کرانه خلیج فارس (ناحیه پارس) متداول بوده. زبان کتیبه‌های میخی فارسی باستان جزو لهجه‌های اخیر است. علی‌رغم وسعت اراضی‌ای که در اواسط هزاره اول قبل از میلاد مسکن قبایل ایرانی زبان بوده گویش‌های قبایل مزبور هنوز در آن عصر وجوه مشترک بسیاری را که از زبان اصلی باستانی

ایرانی به ارث برده محفوظ داشته بودند . زبان کتیبه‌های میخی فارسی باستان چنان به زبان – اوستا نزدیک است که آن دو را می‌توان گویش‌های یک زبان – یعنی زبان اصلی باستانی ایران



جریان انتقال زبانهای ایرانی از حالت باستانی به صورت زبان میانه ایرانی-ویژگی همه زبانهای باستانی ایرانی همانا تصریف و انعطاف پذیری تمام اشکال دستوری آنها بوده است . صرفه آسامی و ضمائر و غیره که قواعد دستوری زبانهای باستانی ایرانی بر آن مبتنی است در – اوستا و کتیبه‌های فارسی باستانی کاملاً " نمایان است . ولی هم در عصر باستانی زبانهای ایرانی بتدریج تصریف و انعطاف آسامی و ضمائر ضعیف شد . شناسه‌های دستوری (که صرف حالت و یا جنس و غیره بودند) آخر کلمات رفته رفته خفیف شده زایل گشتند و این خود به تدریج موجب زوال و گسیختگی قواعد باستانی صرف و انعطاف کلمات گشت . زوال و گسیختگی اساس مزبور با قوانین تکیه ضربی کلمات زبان ایرانی باستان رابطه نزدیک دارد . و این قوانین بیشتر از مدارک تاریخ زبان فارسی شناخته شده‌اند .

طبق قوانین مزبور تکیه به روی هجای دوم یا سوم از آخر کلمات می‌افتاد . مثلاً " در واژه فارسی باستان *bandakānam* ، *asmānam* هجاهای بعد از تکیه کسه باالطبع با نیروی کمتری از هجاهای تکیه دار تلفظ می‌شدند . رفته رفته ضعیف و خفیف شده حذف گشتند ، و چون عناصر اصلی تصریف و انعطاف کلمات در پایان کلمه متمرکز بودند " سترده شدن " پایان کلمات سرانجام منجر به نابودی دستگاه انعطاف و تصریف گشت . در فارسی میانه *bandagān* و *asmān* شد ، به موازات گسیختگی . نابودی دستگاه انعطاف و تصریف اختلاف میان حالات کلمه ، مذکر و مونث و خشی مفرد و مثنی و غیره از بین رفت . و بجای آنها حروف اضافه از ، یا ، در ، ای و ... جایگزین نشانه‌های تصریف گردید .

در ضمن نابودی تدریجی اساس تصریف ، زبان ایرانی از صورت باستانی به حالت میانه درآمد و عصر زبان ایرانی باستانی به عصر زبان ایرانی میانه انتقال یافت که از لحاظ دستوری ساده تر گردید . آغاز این جریان را می‌توان در کتیبه‌های میخی فارسی باستان پایان قرن پنجم تا چهارم قبل از میلاد مشاهده کرد .